

# المهدي طاووس الالحنه



# طاووس بہشتیان

\* جلد چہارم \*

مؤلف :

گل محمدی آرمان

بسمه تعالی

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : طاووس بهشتیان

جلد : چهارم

مؤلف : گل محمدی آرمان

تعداد صفحات : ۲۵۵ صفحه

چاپ : اول

انتشارات : دارالنشر قم

تاریخ انتشار : پائیز ۱۳۷۱

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

قطع : رقعی

لیتوگرافی : تیزهوش - قم

## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۵۵	پیوستن فرشتگان	۴	پیشگفتار
۱۵۹	ذوالقرنین	۲۰	قسمت سیزدهم
۱۶۴	قیام از شهر مقدس قم	۳۸	تولد حضرت حجّت
۱۶۶	نفس زکیه	۵۲	شروع غیبت صغری
۱۶۹	خسف، قذف، مسخ	۵۲	نواب اربعه
۱۷۵	خروج یمانی	۵۴	بابیت
۱۷۶	خروج سید خراسانی	۵۷	مهدویت
۲۰۴	مواریث انبیاء	۵۷	ادیان مختلف
۲۰۶	وعده خدا تحقق پذیرد	۵۹	مکتب امید بخش اسلام
۲۱۰	بیعت جبرئیل	۶۱	عمر شریف آنحضرت
۲۱۴	نابودی شیطان	۶۴	فلسفه غیبت
۲۱۵	نابودی پیروان شیطان	۶۸	بیعت با آنحضرت
۲۱۷	پیوستن یاران	۷۴	قسمت چهاردهم
۲۲۵	خضر پیامبر	۱۱۴	بیعت آنحضرت با.....
۲۲۸	اصحاب کهف	۱۲۲	رجعت
۲۳۱	نزول حضرت عیسی	۱۳۷	سفیانی
۲۵۳	خاتمه	۱۴۲	دجال

الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْعَصْرِ (عَج) أَدْرِكُنِي

درود و رحمت بی‌پایان بر آخرین وصی، بر پادارنده حق

و عدالت آقا امام زمان (ع)

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

به ريسمان خدا چنگ بزنيد و پراکنده نشويد

آری "همان ريسمانی که امید بخش همه انسان‌های ستم‌دیده و به

استضعاف کشیده شده در همیشه تاریخ، تحقق بخش وعده‌های

همه انبیاء الهی از آدم (ع) تا خاتم (ص) است او که دوازدهمین

پیشوای آسمانی اسلام حضرت حُجَّة بن الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ صَلَّواتُ

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ می‌باشد.

نام مقدّس ( م ح م د )

اسامی دیگر آن حضرت:

حجّت خدا، خاتم اوصیاء، مهدی، منتظر، وارث، باعث،  
خلف صالح، قائم به حق، مظهر دین، داد گستر، بَقِيَّةُ اللّٰهُ،  
صاحب الزّمان، صاحب شمشیر، منصور، تالی، نائب، خالص،  
صاحب الامر، منتقم، سیّد، جابر، امیر امیران، ثائر، خازن، باسط،  
برهان.

القاب مبارک:

مهدی، حجة الله، منتظر، قائم، صاحب الزّمان.

کنیه شریف: ابوالقاسم، ابو عبدالله

محل ولادت: شهر مقدّس سامراء

ساعت ولادت: موقع طلوع فجر

روز ولادت: از ایام هفته روز جمعه

روز ولادت: از ایام ماه پانزدهم ماه مبارک شعبان

سال ولادت: (۲۵۵) یا (۲۵۶) هجری

مدّت عمر و امامت: از حین ولادت تا آن موقع که خدای

بزرگ اجازه ظهور را مقرر فرماید و پس از سپری شدن دوران

حکومت، آن حضرت را شهید نمایند. دوران امامت از سال ۲۶۰

و یا ۲۶۱ هجری به بعد می باشد. به امید ظهور آن سرور

و براستی سر سبز باد مزرعه انتظار ما ای امام زمان، بیا ای

تنها امید بیچارگان، بیا، بیا آمدنت مبارک.

و اما در مورد سیمای ملکوتی آن حضرت، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

رخسار " مهدی من " همچون ستاره درخشان می‌درخشد از زیبایی همچون طاووس بهشتی است دندانهایش شمرده و قدش معتدل است، بدنی نیرومند، سینه و کتفهای پهن و عضلاتی قوی دارد. **الْمَهْدِيُّ طَاوُوسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ**<sup>۱</sup>

و در بسیاری از روایات وارد شده که امام زمان (ع) شبیه‌ترین مردم به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و جمال و حُسن صورت و سیرت آن حضرت به گونه‌ای است که قلم از نوشتن و زبان از بیانش عاجز است و آنها که به فیض دیدار آن سرور نائل شده و فروغ چهره تابناکش را دیده‌اند، بالاتفاق گفته‌اند هیچ کس را با آن خوش قامتی و درخشندگی جمال مشاهده نکرده‌اند.

از جمله محمد بن عبدالله از اهل قم وقتی ماجرای تشریفش را به محضر حضرت صاحب الزمان علیه السلام نقل می‌کند می‌گوید:

لَمْ أَرَقَطُ فِي حُسْنِ صُورَتِهِ وَاعْتِدَالِ قَامَتِهِ

هرگز بسان او در زیبایی صورت و اعتدال قامت ندیدم.<sup>۲</sup>

۱- ینابیع الموده ص ۱۸۱

۲- کتاب الغیبه تألیف شیخ طوسی قدس سره صفحه ۱۵۳

و حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرمایند:  
 مهدی ما زمانی که قیام کند در سنین کهولت است ولی  
 سیمائی جوان دارد و آنچنان نیرومند است که اگر کهنسال‌ترین  
 درختان را دست زند، آن را از جای بر کند و اگر در میان  
 کوه‌های بزرگ فریاد بر آورد، همه را دچار طنین صدای خویش  
 گرداند.

خدا او را از انظار تا بخواهد دور نگه می‌دارد پس از آن  
 جلوه او را آشکار نموده و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد.<sup>۱</sup>  
 و پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

حضرت مهدی در زیبایی و جمال طاووس اهل بهشت  
 است و اما جمال باطن و حُسن سیرت آن بزرگوار بگونه‌ای است  
 که به شخصی چون حضرت عیسی بن مریم (ع) تشبیه شده که  
 زهد و عبادت و بی‌رغبتی به دنیا و مهربانی‌اش زبانزد خاص و  
 عام گردیده و به قدری در جنبه معنوی اوج گرفته که بیشتر  
 مردم گمان می‌کنند او پیامبر یک بُعدی و فقط الگوی نیایش و  
 الهام بخش ترک دنیا بوده است.<sup>۲</sup>

و یکی دیگر از مسائلی که درباره آن بحث‌هایی شده  
 موضوع رفتاری است که حضرت مهدی (ع) پس از ظهور با

۱ - غیبت نعمانی ص ۱۱۳

۲ - بحار الأنوار ص ۹۱



افراد و جوامع بشری دارد بر طبق اخبار و روایات.... روش آن حضرت بسیار کریمانه و قاطع نسبت به آحاد مردم می باشد برای همه آنهایی که از زندگی پر رنج و درد بتنگ آمده و ظلم و ستم آنها را خسته و کوفته نموده و به دنبال نجات می گردند و چون حضرتش قیام کند، رفتار آن حضرت مردم را بحق می کشاند و پس از سه روز اتمام حجّت، اگر کافران باز به کفر و عناد خود باقی مانده و دین اسلام را نپذیرند، آن روز است که مهلت تمام شده و به سزای خود می رسند و نیز ایشان نسبت به یهود و نصاری و صابئین و زنادقه و کفار که در شرق و غرب عالم جای دارند رأفت و مهربانی روا داشته و نخست به آنها پیشنهاد اسلام را می نماید، اگر پذیرفتند آنها را به نماز و زکوة و سایر اموری که بر مسلمانها واجب است سفارش کرده و آنها را برای رضای خدا دوست می دارد و اگر نپذیرفتند آنها را به سزای نافرمانی خود می رساند تا در روی زمین کسی نباشد مگر آنکه به وحدانیت خدا اقرار کند.

پس مبارک است ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت که به اذن خدای سبحان مقدمات ظهورش در یک شب تمام می شود و به مدّت سه روز اتمام حجّت کرده و در شش روز تسلّط پیدا می کند و هشت ماه به مبارزه می پردازد و بعد از آن عدل و داد بر قرار و زندگی ایده آل به همراه پادشاهی عادل آغاز خواهد شد.

و برآستی خوشا به سعادت آنهایی که در آن روز در کنار مولایشان آقا امام زمان (ع) ادامه حیات خواهند داد و امیدواریم به زودی خورشید وجودش از افق کعبه طالع گردد و بشریت را حیات دوباره بخشد. انشاءالله

و در مورد اقامتگاه حضرت حجت (ع) باید گفت دلیل قاطعی بر اقامت آن بزرگوار در مکان معین وجود ندارد بلکه در برخی از احادیث وارد شده از جمله، هنگامی که از امام حسن عسکری (ع) می‌پرسند، اگر حادثه‌ای برای شما روی دهد کجا از فرزند بزرگوار شما سراغ بگیریم؟

حضرت فرمودند: در مدینه

و امام صادق (ع) نیز هنگامی که از غیبت کبری بحث می‌کند، می‌فرماید: "چه جایگاه خوبی است" مدینه طیبه " که حضرت بقیة الله (ع) مدت بسیاری از عمر شریف خود را در کنار حرم جد بزرگوارش سپری می‌کند.

و نیز مروی است، همواره سی نفر از یاران نزدیک و خدمت گذاران صدیق در حضور آن حضرت هستند که هر گاه یکی از آنها از دنیا برود، یکی دیگر از اوتاد به جای او انتخاب می‌شود و همواره رقم سی نفر محفوظ می‌ماند.

و خوشا به سعادت آنها که بر پوشیده داشتن راز الهی و افشا نکردن سرّ خدائی توانا هستند و در خدمت آن سرور و مولا می‌باشند.

انَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا، يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ، فِيهِ سِرَاجٌ  
يُزْهِرُ مِنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى أَنْ يَقُومَ بِالسَّيْفِ، لَا يُطْفَأُ

برای صاحب این امر خانه‌ایست که به آن "بیت الحمد" گفته می‌شود، این چراغ هرگز خاموش نمی‌شود تا روزی که حجت خدا با شمشیر قیام کند.<sup>۱</sup>

مروی است: ابراهیم بن مهزیار توسط فرستاده حضرت ولی عصر (عج) به پیشگاه آن سرور فرا خوانده می‌شود از طائف می‌گذرد و به دشت حجاز که "عوالی" نامیده می‌شود هدایت شده در آنجا به کعبه مقصود می‌رسد.

در این دیدار امام علیه السلام به پسر مهزیار می‌فرماید: پدرم با من پیمان بسته است که در مخفی‌ترین و دورترین سرزمین‌ها مسکن گزینم تا از تیررس اهل ضلالت در امان باشم، این پیمان مرا به این ریگزارهای عوالی "دشت حجاز از نجد تا تهامه" انداخته است.<sup>۲</sup>

و نیز دعائی که آن حضرت در دوران غیبت فرموده‌اند:

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي

بار خدایا، مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده نگه دار، بین من

۱ - غیبت شیخ طوسی ص ۲۸۰

۲ - کمال الدین ص ۴۴۷

و دوستانم اجتماع حاصل کن.<sup>۱</sup>

و نیز مروی است همه ساله حضرت در موسم حج به زیارت خانه خدا تشریف می‌برند و در مراسم حج شرکت می‌کنند و در عرفات می‌ایستند و به دعای مؤمنان آمین می‌گویند ولی انبوه حجاج او را نمی‌بینند و یا می‌بینند و نمی‌شناسند و یا عده‌ای از عاشقان کوی او در مراسم حج به جستجوی جای پای او پرداخته و چه بسیار نیک بختانی که توفیق تشریف به پیشگاه آن والا مقام را در کنار خانه خدا و یا در دیگر نقاط جهان یافته‌اند.

و آیا براستی تشریف به محضر مقدّس آن حضرت امکان پذیر است در حالی که پیغمبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ او را در زمان غیبت تشبیه به خورشید پشت ابر کرد و قطعاً یک وجه تشبیه این است که اگر بدن مقدّسش دیده نمی‌شود روح با عظمتش احاطه بر ما دارد که در یک آن هزارها نفر به او متوسّل می‌شوند، سلام عرض می‌کنند، او را به کمک خود می‌طلبند و حاجت می‌خواهند و لذا اگر انسان به چشم دل نگاه کند، به خوبی روح مقدّس آن حضرت را در کنار خودش احساس می‌کند و اگر گوش دل را باز کند صدای دلربای آن سرور را می‌شنود و چون همیشه بدن تابع روح است و اگر انسان بتواند با

حضرت ارتباط روحی پیدا کند چه بسا وجود مقدّس آن حضرت را هم ببیند. انشاءالله

و بدون تردید اگر ما آن حضرت را بشناسیم و اعمال و افکار و معارف او را میزان تربیت خود قرار دهیم، عشق و محبت او را در دل جای داده و همه متعلقات آن وجود مقدّس را دوست داشته باشیم و لحظه‌ای از یاد او غافل نشده و در همه جا مدح او را کرده و غمخوارش باشیم و برای موفقیت او قدم برداشته و او را گرمی‌تر از همه آنهایی که برای ما عزیز هستند بدانیم رفته رفته با آن مقام مقدّس یک نحوهٔ سنخیت روحی پیدا خواهیم کرد و موفق خواهیم بود تا با امام خود رابطه پیدا کرده که یقیناً منظور رابطه روحی است. انشاءالله

در همین رابطه یکی از علماء معاصر در اصفهان سر گذشت منبر خود را در مسجد گوهر شاد مشهد به عنوان خاطره‌ای نقل فرمود:

در مدّت یک ماه در ایّام ماه مبارک رمضان مواظب مستمعین مجلس بودم که ببینم پای منبرم چه کسانی خوب به مطالب گوش می‌دهند و چه کسانی از آنها خوششان می‌آید و چه کسانی کسل شده و بی‌اعتنائی به مطالب دارند و حقیر در حین سخنرانی از حضرت حجّت (ع) نیز صحبت می‌کردم و در میان مستمعین جوانی پای منبرم می‌آمد و من او را شبهای اول که دورتر از منبر نشسته بود دیدم ولی شبهای بعد نزدیک و نزدیکتر

می شد تا آنکه از شبهای پنجم و ششم پای منبر می نشست و از همه مستمعین زودتر می آمد و برای خود جای می گرفت •

وقتی منبر می رفتم او کاملاً حواسش به سخنانم بود و من نیز در صحبت‌هایم از حضرت ولی عصر (ع) یاد می کردم و البته در شبهای اول که مقداری علمی بود و بعد کم کم مطالب از علمی به ذوقی و از مقال به حال افتاد و زمانی که نام حضرت مهدی (ع) را می بردم، می دیدم آن جوان منقلب شده و آنچنان انقلاب و شوری داشت که نسبت به تمام جمعیت ممتاز بود.

تا آنجا که فریاد او را می شنیدم که می گفت یا صاحب الزمان یا صاحب الزمان و گاهی او را می دیدم دگرگون شده و می دانستم در جذبۀ مختصری افتاده است، جذبۀ او نیز در من تأثیر کرده، به همین دلیل کلمات پر سوزی را می گفتم و مجلس بیشتر منقلب می شد و بالأخره شبها را پشت سر گذاشته تا آن شبهای آخری که من راجع به وظایف شیعه و محبت به حضرت ولی عصر (ع) صحبت می کردم که در زمان غیبت چه کنیم تا باعث خرسندی ایشان شویم و نیز اشاره داشتم که ما شیعیان در سایه اعمال صالح و آمادگی است که می توانیم فرج و نصرت آن سرور و مولا را از خدای تعالی طلب کرده و همان طور که می گفتم آن جوان با محبت را می دیدم درست مانند عاشقی که از درون می سوزد از ته دل امام زمان را صدا می زد تا بالأخره به حال ضعف افتاد در حالی که آن مسجد و چهار

ایوانش مملو از جمعیت بود که گاهی عده‌ای از آن مردم ناله بلند می‌کردند و مجلس درسوز و عشق زائد الوصفی سپری می‌گشت عاقبت ماه مبارک رمضان گذشت و جلسات ما نیز رو به نهایت گذارد و اما تصمیم گرفتم آن جوان را پیدا کنم چرا که من شیفته و فریفته و دلسوخته آن کسی هستم که به دنبال امام زمان (ع) بروم.

من عاشق، عاشقِ امام زمانم، دوستدار محبّ امام زمانم و در همین رابطه از آشنایان و اطرافیانم سؤال کردم که آن جوان چه شد و آدرسش کجا است؟ معلوم شد که او نیم باب دکان عطّاری در فلان محله مشهد دارد و بنده حرکت کردم و رفتم در همان مغازه تا سراغ جوان را بگیرم دیدم دکان بسته است.

از همسایه‌ها پرسیدم آنها او را می‌شناختند ولی به من گفتند او بعد از ماه مبارک رمضان دو سه روز مغازه را باز کرد ولی حالش طور دیگری شده بود و یک هفته است مغازه را تعطیل کرده و ما نمی‌دانیم او کجاست و من که موفق به دیدار آن جوان نشده بودم آن محل را ترک کرده و بالاخره بعد از یک ماه و اندی در خیابان تهران مشهد آن جوان را دیدم در حالی که لاغر شده و رنگش زرد و گونه‌هایش فرو رفته، فقط پوست و استخوانی از او باقی مانده بود.

وقتی آن جوان به من رسید اشکش جاری شد و نام مرا می‌برد و می‌گفت: خدا پدرت را بیامرزد، خدا به شما طول عمر

بدهد، هی گریه می کرد و صورت و شانه مرا می بوسید، دست مرا گرفته و با فشار می خواست ببوسد و من به او می گفتم چی شده پدرجان، چیه؟

او با گریه و ناله می گفت خدا از شما راضی باشد که راه را به من نشان دادی، مرا به راه انداختی و به مقصودم رساندی و بعد بنا کرد به گفتن قصه اش در حالی که مثل ابر بهار گریه می کرد و خطاب به من گفت فلانی، شما در آن شبهای ماه رمضان دل مرا آتش زدی، دلم از جا کنده شد، عشق امام زمان قلب مرا گرفت در حالی که در گذشته اصلاً متوجه آن حضرت نبودم ولی با گفته های شما رفته رفته علاقه پیدا کردم که او را ببینم.

من که در فراقش التهاب داشتم بطوری که در شبهای آخر وقتی یا صاحب الزمان می گفتم بدنم می لرزید به سر حدی که دلم نمی خواست بخوابم و یا چیزی بخورم فقط ضمیرم می خواست بگویم یا صاحب الزمان و بروم دنبالش تا او را پیدا کنم.

و وقتی ماه رمضان تمام شد رفتم که مغازه را باز کنم دیدم دل به کسب و کار ندارم دلم فقط به یک نقطه متوجه بود تنها می خواستم او را ببینم، دلم می خواست محبوبم را بیابم، دیگر به چیزی علاقه نداشتم نه به کار و نه خوراک و پوشاک و... دیگر تمایل نداشتم با مشتری حرف بزنم، زیرا تمام هدفم شده



بود که به محبوب عزیزی همچون او برسم.  
 به همین دلیل از دکان دست برداشتم و آن را بستم و رفتم  
 دامن کوه، در حالی که روزها در آفتاب بودم و شبها در مهتاب و  
 در آن خلوتگاه داد می‌زدم محبوبم کجائی؟ آقای مهربانم  
 کجائی؟ و من که در پی یار بودم و گریه و ناله می‌کردم و از  
 خدا می‌خواستم تا ملاقات او را بر من منت گذارد و بالأخره  
 دعاهایم به اجابت رسید و بر روی آتش هجرانم تسکین وصال  
 ریخته شد.

آری عاقبت محبوبم را دیدم و سر به پایش نهادم، عالم  
 می‌گوید من به گفته‌های آن جوان دل سوخته گوش کردم، او  
 که گریه می‌کرد و بیش از حد منقلب بود و در آن حال خواست  
 خداحافظی کند صورت مرا بوسید و گفت استاد بدان یک هفته  
 دیگر بیشتر زنده نیستم، گفتم: چرا؟ گفت آخر به مطلبم رسیدم،  
 به مقصود دست یافتم، صورتم به پای یار و دلدارم نهاده شد،  
 ترسیدم که بیشتر در دنیا باقی بمانم و این قلب روشن من باز  
 تاریک شود، این روح پاک دوباره آلوده شود لذا در خواست  
 مرگ کردم، آقا پذیرفتند.

آن جوان با حال آشفته از من خداحافظی کرد و گفت مرا  
 دعا کنید، او رفت در حالی که به حالش غبطه می‌خوردم و  
 بالأخره پس از شش یا هفت روز شنیدم که از دار دنیا رفته است.  
 و به راستی روح و روانش شاد باد.

و حال ای مشتاقان امام زمان ای منتظران و ای مؤمنین ای کسانی که بذر عشق آن عزیز در دلتان جوانه زده، همچون آن عاشق پاک باخته و معصوم، عشق را تجربه کنید، عشق به امام زمان که مثل عشق به خود خداست.

آری باید از راه و روش آن جوان پیروی کرده و به دنبال محبوب باشیم و برای دیدارش تلاش کرده و راه بسته او را با اعمال صالح و آمادگی لازم و... باز کنیم و انشاءالله در زمان موعود با یک دنیا عشق و علاقه به پیشوازش رویم و با مژه‌های چشم قد مگاهش را آب و جاروب کنیم.

و بخواهیم متضرعانه تا روز ظهور، تا روز حضور، تا روز دیدار، و از خدای سبحان طلب عمر با عزت داشته باشیم. و ما نیز آرزومندیم که دوران هجران به سر آید و روزگار وصال فرا رسد، به امید آن روز با شکوه که خبر و نویدش جامه عمل پوشد. انشاءالله

و حال:

خبر رسید، آن یار از ره می‌رسد

ای مسلمانان کنون شادی کنید

سر در خانه بیاویزید عَلم

کوچه را و خانه را جارو کنید

ای فقیران، ای یتیمان، بی‌کسان

شاد باشید و سرافرازی کنید

دست افشان، پای کوبان، کِلِ زنید  
 خنده را بر چهره مهمانی کنید  
 صاحب حق مالک اصلی خداست  
 راه را با نام مهدی طی کنید  
 امید است که خداوند دعای ما بیچارگان را به اجابت  
 رساند.

آری دعای ما را که می گوئیم بارالها تو را قسمت می دهیم  
 به حق یس و القرآن الحکیم و بحق طه و قرآن العظیم، ای  
 خدائی که نیاز به سؤال و تفسیر نداری درود فرست بر محمد و  
 آل محمد (ص)

بارالها ترا به عزت و جلالت قسم که خالق آسمانها و  
 زمین هستی و همه نعمتها و مواهب هستی از وجود ذیجود تو  
 سرچشمه می گیرد توفیق بندگی با اخلاص را عنایت بفرما و ما را  
 در یاری دادن آن حجت بر حق مهدی موعود (ع) مددی ده و  
 دشمنان اسلام را اگر قابل هدایت نیستند از سر راه مولایمان  
 بردار.

بارالها ما از تو و به سوی تو امید داریم که دولت با  
 کرامت امام زمان (ع) را به ظهور آری، و اسلام و اهلش را به آن  
 عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را به وسیله او ذلیل گردانی.  
 و حال بارالها تو را قسم به عظمت و عزتت، روح پاک امام  
 راحل ما را شاد گردان و جان پاک رهبرمان را مصون بدار و

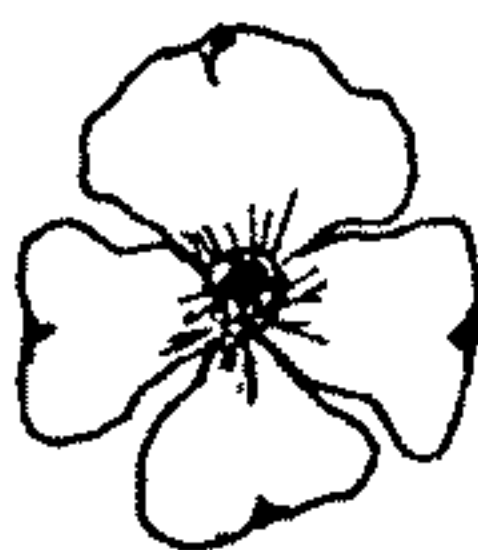
انقلاب جمهوری اسلامی ایران را به حکومت حضرت مهدی  
عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ مُتَّصِلِ گِردان.

انشاءالله

به امید پیروزی اسلام و نجات انسانهای دربند در سرتاسر جهان

آمین یا رب العالمین

برحمتک یا ارحم الراحمین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَسْبُنَا اللَّهُ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ  
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَيس  
حمد و سپاس بر آن که سزاوار پادشاهی است و ستایش  
مخصوص ذات پاک یکتای اوست و پناه می‌بریم به کرامت و  
فضل پروردگار عالمیان از رسوائی در دنیا و عذاب در آخرت.  
و حال تحیات پروردگار و سلام و درود بی پایان ما  
بندگان نثار رسولان الهی و ائمه معصومین علیهم السّلام که  
هادیان و شافعان بشریت هستند.

و سلام گرم و صمیمانه شیعیان و آن انسانهای دربند عالم  
به پیشگاه آن انقلابگر بزرگی که با قیام شکوهمندش به رسالت  
تمامی انبیاء و اولیاء حیات دوباره خواهد بخشید.

آری سلام بر خورشید عالمتاب آقا امام زمان علیه السّلام

و سلام بر یارانش که لاله‌های دشت اسلام شده‌اند همان  
لاله‌های سرخ میهنمان که شفق وار فریاد می‌زنند:

برخیزید، برخیزید ای مسلمانان، برخیزید و برای رهائی از  
انتظار یکبار دیگر نیمه شعبان را جشن گیریم در خیابانها و  
کوچه‌ها، در صخره‌ها و سنگرها به امید رهائی از غم‌ها  
برخیزیم و فریاد زنیم بر سر ظالمان که نیمه شعبان روز  
خداست مهدی در همه جا حامی ماست.

و آیا براستی می‌آید آن امیر امیران، آن شاه شاهان و گر  
آید ما در این شام خونین، در این صبح فردا، چراغان کنیم سراسر  
جهان را و با خون سرخ شهیدان بشوئیم فرش زمین را، فریادها  
زنیم و نامش را هزاران بار خوانیم، باشد که یوسف زمان مهدی  
عزیز بیاید و دست تهی دستان گیرد و نگاه پر مهرش را بر  
پناهندگان آستان پاکش اندازد.

و حال ای امام زمان ما منتظران برای ظهورت دعا  
می‌کنیم و هر صبح و شام چشم به راهت هستیم و تو نیز ای  
مهدی فاطمه به مادرت، به آن مادر غم پرورت، به آن مادر  
عزیزی که بزرگ بانوی دو عالم است قَسَمَت می‌دهیم از خدای  
سبحان بخواهی که ظهورت را مقرر فرماید، بیائی و به فریاد  
بیچارگان رسی، که ظالمان کافر زندگی را بر آنها تلخ و ناگوار  
کرده‌اند.

آری ای دوازدهمین اختر ولایت طلوع کن که طلوعت

جاوید است و بشکن این سکوت غم انگیز را و بنگر عاشقانت را  
 که برای شستن راهت از خون پاکشان دریغ نکرده و نمی کنند .  
 آری بنگر عزیزان الجزایر و فلسطین و لبنان را که برای  
 نگهبانی از دین تو پایمردی و مقاومت خود را از دست نداده‌اند و  
 بنگر سیاهان آفریقا را که با نگاه پرصداقتشان چشم به ظهورت  
 دوخته‌اند تا شاید بیائی و آنها را که اسیر ظالمان شده‌اند نجات  
 دهی .

و بنگر انسانهای دربند در جای جای این عالم هستی را  
 که خون دل می‌خورند و تنها به تو که بعد از خدا امید آنها  
 هستی چشم دوخته‌اند، و آیا براستی این همه تلخی انتظار و  
 بیچارگی و آوارگی و خواری را تو بر آنان می‌پسندی؟  
 اگر چه می‌دانیم که اینطور نیست، بلکه ما مسلمانان بودیم  
 که با بی توجهی و عدم آمادگی باعث این همه دوری و فراق  
 شدیم .

باشد که بیائی و جهان را از دست ستمگران عالم نجات  
 دهی مگر نه این که جهان ز بیداد می‌سوزد، ز بیدادی ندارد شیعه  
 آزادی .

و حال بیا ای رهبر شیعه بین احوال امت را  
 بیا ای مهدی زهرا بین گلهای پرپر را  
 بجرم عاشقانه در رهت بودن، برای پایداری دینت  
 می‌میرند .

بیا ای رهبر شیعه، بیا ای منجی انسان  
 بیا ای قاطع برهان، بیا ای مایهٔ جان  
 بیا ای یوسف کنعان، بیا ای آب زمزم  
 آری بیا ای مهدی عزیز که ما منتظران ظهورت مشتاق  
 دیدار هستیم.

بیا که منتظران ظهورت بشارت دیدار تو را با یک دنیا  
 امید به یکدیگر نوید می‌دهند و می‌گویند، او می‌آید و باید بیاید  
 که ما تشنگان آزادی را به ساحل نجات رساند.  
 آری او می‌آید.

او با صدای نوح، تیشهٔ ابراهیم، عصای موسی، هیئت  
 عیسی و با کتاب محمد می‌آید.  
 و سرزمینهای سرخ شقایق را می‌پیماید.  
 و بر مزار شهیدان نماز می‌خواند و خطبهٔ رهائی انسان را  
 فریاد می‌زند.

این را همه میدانند. این را همه میدانند  
 براستی در طلوع صبح آروز خورشید می‌درخشد، نه مثل  
 هر روز.

باید بپاخیزند محرومان، باید بپاخیزند مظلومان که مهدی  
 با نور خود روشنی بخشد.

بیا مهدی جهان در انتظار توست.

بیا مهدی جهان در انتظار توست.



اگر چه باور داریم روزی انتظار بسر خواهد رسید که همچون خورشید طلوع کنی و غبار ستم را از چهره جهان بزدائی و یاغی و طغیانگر را سر تسلیم آوری و بیچارگان و ستم دیدگان را زیر بال خود گیری و یاور کوخ نشینان عالم شوی.

آری باور داریم بالأخره آن روز موعود و مبارک خواهد رسید و ما نیز صبح و شام دعا می کنیم و از خداوند تعجیل در ظهور را خواهانیم.

روز ظهور که همچون روز تولد آن سرور برای مسلمانان و مستضعفان جهان بسیار باشکوه است.

آری تولدش در همان ماهی که روز و شبش بر همه بیچارگان عالم مبارک است همان ماه عزیزی که خداوند بزرگترین هدیه را به بشریت عنایت کرد.

هدیه‌ای به نام مهدی صاحب زمان همان یگانه منجی عالم بشریت که امید همه انسانهای در بند است و ما خدا را به آن ماه مبارک قسم می دهیم که دعاهایمان را به اجابت رساند و به میمنت خجسته زاد روز آقا امام زمان (ع) ما را زیر چتر و سایه آن حضرت قرار دهد. و اینک به یاد همانروز بس گرام با شادی و سرور آواز سر می دهیم که ای مهدی عزیز، ای مظهر تقوا و پاکی، ای شمع محفل اسلامیتون، ای حاضر غائب و ای امام قائد، ای اختر خجسته وقتی تو آمدی، پیغام باد بهاری ز ره

رسید. فریاد تو، لبخند و شادی و شور در خانه آفرید، وقتی تو آمدی گلهای نرگس و سیمین شکفته شد و موج ستاره رخشان آرزو در پهن دشت زندگی آثار بودن و ماندن را به جا گذاشت و حال امروز با یک دنیا امید و آرزو در انتظار آن حامل شکوفه‌های رسالت، آن بلندای هستی و طهارت و آن تابنده نیر اعظم اصالت هستیم.

آری در انتظار آن عزیزى هستیم که تنها غنچه گلشن نرجس، آخرین وارث احمد، قائم آل محمد می‌باشد.  
و براستی تولدش، قدمش بر همه مبارک باد و حال ای امام زمان تولد پرشکوهتان را به جد بزرگوارتان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و مادر گرامیتان حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها تبریک عرض می‌کنیم و نیز می‌خواهیم از مادر عزیزتان شاهزاده ملیکا رحمة الله علیها شاد باش و تبریک صمیمانه ما شیعیان را بپذیرند.

همان بانوی بزرگواری که سرنوشتی زیبا و ملکوتی داشتند و براستی هر کس که قصه آن عزیز را می‌شنود به شگفت می‌آید.

همان بانویی که خودشان را این گونه معرفی می‌کنند.

من ملیکه دختر یسوعا فرزند قیصر روم و مادرم از فرزندان شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام است و هنگامی که سیزده ساله بودم جدم خواست مرا به عقد برادرزاده

خود در آورد. دستور داد کشیشان و رهبانان را جمع کردند سیصد نفر از میان آنها انتخاب کرد و هفتصد نفر هم از امرای لشگر و صاحب منصبان کشور و چهار هزار نفر از معتمدین و اشراف و اعیان لشگریان را حاضر ساخت و تختی از خزانه بیرون آورد که به انواع جواهرات تزیین شده بود و در میان قصر مجلل خویش بر روی پایه‌هائی استوار ساختند و بت‌ها و چلیپاهای (صلیب) خود را بر بلندیا قرار دادند. و آن گاه قیصر برادر زاده خود را بر روی تخت نشانند، خدم و حشم کمرها بخدمت بسته لباس رسمی پوشیده، رهبانان کتاب آسمانی انجیل را باز کرده خواستند قرائت کنند و خطبه عقد را بخوانند که ناگاه قصر بلرزه در آمد بتها و چلیپاها سرنگون شده و بزمین افتادند و پایه‌های تخت از جای خود بدر رفت و برادر زاده قیصر از بالای تخت بزیر افتاد و بیهوش شد. و رنگ از روی کشیشان پریده، لرزه بر اندام همگی افتاد و یکی از کشیشان بزرگ بعرض قیصر رسانید که از این حادثه علامات شومی ظاهر می‌شود و ما را معاف فرما، اینک نحوستها روی داده که دلیل بر زائل شدن دین حضرت مسیح (ع) است.

پس جدم این امر را فال بد دانست و به علما و کشیشان فرمود این تخت را بار دیگر برپا کنید و چلیپاها را بر جای خود قرار دهید و حاضر گردانید.

و در آن روز قیصر برادر زاده دیگرش را بر تخت نشانید

که مرا به عقد او در آورد و امید داشت که نحوست بر طرف شود و این بار نیز تخت از لزره قصر سرنگون شد و هول و هراس بر پا گردید که همه میهمانان متفرق شدند و جدم غمناک و تنها به حرم سرا بازگشت و از این قضیه به تفکر فرو رفت و من هم محزون و غمگین در گوشه‌ای پنهان شدم تا شب شد و بخواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم حضرت مسیح (ع) و شمعون و جمعی از حواریون در قصر جدم جمع شده‌اند و منبری از نور بجای تختی که جدم گذاشته بود نصب کردند که از رفعت به آسمان سر بلندی می‌نمود.

آن گاه دیدم حضرت رسالت پناه محمد مصطفی (ص) و وصی و دامادش علی بن ابیطالب و جمعی از امامان و فرزندان بزرگوار ایشان آن قصر را به نور قدوم خویش منور ساختند. پس حضرت مسیح از روی تعظیم و اجلال به استقبال خاتم الانبیاء شتافت و دست در گردن مبارک آنجناب در آورد.

پس حضرت محمد (ص) فرمودند یا روح الله آمده‌ام که ملیکه فرزند وصی تو شمعون را برای فرزند سعادت‌مند خود امام حسن عسکری خواستگاری کنم.

پس حضرت عیسی (ع) نظر افکند بسوی شمعون و گفت شرف دو جهان بتو روی آورده پیوند کن و با این وصلت با میمنت موافقت نما.

پس شمعون گفت موافقم.

سپس حضرت رسالت پناه (ص) بالای منبر رفته و خطبهٔ عقد را خواندند و مرا به ابی محمد تزویج کردند و حضرت مسیح و حواریون را گواه گرفتند.

پس چون از خواب برخاستم از بیم جان خواب خود را برای خانواده و جدّم نقل نکردم و همواره آن ستر آسمانی را در دل نگاه داشته و با هیچ کس در میان نگذاشتم و مطمئن بودم که روزی خواب من تعبیر خواهد شد، ولی نمی دانستم چگونه این جریان بوقوع می پیوندد.

بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام عسکری (ع) موج می زد که از خوردن و آشامیدن باز ماندم و کم کم لاغر و رنجور گشته و سخت بیمار شدم.

پس جدّم سراغ تمامی اطباء رفت بگونه‌ای که طبیبی در شهر روم نماند مگر اینکه او را برای معالجهٔ من حاضر کرد و از دوی درد من از او سؤال نمود و معالجه هیچ یک از آنان نتیجه نداشت، و چون جدّم از زندگی من نا امید شده بود، گفت ای فرزند دلبندم، ای نور چشم من، آیا خواهشی داری که بگوئی تا در انجام آن بکوشم، آیا در خاطرت آرزوئی هست تا بعمل آورم.

گفتم ای پدر جان، من که درهای فرج را بروی خود بسته می بینم ولی اگر شکنجه و آزار را از اسیران مسلمان برداری و آنها را از قید و بند و زندان آزاد گردانی، امید است که

حضرت مسیح (ع) و مادرش مریم (س) مرا شفا دهند.  
سپس پدرم جمعی از زندانیان مسلمان را آزاد ساخت و  
برخی را از کیفر تخفیف داد و من نیز بظاهر اظهار بهبودی کردم  
و کمی غذا خوردم پس جدم از این واقعه خشنود گردید و سعی  
در رعایت حال اسیران مسلمین و احترام آنان نمود.

و بعد از چهارده شب بار دیگر در خواب دیدم که  
حضرت فاطمه زهرا (س) به همراه حضرت مریم (س) که هزار  
کنیز از حوران بهشتی بهمراهشان بود بعبادت من آمدند.

حضرت مریم روی بمن نمود و فرمود: بنگر این اسوه  
بانوان جهان که مادر شوهر تو است. پس به دامن مبارکش افتادم  
و گریستم و شکایت کردم که حضرت امام حسن عسکری (ع)  
به من جفا می کند و بدیدن من نمی آید.

پس آنحضرت فرمود: فرزند من چگونه بدیدن تو آید و  
حال آنکه بخدا شرک می آوری و پیرو مذهب نصاری هستی و  
این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد، و  
اگر رضای خدا و مسیح را می خواهی باید اسلام اختیار کنی تا به  
زیارت ابی محمد نائل شوی.

گفتم از جان و دل حاضرم، فرمود بگو  
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ  
پس چون این کلمات طیبه را تلفظ نمودم حضرت سیده

النساء مرا مورد لطف و عنایت خویش قرار داده و فرمودند دلخوش دار که به زودی به دیدار ابو محمد موفق شوی و من همچنان آن کلمات طیبّه را می‌گفتم که از خواب بیدار شدم، بیشتر شوق دیدار او مرا به گریه انداخت باز خواب مرا گرفت که حضرت امام عسکری را خواب دیدم در حالی که از گذشته شکوه می‌نمودم.

و گفتم ای محبوب من شما که دلم را به محبت خود فریفتی واسیر خود گردانیدی حال چرا جفا می‌کنی.

فرمود: تأخیر آمدن من شرک تو بود و اینک بدان هر شب بنزد تو خواهم آمد تا روزی که حق تعالی فراق ما را مبدل به وصال گرداند.

و بدین ترتیب شبی نبود که وجود نازنینش را بخواب نبینم تا اینکه شبی ابو محمد (ع) بمن فرمود، جدّ تو بزودی لشگری بجنگ مسلمین خواهد فرستاد و خود نیز فرماندهی لشگر را بعهده خواهد گرفت و ما هم از تو می‌خواهیم با لباس خدمتکاران بهمراه عده‌ای از کنیزان از فلان راه به آنها ملحق شوی و از پی جدّ خود روانه شده و از فلان راه رفته تا ما به تو رسیم.

و چنان کردم که دستور فرموده بودند که ناگاه طلّیعه لشگر مسلمانان بما برخوردند و ما را اسیر کردند و آخر کار من این بود که بعنوان غنیمت نصیب برده فروش پیری بنام عمر بن زید شدم که او نام مرا پرسید و من گفتم نام من فرجس است. و

او گفت این نام که نام کنیزان است!

و من در آن کشتی بودم که بر کناره پل فرات پهلو  
گرفت، در حالی که غم و ضعف و اضطراب مرا در بر گرفته  
بود، و من نیز در گوشه‌ای انتظار قاصد را می‌کشیدم تا بیاید و  
مرا که در قفس سرنوشت اسیر بودم آزاد کند.

و بالأخره انتظار به پایان رسید و صدای مردی را شنیدم  
که به برده فروش می‌گفت: آیا بجز این کنیزان، کنیز دیگری  
هم داری؟

برده فروش گفت آری، کنیزی دارم که بیمار است و در  
گوشه‌ای آرمیده و شنیدم بار دیگر آن قاصد گفت من می‌خواهم  
آن کنیز را ببینم و من که پیام حق را شنیدم برخاستم و سراسیمه  
خود را به آنان رساندم.

در حالی که می‌دیدم قاصد مهربان (بشر بن سلیمان) نامه  
محبوب مرا به همراه کیسه زری بدست دارد و با دیدن آن نامه  
که به خط و زبان رومی بود و سر آن با خاتم مبارک مهر شده،  
گرفتم و به برده فروش گفتم یا مرا به همین مرد می‌فروشی و یا  
در غیر این صورت خود را هلاک خواهم کرد. و باید بگویم پس  
از مدتی گفتگو قاصد مرا به قیمت دویست و بیست اشرفی که  
حضرت امام علی النقی (ع) فرستاده بود از برده فروش خرید و  
من به همراه آن مرد راه افتادم در حالی که نامه بهترین عزیزان را  
که خداوند بخت و طالع مرا با سرنوشت او عجین کرده بود،



همان کسی که در فراقش روز و شب را به تلخی سپری کرده بودم.

آری من بوی آن عزیز را به وسیله آن نامه استشمام کرده، در حالی که آن را می‌بوئیدم و می‌بوسیدم و گریه امانم نمی‌داد و از طرفی می‌دیدم قاصد را که تعجب نموده، رو به من کرد و گفت می‌بینم نامه‌ای را می‌بوئی و می‌بوسی در صورتی که صاحبش را نمی‌شناسی، من به آن قاصد گفتم عجب است که صاحب خود را نمی‌شناسی در حالی که من او را بهتر از شما می‌شناسم و می‌دانم او کیست.

و بار دیگر گفت تعجب دارم از این که رومیة الاصلی و زبان عربی را باین فصاحت می‌دانی.

گفتم جدم مرا بسیار دوست می‌داشت و نیز علاقمند بود که من زبانهای مختلف را بدانم از جمله معلّینی که برای من استخدام کرده بودند، مرا به زبان عربی نیز آشنا ساختند و سپس من خود را به آن مرد معرفی کردم و گفتم من "نرجس" ملیکه دختر یشوعا فرزند قیصر پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن صفا وصی حضرت عیسی بن مریم (ع) است. و داستانی بسیار عجیب دارم که با انتظاری غم‌انگیز توأم بوده است. و من به آن قاصد گفتم آنچه را که باید می‌گفتم و او نیز مرا متواضعانه همراهی کرد تا این که رسیدیم به خانه امید، به خانه خوشبختی، به خانه پدر شوهرم حضرت امام علی النقی (ع)

در حالی که آن سرور انتظار مرا می کشید و در بدو ورود آن حضرت فرمود: دخترم عزت اسلام و ذلت نصاری و شرف خاندان پیغمبر را چگونه دیدی؟

گفتم درباره چیزی که شما از من دانایتر می باشید چه عرض کنم؟

و آنگاه فرمودند می خواهم ترا گرامی دارم باین که ده هزار اشرفی دهم و یا بشارتی بشرف ابدی، هر کدام را که بهتر می دانی انتخاب کن و من گفتم به مال نیازی نیست، بلکه بشارت شرف می خواهم.

آن حضرت فرمودند: پس بشارت باد ترا به فرزندی که پادشاه مشرق و مغرب عالم گردد و زمین را پر از عدل و داد نماید بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.

و من پرسیدم این فرزند از آن چه کسی است؟ فرمودند: از آن کس که پیغمبر اسلام در فلان شب و فلان ماه و فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری نمود و خطبه عقد را جاری ساخت.

و من گفتم: آیا به فرزند دلبنده شما؟

فرمود: او را می شناسی؟

عرض کردم از شبی که بدست بزرگ بانوی دو جهان حضرت فاطمه زهرا (س) اسلام آورده ام، شبی نبود که او بدیدن من نیامده باشد.

آنگاه حضرت، خادم خود (کافور) را طلبید و فرمود برو حکیمه خاتون خواهرم را بگو نزد من بیاید.

چون آن بانوی محترمه آمد حضرت فرمود ای خواهر عزیز اینست آن مکرّمه‌ای که در انتظار دیدار او بودی و آنگاه آن بانوی بزرگوار مرا در آغوش گرفت و نوازش کرد و مورد محبت قرار داده و تبریک گفت.

پس آن حضرت فرمود، که ای دختر رسول خدا بپر او را به خانه خود و واجبات و سنّت‌ها را به او بیاموز که او همسر حضرت امام حسن عسکری (ع) و مادر خاتم اوصیاء، مهدی قائم آل محمد (ع) خواهد بود.

من طبق دستور برادرم آن بانوی بزرگوار را به خانه خود بردم و روزی امام عسکری (ع) به خانه ما آمدند و نرجس را در میان کنیزان دیدند و نظری طولانی همراه با تعجب به او دوخته و خطاب بمن گفتند ای عمّه او همان کنیزی است که فرزند من مهدی را به دنیا خواهد آورد. همان مولودی که عزیز خداست و به اذن خداوند ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌گرداند پس از آنکه پر از ظلم و بی‌عدالتی شده باشد.

من که از علاقه آن دو به یکدیگر با اطلاع بودم عرض کردم یابن رسول الله اگر شما را خواهش اوست به خدمت شما فرستم.

فرمود: ای عمه در این خصوص از پدرم رخصت بطلب و

من پس از این گفتگو خود را آماده کرده و به خانه حضرت امام علی النقی (ع) رفتم و چون سلام کردم و نشستم بی آنکه سخنی بگویم حضرت از باب اعجاز ابتدا به سخن کرده، فرمود:

خواهرم حکیمه، نرجس را نزد فرزندم بفرست، عرض کردم آقا من هم برای همین مطلب نزد شما آمده‌ام.

حضرت فرمود خداوند می‌خواهد تو را در این ثواب شریک گرداند، پس تو وظیفه داری این امر را در خفا به انجام رسانی.

حکیمه گفت بی‌درنگ به خانه برگشتم و نرجس را زینت کرده و زفاف آن معدن فتوت و عفاف را در خانه خود واقع ساختم و بعد از چند روز آن بانوی بزرگوار، آن زهره منظر را به خانه خورشید انور آن والد مطهر بردم و بعد از چندی آن آفتاب امامت در مغرب عالم بقاء غروب نمود و ماه برج خلافت امام حسن عسکری (ع) در امامت جانشین او گردید.

و من پیوسته به عادت مقرر زمان پدرش امام علی النقی (ع) بخدمت امام زمانم حضرت امام عسکری (ع) می‌رسیدم و از آنها دلجوئی می‌کردم و هر بار نرجس با مهربانی از من استقبال می‌کرد و هر وقت خدمت امام عسکری (ع) می‌رسیدم دعا می‌کردم که خداوند فرزندی به وی موهبت فرماید.

پس یک روز چون دست به دعا برداشتم حضرت فرمود: عمّه، آنچه از خدا می‌خواستی به من روزی کند امشب متولد

می‌گردد تا به اذن حق تعالی زمین را بعد از آنکه به شیوع کفر و ضلالت مرده باشد به علم و ایمان و هدایت زنده کند و من که با شنیدن این خبر مسرت بخش بسیار شاد شده بودم به نرجس که در حال خدمت کردن به من بود نگریستم و برخاستم و نزد او رفتم و دستهایش را بوسیدم و او را از خدمت کردن باز داشتم و او مرا بانوی خود می‌خواند و من نیز او را بانوی خویش می‌خواندم، او به من گفت فدای شما شوم و من به او گفتم، من و همه دنیا فدای تو شویم.

و من با یک دنیا محبت او را نظاره می‌کردم در حالی که گفتم ای نرجس بدان محبوبتر از تو نزد من کسی نیست و من با شوق به وی گفتم، تبریک می‌گویم برای چنین شبی که خداوند پسری که سرور دو جهان است به تو عنایت می‌فرماید، همان مولودی که آرزوی اهل ایمان است. او از سخن من شرم می‌کرد و من نیز بار دیگر بر وی نظر کردم، اثری از حاملگی ندیدم.

بهمین جهت بامام حسن عسکری (ع) عرض کردم یابن رسول الله فدایت شوم من که اثری از بارداری در وی نمی‌بینم.

حضرت تبسمی کرد و فرمود: عمّه، مثل نرجس مثل مادر موسی است که تا موقع تولد موسی هیچ کس اطلاع نداشت و ما ائمه نیز در شکمها نیستیم بلکه در پهلوهای مادران می‌باشیم و از راه رحم بیرون نمی‌آئیم بلکه از ران راست مادران خارج می‌شویم زیرا ما نور خدائیم که پلیدیها آنها نمی‌آلاید.

بار دیگر عرض کردم، آقا چه وقت آن مولود عزیز چشم  
به جهان خواهد گشود؟

فرمود: موقع طلوع فجر، و امام نیز از من تقاضا کرد که  
آن شب را در کنار آنان بمانم و من با شادی آن شب در کنار  
نرجس خوابیدم تا نزدیک صبح که از خواب بیدار شدم و او را  
نظاره کردم و اثری در نرجس نیافتم، نزدیک بود شکی در من  
پیدا شود که ناگاه صدای امام را از حجره خودش شنیدم که  
فرمود عمّه، شک مکن وقتش نزدیک شده.

و بدین ترتیب مقارن صبح صادق دیدم حالت اضطراب  
در نرجس ظاهر شده بود. و من او را در بر گرفتم، امام دستور  
داد سوره قدر را بر او بخوانم.

شروع کردم به خواندن سوره مبارکه

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

که در آن حال شنیدم که آن جنین نیز در شکم مادر در  
خواندن سوره با من همراهی می کند و بعد به من سلام کرد چون  
صدای او را شنیدم وحشت کردم و ترسیدم.

امام عسکری فرمود: عمّه از کار خداوند تعجب مکن زیرا  
باریتعالی ما را از کوچکی به حکمت گویا و در روی زمین  
حجّت خود می گرداند.

و من از آنچه در دلم نسبت به حضرت خطور کرده بود  
حیا داشتم ناچار به اطاق برگشتم در حالی که پیش خود خجل

بودم و شروع به خواندن سوره "الم سجده و یس" نمودم در حالی که می‌دیدم نرجس سر سجاده است و نماز را که تمام کرد من حالت او را دیدم که از درد شدیدی به خود می‌پیچد او را در بر گرفتم و گفتم پدر و مادرم فدایت آیا زمان تولد همایون او فرا رسیده؟

شنیدم گفت آری، امر سختی را احساس می‌کنم که بلا فاصله دیدم از نظرم غایب شد، گویا پرده‌ای میان من و او حایل گردید که بی‌درنگ نزد امام رفتم و فریاد کنان به عرض رساندم امام در جواب فرمود عمه برگرد، او را در جای خود خواهی دید.

و چون مراجعت کردم پرده گشوده شد و نرجس را در هاله‌ای از نور مشاهده نمودم که دیده‌ام را خیره ساخت. و مولود عزیز، حضرت صاحب الامر (ع) را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و خداوند را به عظمت و شکوهش یاد می‌کند و بعد به روی زانو نشست و انگشتان سبّابه را به آسمان بلند کرده و فرمود:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ  
أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَّ اللَّهِ وَوَصِيَّ رَسُولِهِ

پس آنگاه تمام امامان را نام برد از امیر المومنین و ائمه طاهرین (ع) درود فرستاد و چون به نام پدرش رسید دیدگان را گشود و سلام کرد. در حالی که انگشت مبارک به سوی

آسمان داشت، عطسه‌ای کرد و فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

و سپس این چنین فرمود: ستم‌گران پنداشته‌اند که حجت خدا از میان رفته است، و اگر به ما اجازه سخن گفتن می‌دادند هر گونه تردیدی بر طرف می‌شد، و بار دیگر آن مولود فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي  
وَ أَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي قِسْطاً وَ عَدْلًا

خداوندا، آنچه بمن وعده فرموده‌ای مرحمت کن و سرنوشتم را به انجام رسان، قدمهایم را ثابت بدار و بوسیله من زمین را پر از عدل و داد کن. انشاءالله به امید روزی که وعده الهی تحقق پذیرد.

به عنایت خداوند امیدوار هستیم.

حکیمه خاتون می‌فرماید: در آن روز باشکوه افتخار نصیبم شد تا من اولین نفری باشم که پس از تولد، وجود مطهر و ملکوتی آن حضرت را نظاره‌گر شده، در حالی که می‌دیدم نوری از آن مولود ساطع گشت و به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سفید را دیدم که از آسمان به زیر می‌آمدند که در این هنگام امام حسن عسکری (ع) به من فرمود فرزندم را در بر گیر و به نزد من آور.

پس چون او را در بر گرفتم ختنه کرده و ناف بریده، طاهر و پاکیزه یافتم و دیدم روی دست راستش نوشته شده،



جاء الحق وَ زَهَقَ الباطلُ إِنَّ الباطلَ كانَ زهوقاً

حق آمد و باطل نابود شد بدرستی که باطل نابود شدنی است و ثبات و بقاء ندارد.

و من نیز او را با شادمانی در پارچه‌ای پیچیدم و نزد امام عسکری (ع) بردم و همین که آن مولود نظرش بر پدر افتاد سلام کرد و پدر او را با شادی در بر گرفت و دست مبارکش را بر سر آن سرور کشید و بر کف دست چپ نشانید و با دست راست بر پشت و گوش و بندهایش کشیده و فرمود، فرزندم به قدرت الهی سخن بگو.

و حضرت پس از سلام و صلوات بر حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المؤمنین و جمیع امامان و پدر بزرگوار خویش علیهم السلام استعاذه فرمود و گفت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

می خواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را ستمکاران در زمین ضعیف گردانیده‌اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان دین و بگردانیم ایشان را وارثان زمین و تمکین و استیلا بخشیم ایشان را در زمین و بنمائیم به فرعون و هامان و لشگرهای ایشان از امامان آنچه را که حذر می کردند.

و آنگاه وَلِيَّ اللَّهِ الْأَعْظَمَ (عج) برای دوستان و افراد مضطرب دعا کردند که خداوند فرج او را نزدیک گرداند.

و ما منتظران ظهورش نیز به آن روز موعود دلخوشیم و امید به آن وعده الهی داریم که تحقق پذیرد، انشاءالله.

و سپس حضرت امام عسکری (ع) فرمود: فرزندم از کتب آسمانی که بر پیغمبران پیشین نازل شده نیز قرائت کن.

آن سرور نخست صحف حضرت آدم را بزبان سریانی و سپس کتاب ادريس و نوح و هود و صالح و صحف ابراهيم و تورات موسی و زبور داود و انجیل عیسی و قرآن جدم رسول خدا (ص) را خواند و بعد از آن قصص انبیاء و مرسلین را تا زمان خود حکایت نمود و در این زمان پدر فرمود:

ای عمه او را نزد مادرش ببر، تا به وی سلام کند و نیز چشمش به او روشن شود و بداند که وعده خداوند جَلَّ جَلَّالُهُ، حق است ولکن بیشتر مردم نمی دانند.

پس برگرداندم آنجناب را به سوی مادرش، زمانی که فجر دوم رویت شده بود و او را پس از دیدار مادر به نزد پدر بزرگوارش آوردم که ناگهان متوجه مرغانی شدم که دور سر آن مولود جمع شدند و بال خود را بر سر آن سرور گسترانیدند پس حضرت امام عسکری (ع) یکی از آن مرغان را فراخواند و فرمود این طفل را بردار و نیکو محافظت کن و در هر چهل روز بما برگردان.

پس آن مرغ آن مولود را برداشت و به سوی آسمان پرواز نمود و سایر مرغان نیز به دنبال او به پرواز درآمدند و می‌شنیدم که امام عسکری (ع) می‌فرمود:

تو را به خدائی می‌سپارم که مادر موسی فرزند خود را باو سپرد، پس نرجس خاتون گریان شد.

امام فرمود: آرام باش و بدان تغذیه او از شیرۀ جان تو خواهد بود و عنقریب او را نزد تو می‌آورند، همان طور که موسی را به مادرش برگرداندند.

و بار دیگر از برادرزاده‌ام سؤال کردم که آن مرغ چه بود که صاحب الأمر را به او سپردی؟

حضرت فرمود آن مرغ روحُ القُدُس بود که مراقب ائمه است و به امر خداوند آنها را در کارها موفق و محفوظ می‌دارد و با علم و معرفت پرورش می‌دهد.

و آن فرشتگان به اذن پروردگار او را برای عرض ادب نزد حق تعالی بردند و آنها نیز در زمان ظهور از یاوران فرزندان مهدی خواهند بود.

و سپس حضرت امام عسکری نام مولود را (م ح م د) گذارد و طلوع آفتاب دوازدهمین اختر ولایت در آسمان وجود بشریت که روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بر جهانیان پرتو افکن گردید، بر عده‌ای از اصحاب خود نوید رساند و فرمود بعد از من این کودک امام و پیشوای شما و جانشینم خواهد بود

و بدانید و با خبر باشید او همان «قائم آل محمد» است که مردم برای ظهورش انتظارها می‌کشند و وقتی که دنیا پر از ظلم و بی‌عدالتی شود ظاهر گردد و جهان را پر از عدل و داد کند. و ما شیعیان جهان، امروز در انتظار همان تحویل باشکوهی هستیم که به خواست خداوند و تقاضای انسانهای در بند تحقق خواهد پذیرفت انشاءالله.

و براستی ای شیعیان چه مبارک سپیده‌ای بود آن فجر صادق و آن لحظه پر شور که مهدی موعود به درگاه عالم فرو بنشست و چهره جهان به نور پیوست.

آری نسیم زندگی، دفتر تاریخ را ورق می‌زد تا نمایان شود آن صفحه تابنده، همان صفحه‌ای که تولد "نور" را نوید می‌داد اگر چه زمینیان غافل بودند که باران نور می‌بارد و قلب زمان می‌لرزد و زمین از شادی می‌خندد که آخرین گل از بوستان امامت در سامراء چشم به جهان گشود، او که نور حق و منجی عالم و یار مظلومان و پدر یتیمان است، آری او به دنیا آمد تا زمین را همچون عرش نور باران کند.

اینک این صدای ماست، صدای ما که به تنها امید خود بعد از خدا می‌گوئیم، بیا ای حامی اسلام و قرآن، بیا ای یگانه منجی عالم بشریت، بیا ای ناخدای کشتی حق و عدالت، بیا و ما را به سوی ساحل عدل و حقیقت رهنمون گردان، بیا طومار باطل را بهم پیچ، بیا فرش عدالت بگستر و با آن نفخه اعجاز

مسیحائی اسلام و قرآن را حیات جاودان بخش، بیا و بر سرای  
 ظلمت بار ما، با نور خود روشنی ده، مگر نه این که جوانان  
 کشور ما در خون خود غسل کردند و در پی پرتو نور  
 حیاتبخشت تا خورشید پرواز نمودند به امید آنکه سرشان بر روی  
 زانوی تو جای گیرد، آری جوانان معصوم با یک دنیا آرزو به  
 عشق تو در سنگرهای جهاد در فکر لاله‌ای بودند که از خونشان  
 سر بر کشد تا با هاله‌ای مهتاب رنگ، ظلمت شب را روشن کنند  
 و دنیای تاریک ما را با نوید رهائی و پیروزی حیات بخشند.

مگر نه اینکه پیروزی حق به‌مراه بهار می‌آید و بلبلان  
 دشت پیروزی نغمه‌سرای آن بهشت موعود هستند.

آری بلبلان از بهاری می‌گویند که با شکوفه‌هایش دنیا  
 گلستان می‌شود، از آن بهاری می‌گویند که دیگر ابرهای تیره و  
 تاریک از آسمان دنیا کنار رفته باشد.

زیرا ایزد منان آن بهار پیروزی را بر بیچارگان بشارت  
 داده است، بهاری که انسانهای دربند عالم بر جهان حاکم گردند  
 و هر طغیانگر نابود شود و آن یگانه منجی عالم بشریت مهدی  
 عزیز رمز خوشبختی و آزادی را بر بیچارگان و آوارگان، بر  
 بردگان و اسیران زمزمه کند، همان انسانهای دربندی که  
 فریادشان تا به عرش حق تعالی می‌رسد و در کنار این همه درد و  
 غم، امید به ظهور تنها ابر مردی دارند که بیاید و زنجیرهای بهم

پیوسته که دست و پای آنان را از حرکت باز داشته بگشاید و آزادشان کند.

و حال ای مهدی عزیز، و ای شمع محفل انس و سوز  
ما، ای سپیده فجر و ای خروش دهر بیا و با انقلابت ما بیچارگان  
را پناه ده.

آری بیا و ما را در امان دار، اگر چه زمزمه ظهورت را  
می شنویم و اگر ما مسلمانان جهان به دلهایمان رجوع کرده و به  
آنچه که در دنیا رخ می دهد بنگریم متوجه می شویم که آمدنت  
نزدیک است و براستی تولدت، ظهورت و قدومت بر ما و بر همه  
مبارکباد و ما شیعیان بار دیگر خجسته میلاد یگانه منجی عالم  
بشریت را بر انبیاء و اولیاء، بر فرشتگان و صالحین تبریک عرض  
می کنیم و همگی یکصدا می گوئیم.

مقدم مسعود نور دیده زهرا مبارک

بر تمام دوستان عترت طه مبارک

بر تو ای امام عسکری، ای حجت آل الله

عید میلاد مهدی، منجی عالم مبارک

آری مبارک، مبارک

در ماه شعبان که نیمه گشت و شد عیان خورشید طه

از حجاب ستر حق آمد برون شمس دل آرا

حجت قائم ولی عصر، گردید آشکارا

بانگ جاء الحق رسید، بر آب و باد و نار و صحرا

آب گفتا من از اویم چونکه هستم مهر زهرا  
 خاک گفتا منهم او را سر نهم اندر کف پا  
 باد گفتا می‌برم فرمان او از امر داور  
 نار گفتا من بسوزم دشمنانش را به آذر  
 شام گفتا من ز مشکین گیسوانش در حجابم  
 ابر گفتا من به شوق روی او در انقلابم  
 ماه گفتا من ز فیض ماه رویش ماهتابم  
 شمس گفتا من هم از نور جمالش آفتابم  
 صبح گفتا من ز انفاس نکویش کامیابم  
 روز گفتا من بفرمان جنابش در شتابم  
 عرش گفتا من ز انوار رخس زیور گرفتم  
 فرش گفتا چون صدف قنداقه‌اش در بر گرفتم  
 و حال ای نرجس عزیز، ای بانوی بزرگوار، ای مادر  
 مهدی و ای گل بهشت امام عسکری، تبریک و بشارت بر شما  
 باد که ثمره عشقتان به خواست خداوند بزرگ گلی بی‌همتا بود  
 بنام "مهدی" که دنیا تحت لوای جانفزایش معطر گشت.  
 آری:

مهدی است آنکه در شب میلاد او خدا  
 او را به "مَرَحَبًا لَكَ عَبْدِي" ندا کند  
 مهدی است آنکه وقت نماز جماعتش  
 عیسی بصد نیاز به او اقتدا کند

مهدی است آنکه پرتو، توحید پاک را  
 در قلبهای تیره و آلوده جا کند  
 آری مهدی است که علفهای هرز بردگی و حق کشی را  
 ریشه کن کرده و زمین بایرمان را آبیاری خواهد کرد و  
 پرستوهای آواره را به بهشت موعود رهنمون خواهد ساخت و تمام  
 بتها را خواهد شکست و دل دشمن را غرق خون خواهد کرد و  
 تقاضای انسانهای دربند تحقق خواهد پذیرفت. انشاءالله

و نیز از ابراهیم که از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود  
 نقل شده که امام پس از تولد فرزندش حضرت (م ح م د) مهدی  
 (ع) نامه‌ای به همراه چهار گوسفند برای من فرستاد که نوشته بود  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ابراهیم این گوسفندان را برای فرزندم مهدی عقیقه کن و  
 با گوارائی خود و هر کس از شیعیان ما که یافتی بخورید.

و نیز خبر و بشارت تولد حضرت مهدی (ع) به دوستان و  
 شیعیان قابل اعتماد رسید و حضرت به دوستان امر فرمودند به  
 کتمان وجود حضرت و نیز وکیل خود را فرا خوانده و دستور  
 عقیقه کردن سیصد گوسفند برای فرزند بزرگوارشان را صادر  
 نموده و نیز دستور دادند تا ده هزار رطل نان و ده هزار رطل  
 گوشت خریده شود و در راه خدا انفاق کنند.

حکیمه خاتون گوید چون روز چهارم شد به حضور امام  
 حسن عسکری (ع) شرفیاب شدم، دیدم کودکی دو ساله در خانه



راه می‌رود که صورتی نیکوتر از رخسار او، و زبانی فصیح‌تر از گفتار او نیافتم، من که او را نشناخته بودم، دیدم برادر زاده‌ام فرمود: عمه بدان این مولود پیش خدا بسیار عزیز است و من که از رشد غیر طبیعی او متعجب شده بودم با شادمانی او را نظاره می‌کردم.

دیدم امام عسکری (ع) فرمود، عمه جان آیا نمی‌دانی که رشد یک روزه ما ائمه برابر رشد یک ساله دیگران است. پس من برخاستم و سر آن سرور را بوسیدم در حالی که امام عسکری (ع) بار دیگر فرمود: عمه جان فرشتگان فرزندم را به سرا پرده عرش رحمانی بردند پس حق تعالی به او خطاب نمود مرحبا به تو ای بنده من، قسم به ذات اقدس خود می‌خورم که به طاعت تو ثواب می‌دهم و به نافرمانی تو عقاب می‌کنم و به سبب شفاعت تو بندگان را می‌آمزم.

و نیز خداوند وعده داده است که او را در پناه و حفظ و حمایت خود از شر دشمنان حراست و محافظت نماید و حق را به او بپا دارد و باطل را به او سرنگون سازد تا دین حق بر تمام جهان حاکم گردد.

و من نیز طبق معمول هر چهل روز آن طفل نازنین را می‌دیدم تا آن که چند روز پیش از شهادت پدر گرامیش او را بصورت مردی جوان دیدم و نشناختم، لذا از امام پرسیدم او کیست؟

فرمود: او پسر نرجس است که بعد از من جانشینم خواهد بود زیرا من بیش از چند روز دیگر در میان شما نخواهم ماند، پس می‌خواهم بعد از من از وی فرمانبرداری کنید.

و نیز در همین رابطه محمد بن بابویه قمی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ از أبوالأدیان روایت کرده که من در خدمت حضرت امام عسکری (ع) بودم و خدمت او می‌کردم و نامه او را به شهرها می‌بردم، روزی نزد آنجناب رفتم تا نامه‌هایی را گرفته و به مداین برم، در آن روز حضرت فرمودند ابو الأدیان تو بعد از پانزده روز که سفر طول می‌کشد به سامراء بر خواهی گشت و صدای شیون از خانه ما خواهی شنید و مرا در آن وقت غسل خواهند داد.

أبو الأدیان که از شنیدن این خبر متأسف شده بود عرض کرد یا بن رسول الله بفرمائید در آن زمان امر امامت با کیست؟ فرمودند: هر که جواب نامه‌های مرا از تو طلب کند بعد از من امام است.

أبو الأدیان عرض کرد یا بن رسول الله علامتی دیگر بفرما. حضرت فرمودند: هر که بر من نماز گذارد، او جانشین من است.

أبو الأدیان بار دیگر تقاضای علامتی دیگر کرد. حضرت فرمودند: هر که بگوید در میان چه چیز است بدان او امام شما مردم خواهد بود.

أبو الأديان گوید، پس از شنیدن آن اخبار از حضرت امام  
 عسکری (ع) خدا حافظی کرده و به سوی مداین روانه شدم و بعد  
 از پانزده روز که برگشتم و به در خانه مولایم رفتم صدای شیون  
 و نوحه را شنیدم که از منزل منور آن امام مطهر بلند شده بود و  
 جعفر کذاب برادر آن حضرت را دیدم بر در خانه نشسته، در  
 حالی که شیعیان دور او را گرفته بودند و به او برای وفات  
 برادرش تسلیت می گفتند و برای جانشینی و امامت تبریک و من  
 نیز از این امر تعجب کرده بودم زیرا می دانستم جعفر مردی  
 شرابخوار و قمارباز است، با این حال جلو رفتم تعزیت و تهنیت  
 گفتم در حالی که هیچ سوآلی از من نکرد و من در گوشه ای  
 نشستم که در این حال عقید خادم حضرت امام عسکری (ع)  
 بیرون آمد و به جعفر خطاب کرد که ای سید برادرت را کفن  
 کرده اند بیا و بر او نماز بگذار.

جعفر برخاست و شیعیان با او همراه شدند و چون به  
 صحن خانه رسیدیم او پیش ایستاد که بر جسم برادر اطهر خود  
 نماز گذارد چون خواست "تکبیرة الاحرام" بگوید طفلی  
 گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان، با صورتی زیبا و ملکوتی  
 جعفر را کنار کشید و گفت ای عمو پس بایست که من برای  
 خواندن نماز بر پدرم سزاوارترم.

پس جعفر عقب ایستاد و رنگش متغیر شد و آن طفل  
 پیش ایستاد و بر پدر بزرگوار خود نماز گذارد و آن حضرت را

در جنب امام علی النقی (ع) دفن کرد و بعد متوجه من شد و گفت ابوالادیان جواب نامه‌هایی که همراه تو است بده پس تسلیم کردم و در خاطر خود گفتم دو نشان ظاهر شده و یک علامت دیگر مانده است.

پس بیرون آمدم در حالی که عده‌ای از جعفر پرسیدند که امر امامت با کیست تا ما نامه‌ها و مالی که به همراه داریم تسلیم کنیم و نیز باید گفته شود مال چه مقدار است؟ جعفر برخاست و گفت مردم از ما علم غیب می‌خواهند، که در آن وقت خادم بیرون آمد از جانب حضرت صاحب الامر علیه السلام و گفت با شما، نامه فلان شخص و فلان هست و همیانی نیز باید باشد که در میان آن هزار اشرفی است که نه اشرفی از طلا روکش شده است.

آن جماعت نامه‌ها و مالها را تسلیم به خادم کردند و گفتند هر که تو را فرستاده است که این نامه‌ها و مالها را بگیری او امام زمان است.

پس جعفر کذاب به نزد معتمد که خلیفه‌ای ظالم بود رفت، وقایع را تمام بر او نقل کرد، پس معتمد عده‌ای را نزد حضرت نرجس سلام الله علیها فرستاد که آن طفل را نشان دهد و آن بانوی بزرگوار وجود فرزند عزیزش را انکار کرد در حالی که دستور قتل آن طفل صادر شده بود.

و شیعیان می‌گویند ما شاهد بودیم احوال آن بانوی

غمگین و مضطرب را، در حالی که فرزندش را می‌نگریست.  
می‌نگریست آن سرور را که داخل سرداب خانه پدرش  
شد و دیگر برنگشت.

آری اراده‌ی ازلی به منظور برپا داشتن حکومت حقّه و پیاده  
شدن عدل اسلامی و جهانی این گونه تحقق یافت که آخرین  
منجی و امید محرومان برای مدتی نامعلوم دور از چشم مردم  
زندگی کند تا شرایط زمان و مکان مستعد ظهور یگانه منجی عالم  
بشریت گردد و تا در سایه‌ی آن وجود مقدس ترس و ناامنی بشر  
تبدیل به امن و آرامش بشود.

و از فرمایشات پیغمبر (ص) و معصومین (ع) چنین استنباط  
می‌شود که حضرت مهدی (ع) دارای دو غیبت که یکی کوتاهتر  
(صغری) و دیگری طولانی‌تر (کبری) می‌باشد. و غیبت صغری  
از پنج سالگی تا سال ۳۲۹ هجری، ۶۹ سال طول کشیده است.  
در این دوران چهار عالم و مجتهد به امر الهی و دستور  
امام، به نام سفیر و یا نائب خاص به وکالت از طرف امام زمان  
عهددار امامت و رهبری شیعیان بوده‌اند که مسائل و مشکلات  
مسلمین را با امام در میان گذاشته و جواب دریافت می‌داشتند و به  
اطلاع می‌رسانیدند.

و این چهار نفر عبارتند از عثمان بن سعید، محمد بن  
عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سُمری و اولین سفیر امام،  
عثمان بن سعید که در زمان وکالت برای آنکه پوششی روی

فعالیت خود بگذارد، شغل روغن فروشی را پیشه خود کرده بود و اغلب وجوهات و حقوق الهی که از طرف مردم به عنوان سهم امام می رسید در داخل مشگ روغن می نمود تا از مصادره و ضبط اموال توسط حکام و امرای دولتی جلوگیری شود.

و پس از فوت عثمان طبق دستور آن نایب بر حق و نیز از جانب حضرت مهدی (ع) نیابت خاص سفارت امام به پسرش محمد بن عثمان واگذار گردید و مردم نیز مشکلات و مسائل خود را با او در میان می گذاشتند تا به عرض امام برساند و وفات محمد بن عثمان در سال ۳۰۴ در بغداد بوده است.

و سومین نایب خاص امام زمان (ع) ابو القاسم حسین بن روح نوبختی بوده و ایشان هم پس از مدتی انجام وظیفه، در سال ۳۲۶ هجری در بغداد فوت نمود.

و آخرین سفیر خاص امام زمان (ع) علی بن محمد سُمری بود که به امر امام و معرفی حسین بن روح انتخاب گردید پس از آنکه مدت عمر او به سر آمد و در بستر بیماری افتاد، شیعیان از وی خواستند جانشین بعد از خود را معرفی کند، ولی او جواب داد که امام زمان فرموده غیبت کبری فرا رسیده و به امر خداوند نایب خاص از این پس نخواهد بود و مردم می توانند به نواب عام و علمای زمان خود مراجعه نمایند البته این علماء باید کسانی باشند که به علم خود عمل نموده و حافظ دین خدا و اسلام و پیرو مکتب واقعی قرآن و رسالت پیغمبر (ص) و ائمه معصوم (ع) بوده

و نیز مبارز و مخالف با اعمال شیطانی و هوسهای نفسانی باشند.  
و در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام در آخرین روزهای  
عمر شمری صادر شد در مورد آغاز غیبت کبری چنین آمده  
است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای علی بن محمد شمری، خداوند پاداش و اجر برادرت را  
در مرگ تو بزرگ گرداند زیرا تا شش روز دیگر خواهی مرد.  
پس به کارهای خود رسیدگی نما و هیچ کس را به عنوان  
جانشین خود وصیت مکن زیرا غیبت کبری فرا رسیده است، من  
ظاهر نمی‌شوم مگر بعد از اجازه خداوند و این اجازه بعد از  
گذشت زمان و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و ستم  
خواهد بود. و در آینده نزدیک مسلمانانی پیدا می‌شوند که  
ادعای بابیت و مهدویت می‌کنند، آگاه باشید که هر کس چنین  
ادعائی نماید قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی دروغگو  
می‌باشد و افترا می‌بندد.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

\*\*\*\*\*

(( توضیحی در مورد بابیت ))

بابیت در قرن نوزدهم و در زمان پادشاهان قاجار درست  
زمانی که در ایران کشورهای استعمارگری همچون روسیه و  
انگلیس به غارت و تقسیم منابع و منافع خود مشغول بودند،

ایجاد شد. در آن زمان عده‌ای از روحانیون و پیشوایان مذهبی و نیز مجاهدان راستین برای رو کردن دست استعمارگران تلاش داشته، از جمله سید جمال الدین اسد آبادی در بر ملا کردن سیاست‌های استعماری و دست نشانده آنها فراوان کوشید و بالأخره بعد از آن همه تلاش و تبعید در راه وحدت اسلامی به شهادت رسید. روح و روانش شاد باد.

و در همین رابطه دولت تزاری روس با همکاری انگلیس در صدد بر آمدند تا دست نشانده خود میرزا علی محمد شیرازی را به کمک سفیر روس در ایران مأمور کرده تا او خود را نوکر امام زمان معرفی کند و ابتدا او خود را نوکر امام و سپس باب امام معرفی کرد و بعدها با حمایت علمای شیخی مسلک و عده‌ای از مردم عامی که دور او را گرفته بودند، خود را نائب خاصه امام زمان علیه السلام خواند.

در حله اول که او را در شیراز دستگیر کردند با خوردن یک سیلی در مسجد و کیل شیراز بلافاصله توبه کرد و طی نامه‌ای به ناصر الدین شاه تقاضای عفو نمود، ولی دولتهای استعماری بیکار ننشستند و با تعلیمات و آموزش‌های مجدد و پیگیر خود، او را به حمایت بیشتر امیدوار و وادار به فعالیت مجدد نمودند، تا آنجا که ادعای مهدویت و قائمیت کرد و به قول خود شرع و رسالت جدیدی به نام بهائی‌گری را عنوان و اعلام کرد و بالاخره پا را فراتر گذاشت و با ادعای خدائی، خود



را ذات خدا و وجود او دانست و آخر الامر این خدای ساختگی و مهدی پوشالی با آن ادعاهای کذائی در تبریز به دار مجازات آویخته شد و اعدام گردید.

مدعیان مهدویت: آنها که دعوی مهدویت کردند بسیار بودند چون مقام شامخ حضرت مهدی علیه السلام بسیار مورد توجه جهانیان بوده و می‌باشد، به همین دلیل بسیاری از افراد به فکر افتادند تا از این نام و مقام استفاده کنند در حالی که، آنان نمونه‌ای از شیادان و دغل‌بازان و دنیا پرستان و ریاست طلبان بودند و بالاخره هر کدام از آنها به نوبه خود به جزای عقوبت آن خواسته خود رسیدند و چه بسا باز هم باشند کسانی که چنین ادعای احمقانه‌ای را داشته باشند. **اللَّهُ أَكْبَرُ**

و اما دوستان و شیعیان علی بن ابیطالب و آل علی (ع) می‌دانند که منتقم حقیقی یک نفر است و آنهم یازدهمین فرزند حضرت علی (ع) می‌باشد که در مکه ظاهر خواهد شد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. به امید آنروز مبارک. **انشاءالله**

\*\*\*\*\*

و بدین ترتیب غیبت صغری با پایان یافتن نیابت خاصه در سال ۳۲۹ هجری به پایان رسید و غیبت کبری شروع شد و حضرت رسول (ص) درباره غیبت حضرت مهدی (ع) فرموده‌اند: مهدی از فرزندان من، اسم او اسم من و کنیه او کنیه

منست، شبیه‌ترین مردم از جهت آفرینش و اخلاق به من است، برای او غیبت و حیرتی است که گروههائی در آن زمان گمراه می‌شوند و می‌رسد روزی که فرزندم مهدی همانند ستاره‌ای فروزان آشکار می‌گردد و زمین را به عدل و داد پر می‌کند آن چنان که به جور و ستم پر شده است.

و نیز ادیان دیگر معتقدند وقتی که بشر به سوی انحطاط اخلاقی و معنوی پیش رود قادر به نجات خود از فتن و مهالک موجود نخواهد بود مگر اینکه یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد ظهور کند و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم رهائی بخشد و نیز از روزگاران کهن داستان ظهور مصلح در آخر الزمان مبنای اصولی داشته است.

و اگر به کتب ادیان آسمانی مراجعه کنیم سراسر امید و سرشار از نویدهای شادی بخش است.

به طور مثال در دین زرتشت موعودشان سوشیانس نام دارد، از جمله در منابع زرتشتیان جاماسب نامه صفحه ۱۲۱ نقل شده:

سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) پس از ظهور دین را به جهان رواج خواهد داد، فقر و تنگدستی را ریشه کن کرده و ایزدان را از دست اهریمن نجات داده و مردم جهان را همفکر و همگفتار و هم کردار می‌گرداند.

و در آیین بودا منتظران، در انتظار بودای پنجم هستند.  
و در آیین هندی سخن از نجات دهنده و موعودشان بنام  
آواتارا آمده است.

و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشاد صفحه ۷۳۷ مطرح  
شده است مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن  
سوار بر اسب سفید، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به  
صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد ظاهر می‌شود و شیران را  
تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت  
خواهد داد. این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.  
در آیین یهود که خود را پیروان حضرت موسای کلیم (ع)  
می‌دانند.

تورات : اشعیا نبی در فصل ۱۱ بندهای ۱ - ۱۰ نقل شده:  
نهالی از تنه یستی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش  
خواهد شکفت تا روح خدا بر او قرار گیرد که مسکینان را به  
عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم می‌کند و  
گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله می‌خوابد و گوساله  
و شیر پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند.

پس در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد دیده نشود،  
زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.

بنا به نوشته قاموس مقدس صفحه ۱۵۱ " یستی " به معنی

قوی، نام پدر داود است.

و در آیین مسیحیت درباره ظهور موعود در آخر الزمان اشاراتی در انجیل متی و لوقا و مرقس و برنابا و مکاشفات یوحنا آمده است که در انتظار حضرت عیسی مسیح (ع) به سر می‌برند.

و در انجیل لوقا فصل ۱۲ بندهای ۳۵ و ۳۶ نقل شده :  
 کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را فروخته بدارید.  
 و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند. تا هر وقت آید و در را بکوبد و بی درنگ برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامان که آقا و مولای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.  
 و در مکتب امید بخش اسلام، مسلمانان جهان در انتظار موعود و سرورشان بقیة الله الاعظم حضرت مهدی ارواحنا له الفداء می‌باشند.

که در قرآن می‌خوانیم:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ  
 نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و ما اراده کرده‌ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده‌اند منت نهاده و آنها را پیشوایان و وارثان زمین

قرار دهیم.

اینها چند نمونه کوتاه از نویدهای جاوید کتب مقدسهٔ ادیان و مذاهب مختلف جهان است که از آینده‌ای درخشان و آمدن مصلح جهانی در آخر الزمان خبر می‌دهند.

و حال که می‌بینیم جوامع و ادیان بذر امید و حیات را در دل مردم خود می‌پاشند و امید دارند به آن روز دست یابند و ما نیز با آن همه بشارات که در قرآن دیدیم و با آن همه اخبار و روایات که از ائمه هدی (ع) شنیدیم پس باید همگی در امر فرج مصلح و رسیدن به آن روز باشکوه تلاش کنیم و در این سازندگی تأخیر کار اشتباهی است زیرا پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند امر فرج حضرتش در یک شب اصلاح می‌گردد.  
انشاءالله

و حال که زمان امر فرج بدین کمی است، پس از دست دادن وقت جایز نیست. در حالی که طبق شواهد ما مسلمانان جهان عقیده داریم که موعود همه امت‌ها همان " مهدی " است که می‌آید و با قیام پر شکوهش بزرگترین رستاخیز آزادیبخش تحقق می‌پذیرد و جهان آلوده به شرک و گناه و ظلم و ستم و ... را پاک می‌سازد و مظلومان جهان را زیر چتر و سایه خود زندگی دوباره می‌بخشد.

همچنان که در یکی از زیارت‌های حضرت حجت بن

الحسن (ع) می‌خوانیم

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ) الَّذِي  
وَعَدَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) بِه الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِه الْكَلِمَ  
سلام و درود بر حضرت مهدی، آنکس که خدای بزرگ  
ظهورش را به تمامی امتها وعده داده تا به ارشاد وی همگی همفکر  
و همکلام گردند.

آری سلام بر مهدی که امتها از او سخن گفته‌اند، همان  
که همه اقوام و افکار را متحد می‌کند و زیر یک پرچم گرد  
می‌آورد.

و ما نیز در انتظار آن روز باشکوه و ملکوتی هستیم که با  
فرارسیدنش زمین و آسمان و هر آنچه که در میان آنست حیات  
و نشاط بیابند.

و براستی مبارک باد قدم منورش که بر چشمان ما  
گذاشته می‌شود. انشاءالله

و نیز در کتابهای آسمانی و تواریخ مذهبی مسئله غیبت و  
طول عمر حضرت مهدی موعود (ع) موارد مشابه بسیار دارد از  
جمله غیبت حضرت خضر و طول عمر ایشان که از مرز شش  
هزار سالگی گذشته است و طول عمر آن حضرت صرفاً برای  
اثبات عمر طولانی حضرت ولی عصر (عج) می‌باشد زیرا حضرت  
امام صادق (ع) می‌فرماید در علم خداوند مقدر بوده است که  
قائم آل محمد عمر بسیار طولانی داشته باشد و چون خدا  
می‌دانست که بسیاری از مردم در زمان غیبت از عمر طولانی آن

حضرت به تردید خواهند افتاد به بنده صالح خود حضرت خضر(ع) عمر طولانی عطا فرمود و این به خاطر آن است که مومنان بتوانند عمر طولانی قائم را به آن استدلال کنند تا حجت بر دشمنان تمام شود و کسی را بر خدا عذری نباشد.

و در مورد حضرت عیسی بن مریم(ع) که دو هزار سال از عمر شریفشان می گذرد و قرآن اعلام می دارد اگر چه طایفه یهود عقیده دارند که آن حضرت را به دار زده اند لیکن قرآن این عقیده را تکذیب نموده و اعلام می دارد که "عیسی" نه کشته شده و نه به دار کشیده شده بلکه آن حضرت را به جانب خود بالا برده است تا روز قیامت فرارسد.<sup>۱</sup>

و نیز طبق احادیث و روایات از رسول اکرم و اهل بیت گرامی ایشان که فرموده اند زمانی که مهدی فرزند ما ظهور نماید حضرت عیسی پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند و او را یاری خواهد کرد.

آری خداوند عمر او را طولانی کرده و سپس او را به واسطه قدرتش ظاهر می کند و بر جهان غلبه می دهد، به صورت جوانی کمتر از چهل سال، این کار برای این است که دانسته شود خداوند تعالی بر هر چیزی قدرت دارد.

يُطِيلُ اللَّهُ عُمرَهُ ثُمَّ يُظهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍ دُونَ

أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>۱</sup>  
 و در کتاب آسمانی قرآن راجع به مسئله غیبت حضرت  
 سخن بسیار رفته است از جمله:

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

قرار داد آن را سخنی باقی و استوار و در پشت نسلش که  
 امید است برگردد.<sup>۲</sup>

حضرت امیر(ع) در شرح این آیه فرمود: این آیه درباره  
 ما نازل شده که خداوند امامت را در پشت و نسل "حسین" تا  
 روز قیامت قرار داد، با دو غیبت که یکی از دیگری طولانی تر  
 است. و یا در سوره تکویر

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ، الْجَوَارِ الْكُنُوسِ

سوگند به ستارگان حرکت کننده، پنهان شونده<sup>۳</sup>

چنین نیست (که منکران قرآن پندارند) قسم یاد می کنم  
 به ستارگان بازگردنده که به گردش آیند و در مکان خود رخ  
 پنهان کنند.

امام محمد باقر(ع) در مورد قول خدای تعالی در آیه فَلَا  
 أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ فرموده است خُنُوسِ امامی است که در سال ۲۶۰ از

۱- از فرمایشات حضرت امام حسن مجتبی(ع)

۲- آیه ۲۸ سوره زخرف

۳- سوره تکویر آیه ۱۶ و ۱۵



حال ظهور به غیبت پنهان گردد سپس مانند شهاب درخشنده آشکار شود.

حُئَسْ بمعنی اختفاء و پنهانی است و تاویل آیه در مورد امام مهدی است که خداوند وقتی فرمان به اختفاء دهد پنهان شود و چون فرمان ظهورش دهد مانند ستاره ای فروزان در تاریکی شب ظاهر و آشکار گردد و هر کس آن زمان را درک کند چشمش روشن خواهد شد و حال امید داریم که خدای سبحان طبق وعده ملکوتی خویش حرکت و قیام آن یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (ع) را برای برانداختن نابسامانی‌ها و نابرابری‌ها و ... بر ما ارزانی دارد تا در سایه آن حضرت به امن و آرامش واقعی دست یابیم.

به امید آن روز باشکوه انشاء الله

و حال اگر بخواهیم فلسفه غیبت را بدانیم باید گفت هر کس که به وحدانیت خداوند لایزال اقرار دارد معتقد است هر امری که از طرف خالق هستی انجام شده و می‌شود بی دلیل و حکمت و مصلحت نیست، پس باید در مورد غیبت امام مهدی (ع) هم اعتقاد داشته باشیم که حتماً مصلحت الهی است که تا کنون بر بشر پوشیده مانده است.

و غیبت بمعنای ناشناس بودن و پنهان زیستن است که در واقع امکان دیدن حضرت هست ولی شخصیت حقیقی و عنوان و نام واقعی‌شان پنهان است و بگفته آن سرور، که اگر شیعیان ما

در/وفا به پیمانشان همدل و هم داستان بودند میمنت و ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و به زودی به دیدار ما سعادت می‌یافتند.

و یکی از علل غیبت حضرت حجت (ع) حفظ و حراست ایشان بود بخاطر خطری که تهدیدشان می‌کرد، زیرا پیشوایان الهی از حضرت آدم ابوالبشر تا حضرت خاتم پیامبر آخر الزمان حضرت محمد (ص) که هر یک به نوبه خود به بشریت خدمت کردند و بندگان خدا را به فلاح و رستگاری دعوت نمودند، و نیز جانشینان پیامبر اسلام و امامان همگی از حضرت علی (ع) تا حضرت امام عسکری (ع) از رهبران نمونه با ویژگی‌های خاص روحی و معنوی بودند و برای اینکه بندگان خدا را به سوی سعادت و رستگاری سوق دهند با خطر و مشکلاتی مواجه شدند تا آنجا که جاهلان آن عزیزان را گرفتار شکنجه و زندان و مرگ و ..... کردند به همین دلیل خداوند برای تنبیه و تنبیه مردم و حفظ جان آخرین ذخیره الهی، آن حضرت را مواجه با غیبت طولانی نمود.

و یکی دیگر از علل غیبت امتحان و اختیار مردمان است همانگونه که می‌دانیم خدای مهربان برای هر فردی از افراد بشر امتحانات و اختیاراتی را معین فرموده است. و در سوره عنکبوت می‌خوانیم

الْم ، أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكَوَأَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ  
الْكَاذِبِينَ

آیا مردم گمان کرده‌اند همین که گفتند ما ایمان آورده‌ایم، آنان را رها می‌کنیم (و بر این دعوی هیچ امتحانشان نکنند)؟

به تحقیق پیشینیان آنان را آزمایش کردیم، آنها را نیز می‌آزمائیم تا در این میان راستگویان از دروغگویان مجزا و مشخص گردند.<sup>۱</sup>

و امیر مومنان (ع) فرموده‌اند خوشا بر حال کسانی که در زمان پر آشوب بر صراط مستقیم ثابت قدم باشند و در طول زمان دچار شک و تردید نشوند زیرا "قائم" قیام نمی‌کند مگر پس از ترس شدید، اضطرابها، نگرانیها، فتنه‌ها و بلاهائی که بر مردم وارد می‌شود که هر صبح و شام از خدای سبحان مرگ خویش را درخواست می‌کنند، پس از یک چنین یأس و نومیدی او ظاهر می‌شود، پس خوشا به حال کسی که او را درک کند و به یاری او برخیزد و وای به حال کسی که با او مخالفت کند و اوامر او را نپذیرد و با او به دشمنی پردازد.

چه نیکو گفته است خدای مهربان، منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم و شکیبائی را پیشه خود سازید که فرج

بعد از یأس و نومیدی خواهد بود و در واقع یأس از وضع موجود در جهان که آمادگی را برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزشهای جدید به وجود می آورد و نیز مصائب و مشکلات آخر الزمان همچون تازیانه، پیکر همگان را خواهد نواخت تا تشنه عدالت شوند و به دنبال منادی عدل، گام بردارند چرا که اگر انسان تلخی دوران را نچشیده باشد، طعم دلنشین و جانفزای عدالت را تشخیص نخواهد داد.

و حال امیدواریم با عنایت خدای سبحان هر چه زودتر ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت برای برقراری عدالت اجتماعی در سرتاسر جهان و نیز در سایه لوای توحید و نظام توحیدی و اجرای قانون "الله و قرآن" محقق گردد.

و ما نیز از خداوند عزوجل می خواهیم تا ما را یاریمان دهد که از آخرین تونل به در آئیم و به فضای باز و روشن زندگی قدم گذاریم چرا که ما انسانهای در بند عالم زمستان سختی را پشت سر گذاشته و دل به بهاری بسته ایم که بسویمان می آید.

آری فصل بهار با شکوفه های لطیفش که فضا را با عطر خود معطر خواهد کرد، بهاری که شبنم شکوفه هایش اشک چشم یتیمان و اسیران و انسانهای ستم کشیده و ... خواهد بود.

و برآستی چه سخت گذشت این زمستان سرد و یخبندان، چرا که همه اشک بود و ناله و سرگردانی و درد و رنج و

مشقت، و چه تاریک بود این دوران.

ولی حال ای مهدی عزیز، ای تنها امید و ای قلب عالم، ما به امید تو زنده‌ایم و به آن بهاری می‌نگریم که بیائی، زیرا که بلبلان نغمه خوان نوید آمدنت را می‌دهند.

آری در همان بهاری که ابرهای تیره و تاریک دنیا کنار رفته و آسمان آبی در انتظار طلوع خورشید زمان، لحظه شماری می‌کند، مگر نه اینکه ایزد منان آمدن آن خورشید عالمتاب و آن یوسف کنعان و آن حامی مستضعفان را بشارت داده است.

آری "مژده دیدار آن نورالهی را داده‌اند که دست در دست عشق دارد و آزادی را نوید می‌دهد.

و براستی چه تماشائی است بیعت دلها با نور، بیعت فرزندان آدم با تنها نجات دهنده خودشان آقا امام زمان (ع).

آری امید است بیعت با او که عزیزترین عزیزان است در زمان موعود محقق گردد.

و ما نیز هر لحظه و هر روز بیعت خود را تجدید می‌کنیم و در انتظار آن لحظه پر شکوه و مبارک هستیم و خدا را بر بیعت خود شاهد می‌گیریم.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّْ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ

عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُقْبَى لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّ حَالُ بَيْتِي وَ بَيْتِنَا الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلْتَبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي، اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ أَكْحَلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَ أَسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ.

« پروردگارا تو بر مولای ما حضرت امام عصر، هادی امت و مهدی آل محمد (ص)، قیام کننده بفرمان تو که درود خدا بر او و بر پدران پاک گوهر او، از تمام مرد و زن اهل ایمان که در مشرق و مغربهای زمین هستند و در صحرا و کوهها و خشکیها و دریاها عالمند و از من و پدر و مادر من بر او درود و تحیتی فرست برابر عرش با عظمت خدائی و باندازه کلماتش و آنچه که علم خدا احصاء و کتاب آفرینش حق احاطه بر آن نموده است. پروردگارا در صبح همین روزم و تا روزیکه زنده‌ام با او تجدید می‌کنم عهد خود و بیعت او را که بر گردن من است که هرگز از این عهد و بیعت بر نگردم و تا ابد بر آن ثابت قدم

باشم. خدایا مرا از انصار و یاران آن بزرگوار قرار ده و از آنان که از او دفاع می‌کنند و از پی انجام مقاصدش می‌شتابند و اوامرش را امتثال و از وی حمایت کرده و از پیش کسوتان ارادتمند در گاهش و از شهیدانی که به فیض شهادت در رکابش نائل آمده‌اند، قرار بده.

پروردگارا اگر مرگ که آنرا بر تمام بندگانت قضای حتمی قرار داده‌ای بین من و حضرتش جدائی افکند پس مرا در حالی که از گورم کفن بر تن، و شمشیر از نیام برکشیده، و با نیزه‌ای برهنه و لبیک گویان دعوتش را که بر تمام مردم شهر و دیار لازم الاجابة است اجابت کنم، بیرون آر.

بارالها بما آن طلعت زیبای رشید و آن ستوده روشن جبین را بنمای و چشمانم را بیک نظر بر او روشن کن و فرج آن حضرت را نزدیک و خروجش را آسان ساز و مسیر و طریق او را توسعه و فراخی عطا کن و مرا براه او کشان و فرمانش را نافذ و پشتش را قوی (سپاهش را فاتح) گردان.

و حال ما شیعیان برای موفقیت و پیروزی مولایمان آقا امام زمان (ع) دعا می‌کنیم و امید به اجابت داریم برای او که ظهور خود را می‌طلبد، ما نیز چنین خواهیم خواست و با او عهد و پیمان می‌بندیم و از درگاه احدیت ظهور و فرجش را مسئلت/ داریم، انشاءالله که شاهد بانگ جبرئیل امین خواهیم بود که در میان زمین و آسمان ندا سر دهد.

که ای اهل ایمان مژده، مژده که صاحب امر، ولی عصر و ناموس دهر ظهور کرد.

و براستی مژده باد آن لحظه موعود که گشاینده پریشانی و زداینده هم و غم و برطرف کننده بلا و گرفتاری، ردای فرج بر تن کند و به اذن پروردگار عالمیان ظهور کرده و بشریت را از این همه بیچارگی نجات دهد.

و ما منتظران ظهورش امید داریم که دوران هجران بسر آید و روزگار وصال فرا رسد و دیدگان بندگان خدا بسوی آن خورشید امامت و احیاء کننده تعالیم اصالت دوخته شود و به خواست خدای مهربان شاهد شکوفائی دین احمدی باشیم در حالی که در سراسر جهان فقط یک دین، دین اسلام و یک پرچم، پرچم توحید و یک قانون اساسی، قرآن به رسمیت شناخته شود.

انشاءالله به امید آتروز با شکوه

و حال سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا در تمام ساعات

شب و روز

و سلام بر تو ای نور خدا که رهجویان بدان راه یابند و بر مؤمنان گشایش شود.

آری سلام بر تو ای امام عصر و ای عزتبخش مومنان مستضعف و ای دعوت کننده خلق به سوی خدا.

سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که جهان را پر از عدل و داد خواهی کرد و سلام بر تو ای چشمه زندگی و ای کشتی



نجات و سلام بر تو وقتی که به امر خدا قیام و ظهور فرمائی و پرچم پیروزی را بر دوش گیری و بانگ تکبیرت در زمین و آسمان طنین انداز شود.

امید است اذن خدای سبحان تعلق گیرد و ما بندگان خدا شاهد آن همه شکوه و جلال و عظمت الهی شویم که تو سردار بزرگ و حماسه آفرین آن میدان سرنوشت ساز خواهی بود.

و حال بارخدایا بر محمد و آل محمد رحمت‌های پی در پی فرست و دروذهای خجسته خویش را ارزانی دار بر امام بزرگواری که صاحب دعوت محمدی و صولت حیدری است.

خداوندا درود فرست بر او و پدران بزرگوار او تا مادامی که ستارگان در سحرگاهان می درخشند و درختان برگ می آورند و میوه‌ها می‌رسند و شب و روز در حال گزارند و پرندگان در حال نغمه سرائی‌اند.

بار خدایا حمد تو را می‌گوئیم و از تو می‌خواهیم ما را بر دینمان و بر اطاعت ولی امرت ثابت قدم بداری و هر گونه فتنه و شر را از ولایت دور کرده و او را به یاری خود نصرت بخشی و حکم او را بر هر حکمی جاری سازی و به نور او هر ظلمتی را نورانی گردانی.

خداوندا از تو می‌خواهیم ما را یاری دهی تا با پیروی از فرامین رهبر فقید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس الله روحه و در پرتو رهبری معظم جمهوری اسلامی حضرت آیت الله

خامنه‌ای حَفْظَهُمُ اللَّهُ تعالی در پیشبرد اهداف متعالی انقلاب  
اسلامی موفق و پیروز و سربلند باشیم.

انشاءالله

بامید پیروزی شیعیان علیّ بن ابیطالب (ع)

(منتظر در انتظارش باش)

(پایان قسمت سیزدهم طاووس بهشتیان)



بِسْمِهِ تَعَالَى

حَسْبُنَا اللَّهُ نِعَمَ الْوَكِيلِ ، نِعَمَ الْمَوْلَى وَ نِعَمَ النَّصِيرِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرْتَضَى وَ فاطمة الزَّهْرَا وَ  
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى الْاِئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

سوگند به عصر: به درستی که انسان در خسران است،

مگر آنان که به خدا ایمان آورده و عمل صالح انجام

دادند و سفارش به حق و سفارش به صبر کردند.

و می دانیم سوگند در قرآن فراوان است و باید توجه کرد

که وقتی خداوند قسم یاد می کند، می خواهد اهمیت موضوع را

برساند.

وَالْعَصْرِ: سوگند به عصر، کدام عصر، کدام دوران.

در مورد کلمهٔ عصر احتمالاتی داده شده، از جمله:

اولین نمازی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، نماز عصر بوده است و بعضی آن را ناظر به "نماز عصر" شمرده‌اند که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است.

و در احتمال دوم گفته شده وَالْعَصْرُ:

قسم به عصر و در این تعبیر، عصر طلوع اسلام مطرح شده است که بهترین عصرها نسبت به عصر ادیان و پیامبران است.

پس قسم به عصر اسلام، آن عصر نورانی و مشعشع و آن دورهٔ با برکت که طی آن قرآن نازل شد و خاتمُ الأنبياء حضرت مُحَمَّدٌ مُصْطَفَى (ص) به پیامبری مبعوث شدند و در طی رسالت خویش، دختر کشی را از سرزمین حجاز برداشته و نیز رأفت و رحمت و مهربانی را جایگزین قساوت و ظلم و شقاوت کردند و الله را به جای بت جایگزین و توحید را به جای شرک منتشر و بت‌ها را در خانهٔ خدا نابود ساختند و به راستی مبارک باد یک چنین عصر و زمانی که آیتی از الله همچون نوری درخشان بر زندگی ظلمانی و غبار گرفتهٔ عالمیان درخشیدن گرفت و بذر امید و کمال را در زمینِ دل انسان‌های در بند عالم پاشید و حال امروز ما مسلمانان جهان آن بذر عشق را با یک دنیا سختی و صبر و انتظار آبیاری می‌کنیم و امید داریم که عصر چیدن گلهای آن که به ما زندگی دوباره می‌بخشد، هر چه زودتر فرا

رسد.

و در احتمال سوّم گفته شده **وَالْعَصْرُ**: قسم به عصر، قسم به همان عصری که انسان به کمال واقعی خودش می‌رسد و می‌دانیم کمال واقعی تحقق نمی‌پذیرد مگر این که تنها بازمانده از خاندان خاتم الانبیاء حضرت محمد بن عبدالله (ص) پا به عرصه وجود بگذارد و بشریت را از آن همه بیچارگی و ظلم و ستم و تاریکی برهاند.

قسم به عصر: قسم به حکومت عدل جهانی که همان ظهور **وَلِيُّ اللَّهِ الْأَعْظَمِ أَرْوَاحُنَا لَهُ الْفِدَاءُ** می‌باشد. زیرا طلائی‌ترین و منظم‌ترین و با فضل‌ترین زمانه‌ها، همان زمان است که "مهدی" آخرین امید و منجی عالمیان، آن پادشاه پادشاهان به اذن خالق یکتا، برای برچیدن دردها، رنج‌ها و پستی‌ها، ستم‌ها و محرومیّت‌ها قیام کند و پس از برطرف کردن پریشانی و گرفتاری‌های موجود، اسلام آن دین پاک احمدی را با شعار

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ  
عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ

در جهان هستی بر پا نماید و حکومت جهانی الهی را تشکیل دهد. و نیز باید بدانیم که کلمه عصر یک معنی لغوی دارد و یک معنی اصطلاحی، و ریشه لغت عصر، عصاره، چکیده و فشرده است و در واقع عصر همان عصاره است.

پس قسم به چکیده و عصارهٔ عالم  
 قسم به فشردهٔ همهٔ ادیان  
 قسم به اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن  
 قسم به پیامبران و پیامبر اسلام حضرت محمد  
 مصطفی (ص)

و قسم به معصومین (ع)  
 و قسم به فشرده و عصارهٔ انبیاء و اولیاء که همان یگانه  
 منجی عالم بشریت حضرت مهدی آقا امام زمان (ع) است.  
 آری قسم به مهدی عزیز

همان آقا و مولائی که هم چون خورشید در زندگی  
 تاریخ ما روشنایی خواهد بخشید، اگر چه در پس ابرهای بهم  
 فشرده پنهان است و تا او که تنها امیدمان است طلوع نکند و به  
 دنیای ظلمانی ما نیاید، ما به آن سعادت و خوشبختی و امنیت  
 دست نخواهیم یافت و در حدیثی از حضرت امام صادق (ع)  
 می‌خوانیم که در تفسیر آیه **وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ**  
 فرموده‌اند:

### الْعَصْرِ خُرُوجُ الْقَائِمِ

منظور از عصر، عصر قیام حضرت مهدی (عج) است.<sup>۱</sup>  
 آری همان آقا و مولائی که می‌آید و اهداف الهی

پیامبران را به نتیجه و انسان را به کمال و مقصود خود می‌رساند.

به امید آن روز با شکوه انشاءالله

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

به طور مسلم همه انسانها در زیانند، زیرا مهمترین سرمایه وجودی و عنایت الهی که عمرشان است، بالأخره از دست خواهند داد.

آیا اگر انسان پنجاه سال عمر کند و پنجاه سال از خداوند دور شود و یا اگر با عرق جبین جهنم را بخرد زیان نکرده؟  
و اگر انسان با ثروتی بی‌مانند و سرمایه‌ای خدا دادی همچون عمرش به سود لازم دست نیابد حسرت و خسران شامل حالش نخواهد شد و آیا غیر از این است که آخرین فرصت خود را از دست داده، زیرا این دنیا مانند یک بازار تجارت است که جمعی در آن سود می‌برند و جمعی دیگر زیان، و زیان جز از دست دادن عمر که بزرگترین سرمایه است نخواهد بود و خداوند در قرآن بشر را در بسیاری از موارد مورد انتقاد قرار داده است، زیرا بنای بشر این است که خوش و مرفه و آزاد باشد، بدون این که رضای خالق را در نظر گیرد و در همین رابطه خداوند می‌فرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

ما انسان را در بهترین قالبها و شرایط آفریدیم. ولی طبق

نافرمانی‌اش او را به پست‌ترین پستی‌ها سقوط دادیم.<sup>۱</sup>  
 اگر چه او را به دو شارع درونی و بیرونی که همانا عقل  
 و شرع مقدّس است، سپردیم و به او فطرتی ملکوتی بخشیدیم که  
 می‌تواند با پیروی از آنها چنان به رشد و شکوفائی دست یابد که  
 به اعلیٰ علیین برسد. و انسان به این مقام والا ارتقاء پیدا نخواهد  
 کرد، مگر این که ایمان بیاورد و اعمال صالح داشته باشد.

### إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و ایمان خود یک رکن و پایه برای انسانیت انسان به شمار  
 می‌آید و رکن دوّم بعد از ایمان عمل صالح است.  
 و اگر انسان در سایه ایمان که نور الهی است عمل صالح  
 نداشته باشد به تکامل و رشد واقعی که در شان اوست دست  
 نمی‌یابد و نیز می‌دانیم تکامل انسان به دو زمینه نظری و عملی  
 بستگی دارد.

آن که نظری و از نوع شناخت است، ایمان نام دارد و در  
 رأس آن ایمان به الله و سپس به انبیاء و ملائکه و به کتب، به  
 رسل، به یوم الاخر و ایمان به امام و رهبر است و سپس عمل  
 صالح در سایه تقوا و تقوا آنست که لذت انس و اشتیاق به پاکی  
 و پاکان انسان را از آلودگی و معصیت برحذر دارد.

پس انسان بداند خسران او در این نیست که عاملی از



خارج به او زیان رساند، بلکه خسران حقیقی آن است که خود را با ایمان و عمل صالح نساخته باشد.

و انبیاء نیز آمدند تا این نوع مؤمن بسازند، مؤمنی که در دل جامعه، خدمتگزار باشد و از درد و غم دیگران آگاه و نیز برای بر طرف کردن مشکلات دیگران قدم خیر بردارد.

و در همین رابطه امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

کسی که در راه بر طرف کردن نیاز برادر دینی خود قدم بر می‌دارد، مثل کسی است که در بین صفا و مروه سعی می‌کند و یا مثل کسی است که در راه خدا در جنگ بدر و احد به خون خود آغشته شده باشد و خداوند متعال هیچ امتی را عذاب نمی‌کند مگر وقتی که در حق برادران نیازمند خود کوتاهی و سهل‌انگاری کنند.<sup>۱</sup>

آری تنها راهی که برای جلوگیری از این خسران عظیم وجود دارد در این آیه به آن اشاره شده است، که می‌فرماید:

مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند. که هر دو به منزله دو بال برای پرواز و یا دو پا برای سیر در معنی است.

و در واقع ایمان و عمل صالح لازم و ملزوم یکدیگرند و شخصی که بی ایمان بمیرد، اگر کوه کوه کارهای نیک، ظاهراً

داشته باشد او را سودی نبخشد.

در واقع ایمان امری ملکوتی و نوری است از طرف خدای سبحان، و چکیده ایمان باور است.

### یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، آمِنُوا

یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید در هر مرتبه که هستید قدمی فراتر نهدید و در ازدیاد ایمانتان بکوشید و بر سرمایه‌تان بیفزائید که امید است رستگار شوید.

و باید بدانیم ایمان تنها یک اندیشه و اعتقاد در زوایای روح و فاقد هر گونه تأثیر نیست، بلکه ایمان همان نور الهی است که تمام وجود انسان را در بر می‌گیرد.

ایمان همانند چراغ پر نوری است که درون اطاقی روشن شود و نه تنها فضای اطاق را نورانی می‌کند، بلکه شعاع آن از تمام دریچه‌های اطاق به بیرون می‌تابد و هر کس از خارج بگذرد به خوبی می‌فهمد آنجا چراغ پر نوری روشن می‌باشد.

و نور ایمان هم، مانند چراغی است که وقتی در سرای و قلب انسان روشن شود، نور آن از زبان و چشم و گوش و دست و پای انسان منعکس می‌شود، حرکات هر کدام از آنها نشان می‌دهد نوری در قلب است که اشعه‌ای بیرون تافته و گفته شده این دو اصل، ایمان و عمل صالح هرگز تداوم نمی‌یابد مگر این که حرکتی در اجتماع برای دعوت خلق به سوی حق و شناخت و معرفت آن از یکسو و دعوت به استقامت و صبر در طریق

انجام این دعوت، از سوی دیگر صورت پذیرد. در واقع این دو اصل ضامن اجرای دو اصل اساسی، ایمان و عمل صالح است.

وَتَوَاصَّوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَّوْا بِالصَّبْرِ

کلمه تَوَاصَّوْا یعنی وصیت کردن که بین وصیت و دعوت یک فرق است. مثل این که در دعوت گاهی اجابت هست و گاهی نیست ولی در وصیت، اصرار نهفته. به طوری که اگر کسی وصیت کند و بمیرد، باید حتماً آنچه گفته عمل شود.

و جمله تَوَاصَّوْا بِالْحَقِّ معنی بسیار وسیعی دارد که هم امر به معروف و نهی از منکر را شامل می شود و هم تعلیم و ارشاد و هم تشویق و تبلیغ ایمان و عمل صالح را.

بدیهی است کسانی که یکدیگر را به حق سفارش می کنند، خود باید طرفدار حق و عامل به آن باشند.

و حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شده که فرموده اند:

خداوند غضب دارد به مؤمن ضعیفی که دین ندارد.

سؤال می شود مؤمنی که دین ندارد یعنی چه؟

حضرت در جواب می فرماید:

منظور از مؤمن ضعیف کسانی هستند که نماز شب و

روزشان ترک نشود، ولی وقتی منکرات را می بینند هیچ اقدامی

نمی کنند و مؤمن بی دین این چنین مورد غضب خداوند است. /

پس فقط عمل صالح کافی نیست بلکه باید برای نجات و

ارشاد دیگران تَوَاصَّوْا بِالْحَقِّ داشته باشند و دیگران را به خیر و

احسان و اعمال حق دعوت کنند.

### وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

قرآن در این رابطه می گوید: اهل ایمان و سعادت وقتی به یکدیگر می رسند به هم توصیه به صبر و بردباری می کنند، زیرا صبر و ظفر دوستان هم دیگرند و طبق آیات و وعده های الهی پیروزی از آن صابرانست، زیرا صبر اجرش بسیار است و میزان آن اجر را فقط خدا می داند.

خداوند می فرماید من و فرشتگانم برای حضرت محمد (ص) صلوات می فرستیم.

### إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

و نیز برای انسان صابر، خودم صلوات می فرستم و من از بنده ام می خواهم در مقابل ناملایمات بگویم:

### أَنَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

پس صبر نه تنها باعث می شود که انسان در مقابل همه غرایز قد علم کند، بلکه می تواند به عالم ملکوت برسد، پس انسان همان طور که می تواند تسخیر فضا کند، می تواند تسخیر عالم فرشتگان و عالم جبروت کند، عالم جبروت (عالم قدرت و بزرگواری و عظمت الهی)

پس انسان می تواند با صبر و عبادت به مقام والایی برسد.

رسول اکرم (ص) می فرماید:

صبر داشته باشید در مصیبت، بر طاعت و ترک گناه و

کسی که در مصیبت صبر کند سیصد درجه ثواب برای او ثبت می‌شود که فاصله آن به مانند آسمان است تا زمین.

و صبر بر طاعت ششصد درجه است که فاصله آن از عمق زمین تا عرش می‌باشد.

و صبر در ترک گناه نه صد درجه است از عمق زمین تا انتهای عرش، که به شخص داده می‌شود.

و انسان بدون صبر به بهشت وارد نمی‌شود.

پس ای مؤمنین پیوندتان را با صبر و استقامت، ایمان و اعمال صالح، محکم کنید که لغت حزب از قرآن است.

فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

پس پیوندها را حفظ کنیم و مسئولیت‌ها را بین خود تقسیم نمائیم و امید به رستگاری و رسیدن به سر منزل مقصود داشته باشیم.

و در روایات آمده است، وقتی که اصحاب و یاران پیامبر اکرم (ص) به یکدیگر می‌رسیدند پیش از آن که از هم جدا شوند سوره **وَالْعَصْرِ** را می‌خواندند و محتوای بزرگ این سوره کوچک را یاد آور می‌شدند، سپس با یکدیگر خداحافظی کرده و به سراغ کار خود می‌رفتند.

و برآستی اگر مسلمانان، اصول چهارگانه را در زندگی فردی و اجتماعی خود اجراء کنند مشکلات و نابسامانی‌های آنان حل می‌شود، عقب ماندگی‌ها جبران می‌گردد و ضعف‌ها و

شکست‌ها به پیروزی مبدل، و شرّ اشرار جهان از آنها قطع خواهد شد.

و حال ای خدای دو جهان می‌دانیم در خسرانیم و جبران این خسران، جز با لطف و محبت تو میسر نیست، پس خودت توفیق رهائی و رستگاری را به ما عطا بفرما و ما را نسبت به عصر و زمان خود که در حساسیت خاصی قرار دارد، آگاهی ده و قلبهایمان را با محبت امام زمان (عج) منور بگردان زیرا پیامبر اکرم (ص) با علم به آینده وضع مردمان را در نسل‌های مختلف مورد توجه قرار داده و آهی از اعماق دل کشیده و فرمودند:

به خداوند شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع حضرت مهدی تکذیب کرده و گفتار مرا در حق او انکار می‌کنند و امت مرا از راه او منحرف می‌سازند در حالی که همه پیامبران و سفیران الهی به عنوان جزئی از رسالت خود به مردم وعده یک مصلح غیبی را که در آخر الزمان ظهور می‌کند داده‌اند و پیامبران اولوالعزم از شش هزار سال پیش خبر داده‌اند که همه باید ویژگی این تنها رهبر را بدانند.

متدین: بعنوان یک مبنای عقیدتی روشن و آشکار

منکر: بعنوان یک داستان شیرین و شیوا و زیبای

آسمانی.

بی‌هدف و بی‌مسلك: به عنوان یک داستان علمی که

دانستن آن بهتر از ندانستن آن است.

پس امید است که آن یگانه منجی عالم بشریت و علائم مربوط به ایشان را بیشتر از گذشته بدانیم و بشناسیم و برای آن دیدار با شکوه آمادگی لازم را به دست آوریم اگر چه باید باور کنیم آمادگی برای چنین هدف والایی کار سهلی نیست بلکه باید در مورد آن حساس و دقیق بوده و از غفلت و بی محبتی اجتناب شود و به وسعت، عمق و عظمت آن تحول واقف و با عشق و انس خواهان آن سعادت وعده داده شده باشیم.

ولی ای امام زمان مردم دنیا چه بخواهند و چه نخواهند تو همچون خورشیدی فروزان بر دنیای تاریک ما انسان‌های در بند خواهی تابیدی، ولی چه بهتر ما مسلمانان جهان در بیداری به سر بریم که در آن روز موعود شرمنده شما نباشیم.

در حالی که امام صادق (ع) فرمودند:

در مورد این تنها امید و سرمایه خود آگاهانه مراقب

باشید.

و از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده که فرموده‌اند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرفِ اِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به عهد جاهلیت مرده

است.<sup>۱</sup>

و از طرفی آن همه اخبار و نشانه‌های روشن که از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در سیرت و صورت حضرت ولی عصر (عج) و نیز روایات فراوانی در مورد علائم ظهور و کیفیت بیعت و تعداد اصحاب و مکان ظهور و دیگر ابعاد مربوط به ظهور آن کعبه مقصود و قبله موعود رسیده است و اگر امروز در شناخت و معرفت به ایشان تلاش نکنیم و به اخبار لازم دست نیابیم خود قصور کرده‌ایم، چرا که وقتی آن مهر تابان ظهور نمایند، انوار درخشان چهره ملکوتی ایشان بر نور خورشید غلبه خواهد کرد و چشمها به سوی او خیره خواهد شد و دشت و دمن و زمین و آسمان را با انوار خود نور افشانی کرده و با قدرت یداللهی اش مظلوم را نوازش خواهد کرد و ظالم را سرکوب و ذلیل و صدای تکبیرش در آفاق خواهد پیچید و دانش بی‌کرانش و شجاعت و استقامتش که برتر و بالاتر از هر انس و جنی خواهد بود.

آری او که حامی قرآن مبین و زینت بخش عرش برین و شفیع روز واپسین می‌باشد.

و آیا براستی ما او را می‌شناسیم و برای رسیدن به او تلاش و ایثار داریم؟

آیا بذر عشق او در دل ما هم چون شکوفه‌های بهاری حیات دارد تا در زمان موعود میوه این عشق پاک و الهی را که پیدا کردن علم و معرفت به قرآن و عترت و قانون کتاب آسمانی



قرآن و رسیدن به آسایش و امنیت و خوشبختی ..... و زندگی ایده‌ال است بچینیم؟

آیا وقتی او بیاید ما همچون پروانه به دور شمع وجودش اجتماع خواهیم کرد، سلامش کرده و جواب را خواهیم شنید؟  
آیا براستی ما منتظر ظهورش هستیم که بیاید تا مسیر راهش را بوسه باران کرده و با اشک چشمان غبار راهش را بشوئیم؟

و براستی او کیست؟

وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ؟

قُلْ: اَيُّ وَرَبِّي اِنَّهُ لَاحِقٌ وَاَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

ای محمد "از تو می‌پرسند آیا آن حق است؟

بگو: آری به پروردگرم سوگند که به راستی آن حق

است و شما هرگز راه فراری ندارید.<sup>۱</sup>

و در همین رابطه نبی مکرم می‌فرماید:

الْمَهْدِي مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا

قَاتَلْتُ اَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِ

مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است. او بر اساس

سنت من پیکار کند چنان که من بر اساس وحی پیکار نمودم.<sup>۲</sup>

۱ - سوره یونس ۵۳

۲ - البیان صفحه ۶۳

و قسم به پروردگاری که مرا به حق مبعوث کرد که مهدی نوه پسر امام حسین و نوه دختری امام حسن است و هنگامی که دنیا را هرج و مرج و ظلم و فساد، فتنه و اضطراب و ناامنی، قحطی و ویرانی، مرگ و میر و بیماری، تقلب و نفاق و دورویی و غیبت و سخن چینی، کفر و الحاد و بی دینی، بی عفتی و بی حیائی و قساوت قلب و ... در بر گیرد.

و وقتی کافران بر مسلمانان چیره و فرزندان نسبت به پدر و مادر آزار و بی حرمتی روا داشته و عهد و پیمان شکسته و حدود الهی تعطیل شود، صفها به هم پیوسته و قلبها از هم دور شود و مستی غفلت آنها را گرفته و عدل و داد ضعیف گردد و در مسجدها دور هم نشسته و ذکر ایشان تمام از مال و دنیا باشد و مردگان در قبرهایشان نا امید از خیر بازماندگان شوند و تسلط زنها بر مردها و امارت به دست بچهها افتد.

و در آن زمان رشوه به نام هدیه حلال می شود و افطار شود شهر رمضان در اولش و روزه گرفته شود در آخرش، خونریزی را سبک شمارند و از هم بیزاری جویند و شهادت به کفر یکدیگر دهند و از اشرار بترسند به جهت شرّ زبانشان.

و خراب شود آبادیها و ساخته شود خرابیها و بلند شود ناله و ضجه و بر ضعفا رحم و بر بزرگان احترام نکنند و پیوند خویشاوندی بریده شود و همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام کند، سرگرمیهای ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچ

کس جرأت جلوگیری از آن را نداشته باشد و اگر کسی اقدام به امر معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست و از افراد با ایمان چنان سلب آزادی شود که جز با دل نتوانند ابراز تنفر کنند.

در این زمان باران زیاد بارد، ولی نباتات کم روید. خوراکیها، مرغ و طیور و لباس‌ها خزیمانی و حریر باشد. عمر کوتاه می‌شود و گناهان بسیار و آرزوها طولانی و حلال را حرام و حرام را حلال می‌دانند و زمان سریع گذرد که انسان در اثر تراکم مشاغل و کثرت مسئولیت‌های زندگی و فرو رفتن در ناملايمات هرگز احساس نمی‌کند که چطور وقت و عمر خود را از دست می‌دهد.

و در مجموع جهان را سر تا سر تیره گی فرا می‌گیرد و دنیا در آتش ناامنی بسوزد و ویرانگری به وسیله جنگها بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد و هر روز فتنه و آشوبی مردم را آزار دهد و برای کسی آرامش و آسایش نماند و ناملايمات هجوم آورد و مشکلات روز افزون و خیانت شدت می‌یابد، نشاط از میان می‌رود و هوا و هوس شایع می‌گردد و اغنیاء خباثت یابند.

انصاف محو شده و شیطان وسوسه بسیار کند، قروض سنگین شده، فرار و گریختن بسیار شود، مصائب همه را فرا گرفته و آسمان نیز بر زمین سخت می‌گیرد و زمین لرزه بسیار گردد. پس هنگامی که مردم نادان و اهل جدل در گمراهی بسر

می‌بزند او با انوار درخشان و تعالیم حیاتبخش و براهین حق به عدالت قیام می‌کند و با بیانی آشکار مردم را رهنمون می‌شود و سخن او را جز گمراه‌تیره رأی تکذیب نمی‌کند.

و براستی اگر رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نبود ما نیز در وادی ضلالت فرو می‌رفتیم و با دیگر گمشدگان حیران و سرگردان گام می‌سپردیم و از شک و تردید رهائی نداشتیم ولی امید است با عنایت آقا امام زمان (ع) در اعتقاد به وجود اقدسش هرگز دچار شک و شبهه نشده و از هیچ عقیده انحرافی پیروی نکرده و از شاهراه هدایت منحرف نشویم و همچون ساکنان آسمان به او عشق بورزیم و شب و روز در انتظار مقدم او و به آرزوی وصال او به سر بریم و برای پیاده شدن اهداف ملکوتی خدای سبحان به همراه تنها حجت زمان حضرت مهدی (ع) تلاش کنیم. انشاءالله

و در همین رابطه امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

"قائم" ظهور نمی‌کند تا وقتی که چشم دنیا کور گردد یعنی اوضاع اش منقلب و پریشان شود. و سرخی در آسمان ظاهر و هویدا گردد و این سرخی از اشک چشمان حاملان عرش است که بر احوال اهل زمین گریه می‌کنند.

و نیز پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

أَلَايَاتُ كَخَرِّ زَاتٍ مَنظُومَاتٍ فِي سِلْكِ، فَانْقَطَعَ السِّلْكُ

يَتَّبَعُ بَعْضُهَا بَعْضًا

نشانه‌های ظهور چون دانه‌های یک تسبیح و یا یک گردن بند است که رشته اتصالش بگسلد و دانه‌های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.<sup>۱</sup>

و آیا براستی در دنیای معاصر ما شاهد این گردن بند که رشته‌اش گسسته شده نیستیم که هر روز و هر لحظه خبر فتنه‌ها، فاجعه‌ها و مرگ و میر و بسیاری از مسائل که ما را متوجه خود کرده در حالی که چاره‌ای برای حل آن مشکل نداریم و تنها دلگرمی و امید ما به وجود مقدّس منجی مسعود جهان مولای انس و جان صاحب العصر و الزّمان است که فریادرس دردمندان و بیچارگان گردد و همه را از درد و رنج و نابسامانی و تیره روزی نجات دهد.

بدیهی است که به دنبال تاریکی و ظلمت، نوید و روشنائی هست و یأس و ناامنی و هراس را آرامش جسم و جان در پی خواهد داشت، زیرا خداوند بزرگ امر حضرت مهدی (ع) را در شبی اصلاح می‌کند و به قائم اتمام نور خواهد نمود و او را بر همه ادیان و مذاهب غالب می‌گرداند و به قول خدای تعالی

**نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ**

را به فتح قائم تاویل نموده است.

و به گفته پیامبر (ص) ظهورش مانند قیامت و به اذن

خدای سبحان ناگهانی خواهد بود که در قیام مهدی (ع) هدف نجات انسان است و خلاصی انسان محقق نمی‌شود مگر اینکه روح عبودیت که همانا بندگی و پرواز به سوی ذات اقدس اله جلّ و علاست صورت گیرد.

و امام باقر (ع) می‌فرماید:

خوشا بر احوال کسانی که در زمان غیبت به امر ما پایدار می‌مانند کمترین پاداش آنها از طرف خداوند این است که خدای بزرگ می‌فرماید:

ای بندگان و کنیزان من، شما به آنچه من نهفته داشتم ایمان آوردید، غیب مرا باور نمودید پس بشارت باد بر شما از پاداش نیکوی من، زیرا شما را خواهم بخشید و به خاطر شما باران را بر بندگانم جاری و گرفتاری را از آنان دور می‌گردانم و اگر شما نبودید بدون تردید عذاب خود را بر آنها فرو می‌فرستادم.

و حال خداوندا، این عزّت بر ما بس که بنده تو باشیم و این فخر بر ما بس که پروردگارمان تو باشی.

بارالها تو را سپاس می‌گوئیم و هر کار و سخنی را به نام تو آغاز می‌کنیم و جز تو را نیایش و پرستش نمی‌نمائیم و از غیر تو یاری نمی‌خواهیم، پس ما را یاری ده تا در آن رستاخیز آزادی بخش با صفوف فشرده در مقابل دشمنان فرومایه ایستادگی کرده و به پیروزی حق بر باطل نائل شویم. انشاءالله

و برآستی خوشا به سعادت کسانی که روزگار آن حضرت را درک می‌کنند و امامت او را باور دارند و منتظر ظهور اویند و اوامر آن سرور را گوش فرا می‌دهند. و گوارا باد بر آنها همسایگی امیر مومنان (ع) در عالی‌ترین مقامات جنت.

و در همین رابطه حضرت امیر (ع) می‌فرماید: منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نا امید نباشید به درستی که پسندیده‌ترین اعمال به سوی حق تعالی انتظار فرج است.

و از حضرت صادق (ع) مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد در حالتی که انتظار ظهور امام زمان را داشته مانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه آن حضرت باشد. آنگاه اندکی ساکت شد بعد فرمود: بلکه مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند. بعد فرمود: نه والله، بلکه مانند کسی است که در رکاب حضرت رسول (ص) شهید شده باشد.

و حال باید بدانیم طلب فرج و ظهور و دعا به آن حضرت همچون صله رحم پیغمبر اکرم (ص) است، که امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید:

صله رحم پیغمبر (ص) افضل و واجب‌تر است از صله رحم خود شخص.

و در کافی از حضرت امام محمد باقر (ع) مروی است که فرمود:

صلهٔ رحم کردن، اعمال را پاکیزه می‌کند، بلا را دفع و باعث آسانی حساب قیامت می‌شود و عمر را طولانی می‌گرداند. پس بر هر مؤمن سزاوار است که در همهٔ دعاهایش ابتدا دعا و صلوات بر محمد و آل محمد و مسئلت تعجیل در فرج آنها که به ظهور حضرت مهدی (ع) حاصل می‌شود، داشته باشد.

و مستحب است در روز پنج شنبه صد مرتبه گفته شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ  
عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

و افضل اعمال در روز جمعه آن است که بعد از نماز

عصر صد مرتبه گفته شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ فَرِّجْنَا بِهِمْ

و در قنوت و دعاهایمان بخوانیم:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ عَجِّلْ خِزْيَ أَعْدَائِهِ

پس مؤمن باید دعای به وجود مبارک امام زمان (ع) کرده

و از حق تعالی طلب فرج و ظهور و رفع هموم و غموم را از قلب

پاک آن حضرت بسیار نماید و سزاوار است با کمال تضرع و

زاری دعا کند، مثل کسی که از برای عزیزان از اهل خودش

دعا می‌کند.

و در واقع دعا به معنی خواستن و تقاضا کردن است. دعا



رابطه ایست میان آدمی و آفریدگار که آرزوهای انسانی خویش را بیان می‌کند و از خالق خود یاری می‌طلبد و خداوند یاری می‌کند دعا کننده به آن حضرت را، زیرا که دعای به آن حضرت نوعی از یاری اوست و یاری او یاری خداست و حق تعالی فرموده:

وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ

یعنی: خداوند البته یاری می‌فرماید هر کس که او را یاری نماید.

و در دوران تاریک و طوفان زده غیبت تنها کسانی به راه نجات و سعادت خواهند رفت که پیوسته به یاد امام زمان (ع) باشند و همواره در فراقش اشک بریزند و برای قرب ظهورش دعا کنند و محبت ایشان را در دل‌ها افزون و باعث هدایت گمراهان شوند.

و در زمان غیبت نجاتی نیست مگر کسی که همچون شخص غریق پیوسته دعا کند و در کتب ادعیه، دعاهایی برای عصر غیبت رسیده است که شاید مختصرترین آنها این دعا باشد که موسوم به دعاء غریق است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا اللَّهُ يا رَحْمَنُ يا رَحِيمُ يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ

پس مکرر بخوانیم این دعا را و امید به پیروزی اسلام و نجات انسان‌های مظلوم و محروم داشته باشیم.

و یکی از دعا‌های معروفی که مؤمنان و منتظران ظهور در عصر غیبت ولیّ الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه، بر آن مواظبت دارند و در آن از خدای تعالی معرفت خودش و معرفت پیامبرش و معرفت حجّتش را مسئلت می‌نمایند، دعاء معروف (اللّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ) است.

این دعا را محمد بن یعقوب کلینی قدس سرّه از حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق (ع) در باب غیبت از کتاب حُجّة روایت کرده است. و دعا این است:

اللّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

این دعا در بحار جلد ۵۲ ص ۱۴۶ هم می‌باشد.

و حال پروردگارا از تو می‌خواهیم تا به ما توفیق عبادت و حرکت در راه رضای خودت را عنایت فرمائی و می‌خواهیم که خودت را به ما بشناسانی چرا که اگر تو را نشناسیم پیامبرت را نخواهیم شناخت.

پس خدایا پیامبرت را به ما بشناسان چرا که اگر پیامبرت را نشناسیم حجّتت را شناخته‌ایم.

پس خدایا حجّتت را به ما بشناسان چرا که اگر حجّتت را نشناسیم، از دینمان گمراه خواهیم بود.

و ما بندگان حقیر، امید به عنایت خداوند داریم و از خدای سبحان به حقّ صاحب عصر و زمان می‌خواهیم ما را اهل ایمان و جزء منتظرین آقا امام زمان (ع) قرار دهد و دست ما را از دامان ولای رسول اکرم (ص) و اهل بیت گرامی ایشان کوتاه نفرماید. و ما را در آزمایشات آخرالزمان سر بلند گرداند. زیرا امتحان یک سنت الهی است و همه در دنیا امتحان می‌شوند، حتی بندگان خوب. پس باید به خداوند پناه ببریم از امتحانی که گمراه کننده باشد و بی‌آبرو کند.

و در قرآن آمده است که خداوند مرگ و حیات را قرار داده برای این که امتحان کند و معلوم شود کدام یک از بندگان از حیث عمل بهتر هستند و باید توجه کرد که بر سر دوراهی‌ها و تردید آن که مخالف هوای نفس و نزدیک به رضای الهی است انتخاب شود.

و خداوند در این رابطه فرموده است:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ  
وَالْأَنْفُسِ وَالْثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ

ما شما را به سختی‌هایی چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال، مرگ و آفات زراعت، آزمایش می‌کنیم و صبر پیشگان را بشارت باد. ۱

وَلَنْبَلُونَكُمْ: یعنی امتحان می کنیم شما مؤمنان را قبل از خروج " قائم "

بِشْيءٍ مِنَ الْخَوْفِ: یعنی به وسیله پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آنها (ترس)

وَالْجُوعِ: یعنی با گرانی قیمتها (گرسنگی)  
وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ: یعنی با کسادی تجارت و کمی درآمد (فقر)

وَالْأَنْفُسِ: یعنی با مرگهای پیاپی و ناگهانی  
وَالثَّمَرَاتِ: یعنی با کمی رشد زراعت  
وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ: یعنی نوید بده در آن زمان صبر پیشگان را با ظهور قائم.

و آن بعد از یک فتنه سخت و کمر شکن است که هر دوستی و خویشی را درهم می ریزد. همسایه به همسایه اش هجوم برده گردنش را می زند.

و در تفسیر عیاشی مرویست:

عَنْ الثُّمَالِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ « لَنْبَلُونَكُمْ بِشْيءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ » قَالَ: ذَلِكَ جُوعٌ خَاصٌّ وَجُوعٌ عَامٌّ، فَأَمَّا بِالشَّامِ فَإِنَّهُ عَامٌّ، وَأَمَّا الْخَاصُّ بِالْكَوْفَةِ يَخْصُّ وَلَا يَعْمُ، وَ لَكِنَّهُ يَخْصُّ بِالْكَوْفَةِ أَعْدَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَيُهْلِكُكُمْ

اللَّهُ بِالْجُوعِ، وَ أَمَّا الْخَوْفُ فَأَنَّهُ عَامٌ بِالشَّامِ وَ ذَاكَ الْخَوْفُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (ع) وَ أَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع) وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ " وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ "

در کتاب تفسیر عیاشی از ابو حمزه ثمالی روایت کند که

گفت درباره آیه شریفه

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ

از امام محمد باقر (ع) پرسش نمودم، فرمود:

این جوع و گرسنگی ( دو قسم است ) خصوصی و عمومی

گرسنگی عمومی در شام خواهد بود. گرسنگی خصوصی

در کوفه اختصاص به دشمنان آل محمد (ص) دارد که خداوند

آنها را به واسطه گرسنگی هلاک گرداند.

اما خوف و وحشت عمومی باشد آن هم در شام وقتی که

قائم آل محمد قیام کند و نیز گرسنگی پیش از آن حضرت هم

خواهد بود.

این است مقصود از آیه شریفه که فرمود:

بعد از این شما مردم را به مقداری از خوف " وحشت " و

جوع " گرسنگی " مبتلا خواهیم نمود.

وَ خَوْفٌ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ وَ بَغْدَادَ وَ مَوْتُ ذَرِيعٌ فِيهِ وَ

نَقْصٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ قَلَّةٌ رَّبْعٌ لِمَا يَزْرَعُ النَّاسُ

ترس، اهل عراق و بغداد را احاطه می کند و مرگی

ناگهانی و پیایی در آنجا شایع و کمبود در اموال اشخاص و

میوه‌ها ظاهر می‌شود و زراعت مردم کمتر رشد می‌کند.<sup>۱</sup>  
و جابر بن عبدالله انصاری به امام محمد باقر (ع) عرض  
کرد این امر ظهور " ولی عصر " کی واقع خواهد شد؟

حضرت فرمود:

أَنْتِي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمَّا تَكَثُرُ الْقَتْلَى بَيْنَ الْحِيرَةِ وَالْكَوْفَةِ

ای جابر چگونه واقع شود و حال آن که هنوز کشت و  
کشتاری بین حیره و کوفه واقع نشده است.<sup>۲</sup>

بله واقع نشده بود و حال که واقع شده است، کشت و  
کشتاری عظیم و خانمان سوز برای آن دیار و مردمی که حتی  
در حرم مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) از دست دژخیمان  
در امان نبودند و نیستند و چه بسا با خروج سفیانی حمام خون  
در این کشور به راه افتد و به دنبال آن، مصلح غیبی ظهورش  
محقق گردد. انشاءالله

و از سخنان گهربار مولای متقیان که از آینده خبر  
داده‌اند:

يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ: أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ وَ مَاؤُكُمْ  
رُعَاقٌ، بِلَادُكُمْ أَنْتَنُ بِلَادِ اللَّهِ تُرْبَةٌ وَ أَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ بِهَا تِسْعَةُ  
أَعْشَارِ الشَّرِّ وَ الْمُحْتَبَسُ فِيهَا بِذَنْبِهِ، وَ الْخَارِجُ مِنْهَا بِعَفْوِ رَبِّهِ كَأَنِّي

۱ - الامام المهدي ص ۲۳۴

۲ - ارشاد مفید ص ۲۳۹

أَنْظُرُ إِلَى قَرِيْبَتِكُمْ هَذِهِ وَقَدْ طَبَقَهَا الْمَاءُ حَتَّى مَا يَرَى فِيهَا إِلَّا مُشْرِفُ  
 الْمَسْجِدِ كَأَنَّهُ جَوْجُو طَيْرٍ فِي لُجَّةِ بَحْرٍ فَإِذَا هُمْ قَدْ رَأَوْا الْبَصْرَةَ قَدْ  
 تَحَوَّلَتْ أَحْصَاصُهَا دُورًا، وَأَجَامُهَا قُصُورًا فَالْهَرَبُ الْهَرَبُ فَإِنَّهُ لَا  
 بَصْرَةَ لَكُمْ بَعْدَ الْيَوْمِ.

ای اهل بصره اخلاقتان پیچیده، آئینتان منافقانه، آبتان  
 تلخ، خاک کشورتان از هر خاکی گندیده‌تر، و از آسمان دور‌تر  
 است، نه دهم شرّ در شهر شماست. کسی که در آن درگیر است  
 در اثر گناهانش مبتلا شده است و هر کس از آن رهائی پیدا کند  
 به سبب رحمت و برکات پروردگار نجات یافته است گوئی با  
 چشم خود می‌بینم که شهر شما را آب فرا گرفته است از  
 ساختمان‌های شهر جز گنبد مسجدتان دیده نمی‌شود که همانند  
 سینه مرغی در اقیانوس بی کران شناور به نظر می‌رسد هنگامی  
 که دیدند کوخ‌های بصره تبدیل به کاخ شده و باغ‌های اطراف  
 آن تبدیل به قصر شده بدانند که عمر بصره به پایان رسیده دیگر  
 بصره‌ای وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

إِذَا خَرِبَتِ الْبَصْرَةَ وَقَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ

هنگامی که بصره ویران شود و امیر امیران برخیزد.<sup>۲</sup>  
 امید داریم به آن روز موعود که امیر امیران، پادشاه زمین

۱- الزام الناصب ص ۲۴۲

۲- الزام الناصب ص ۵۳

و آسمان، ولی عصر و الزمان ظهور کنند و همه اسیران دربند را از قید اسارت آزاد و انسان های بی نوا و دردمند را از قید گرفتاری و ستم رهانیده و دوران ذلت و بردگی را به پایان رساند و امام صادق (ع) نشانه های واپسین را در یک جمله خلاصه کرده می فرماید:

الْفَرَجُ كُلُّهُ هَلَاكُ الْفُلَانِي مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ

همه فرج در به هلاکت رسیدن فلانی از بنی عباس

است. ۱

و منظور شاید یکی از ستم پیشگانی است که در بغداد بر تخت قدرت می نشیند و ستم می کند و خون می ریزد و ویژگی هائی از خود نشان می دهد که در میان دیگر جنایت پیشه ها شناخته می شود و همگان متوجه می شوند که این حدیث اشاره به اوست.

در ضمن توقیع شریفی خطاب به علی بن مهزیار از ناحیه مقدسه آقا امام زمان چنین آمده است:

إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصِّينِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ وَ سَارَ الْعَبَّاسِيُّ وَ  
بَوَّعَ السُّفْيَانِيُّ أَذِنَ لِوَلِيِّ اللَّهِ

هنگامی که مرد چینی ناپدید شود، مراکشی قیام کند، عباسی برود و با سفیانی بیعت شود، برای ولی خدا اجازه ظهور



داده می‌شود.<sup>۱</sup>

این مرد چینی که در توقیع شریف آمده است حتماً یک شخصیت ممتازی خواهد بود که در سراسر جهان شناخته شده و در ردیف چانک کای چک و مائوتسه تونگ باشد که ناپدید شدنش در سطح جهانی مطرح و یکی از نشانه‌های قرب ظهور به شمار آمده است.

علی بن مهزیار هنگامی که به پیشگاه کعبه مقصود و قبله موعود تشریف یافت از آن حضرت چنین شنید:

يَا بَنَ مَهْزِيَارَ، أَلَا أَنْبُؤكَ؟ إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصِّينِي تَحَرَّكَ  
الْمَغْرِبِيُّ وَ سَارَ النُّعْمَانِيُّ وَ تَرَبَّعَ السُّفْيَانِيُّ يُؤْذَنَ لِرُؤْيَى اللَّهِ فَأَخْرَجُ  
بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِئَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا

ای پسر مهزیار:

آیا برای تو باز گو نکنیم؟ هنگامی که آن مرد چینی ناپدید شود، مغربی حرکت کند، نعمانی برود و سفیانی بر تخت نشیند، به ولی خدا اذن خروج داده می‌شود. آنگاه با ۳۱۳ تن از یارانم از میان صفا و مروه ظاهر می‌شوم.<sup>۲</sup>

با عنایت پروردگار عالمیان انشاءالله

و نیز باید گفته شود آنچه از نشانه‌های ظهور از پیامبر

۱ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۴

۲ - بشارة الاسلام ص ۱۷۴

اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) صادر شده، بسیاری از آنها تا کنون انجام یافته و اینک در انتظار آن هستیم که آخرین نشانه‌ها نیز تحقق یابد و روزگار رهایی فرا رسد تا به دنبالش خورشید جهان تاب از پشت پرده غیبت برون آید و تاریکی‌ها را بزدايد و دل‌های بندگان خدا را از عبادت لبریز نموده و سایه عدلش همه را فرا گیرد. انشاءالله

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ  
أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَیُوقِنُونَ

هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد (زمان ظهور منتقم الهی) جنبنده‌ای از زمین بر انگیزیم که با آنان سخن گوید که مردم به آیات (بعد از این) یقین نمی‌کردند.<sup>۱</sup>

در این آیه منظور از (وقع القول علیهم) صدور فرمان خدا و مجازاتی است که با وقوع رستاخیز و حضور نشانه‌هایی که با مشاهده آن هر کسی خاضع و تسلیم می‌شود و یقین پیدا می‌کند که وعده‌های الهی هم حق بوده و قیامت نزدیک است و در آن حال درهای توبه بسته می‌شود چرا که ایمان در چنین شرایطی جنبه اضطراری خواهد داشت و در آیه مورد بحث اشاره شده به قسمتی از حوادثی که در آستانه رستاخیز صورت می‌گیرد و سرنوشت دردناک آن شامل افرادی می‌شود که به آیات و

نشانه‌ها ایمان نیاورده و با وقوع رستاخیز درهای توبه و برگشت برویشان بسته خواهد شد.

و در همین مورد از رسول خدا (ص) سؤال کردند جنبنده کیست و از کجا می‌آید؟

حضرت فرمودند: جنبنده همان مهدی است و از مسجد الحرام مسجدی که حرمتش زیاد است بیرون می‌آید. درست وقتی که زمین در زیر پای مردم به اضطراب و لرزش در آید، آن قسمت از صفا که بعد از محل سعی است، شکافته شود و دابه از آن بیرون می‌آید در حالی که مثل خورشید می‌درخشد. پس در آن زمان کسی فرار نکند که مؤمن و کافر با شکل شناخته شوند.

آری می‌آید دابّة الارض از سمت صفا در حالی که انگشتر سلیمان و عصای موسی با اوست و آن انگشتر را به روی هر مؤمنی که می‌گذارد میان دو چشم او نوشته می‌شود مؤمن، و چهره او مانند ستاره‌های درخشان دیده می‌شود. و آن انگشتر را بر روی هر کافری بگذارد پس میان دو دیده او نقطه‌ای سیاه به صورت کافر نقش می‌بندد و نوشته می‌شود این کافر حقیقی است.

و منظور از دابه الارض در این آیه انسانی است با ویژگی‌های خاص خود، انسانی که بسیار فعال، مشخص کننده خط حق و باطل، مؤمن و کافر، انسانی که در آستانه رستاخیز

ظاهر می‌شود و خود یکی از آیات عظمت پروردگار است.<sup>۱</sup>  
 طبق روایت نقل شده که دَابَّةُ الْأَرْضِ در آن روز موعود  
 سر خود را بلند می‌کند و مردمی که بین مشرق و مغرب عالم  
 هستند بعد از طلوع خورشید از جانب مغرب به اذن خدا او را  
 می‌بینند و در آن وقت دیگر توبه برداشته می‌شود و عملی به سوی  
 خدا بالا نمی‌رود و کسی که تا آن زمان ایمان نیاورده و یا در  
 حال ایمان خیری کسب نکرده، ایمان و یا عمل صالح برایش  
 خیری به ارمغان نمی‌آورد. و نیز معجزه‌ای که در زمان ظهور از  
 آقا امام زمان (ع) صادر می‌شود تَكَلَّمَ آن سرور با درختان و  
 حیوانات و زنده شدن مرده به دعای آن حضرت و نسوختن بدن  
 مبارک ایشان با آتش است و نیز امیر مومنان (ع) می‌فرماید:  
 وَ يُنْصَبُ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ يَرَى فِيهِ  
 أَعْمَالَ الْعِبَادِ

برای او عمودی از نور، از زمین تا آسمان نصب می‌شود  
 که اعمال بندگان را در آن می‌بیند.<sup>۲</sup>

و روایات دیگری این معنی را تأیید می‌کنند که از آن  
 جمله است روایت امیر مؤمنان (ع) که می‌فرماید:  
 لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا

۱- تفسیر نمونه

۲- الزام الناصب ص ۱۰

هیچ مؤمنی در شرق و غرب جهان نیست که اعمالش از ما پوشیده باشد.<sup>۱</sup>

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

همانا ما آنچه را که شما انجام می‌دادید و عمل می‌کردید می‌نوشتیم.<sup>۲</sup>

آری هیچ مؤمن و بنده‌ی خدائی نیست مگر این که هفته‌ای دو بار نامه‌ی اعمال او را نزد حضرت حجّت (ع) برند. زیرا رقیب و عتید از جمله خادمان و چاکران آن حضرت می‌باشند و با اینکه آقا امام زمان (ع) غائب از دید ما، ولی ناظر بر افکار و اعمال و کردار ماست و این دو فرشته نامه‌ی اعمال را هر دوشنبه و پنج‌شنبه نزد سیّد الانبیاء و سپس ائمه‌ی هدی (ع) و بعد نزد حضرت حجّت (عج) می‌برند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

خدا را شکر کنید اگر قومی شما را مشغول داشته باشد از آنها جدا شوید و از دو فرشته‌ای که بر دوش شما هستند بخواهید که از خدای رئوف طلب بخشش کنند و باید سعی در شناختن گناهان داشته باشید و از خدای سبحان طلب مغفرت نمائید.

و امام کاظم (ع) می‌فرماید:

۱ - الزام الناصب ص ۶

۲ - سوره جاسیه آیه ۱۹

جای فرشتگان داخل دو گونه (صورت) در دو طرف لب قرار دارد. پس داخل دو گونه را پاکیزه کنید که جایگاه فرشته است. پیامبر اکرم (ص) نیز تاکید در بهداشت دهان و مسواک کردن داشته و فرمودند: پس با مسواک پاکیزه و خوشبو کنید که دهان شما معبر آیات قرآن است. و دستورات موکد حضرت امیر (ع) نظافت در کناره داخل گونه‌ها است.

و از امام کاظم (ع) سؤال شده است، آیا هنگامی که بنده اراده گناه یا کار نیک می‌کند آن دو متوجه می‌شوند؟ امام فرمودند: آیا بوی بد و بوی خوش یکسان است؟ بدون شک نه، پس آنگاه که بنده خدا قصد انجام دادن حسنه می‌کند نفسش خوشبو بیرون می‌آید. پس فرشته جانب راست (رقیب) به فرشته جانب چپ (عتید) می‌گوید برخیز، زیرا که او به کار نیک تصمیم گرفته و آنگاه که حسنه را انجام داد، زبانش، قلمش و آب دهانش، مُرگبش می‌شود.

و آن را برای او ثبت می‌کند، نه یکی، بلکه ده برابر. و هنگامی که به عمل بد تصمیم می‌گیرد، نفسش بد بو می‌شود، پس فرشته جانب چپ به فرشته جانب راست می‌گوید توقف کن زیرا که او به کار بد قصد نمود و آنگاه که آن عمل را به جا آورد هفت ساعت به او مهلت داده می‌شود، اگر توبه کرد، که استغفار برایش ثبت می‌شود و گر نه زبانش قلم و آب

دهانش مرکبش می‌شود، و آنرا برای او ثبت می‌کند فقط یکی.  
 مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر کس کار نیک کند او را ده برابر آن پاداش خواهد بود و هر کس کار زشت کند جز به قدر آن کار زشت مجازات نشود و بر آنها اصلاً ستم نخواهد شد.<sup>۱</sup>

پس نویسندگان اعمال نیک و بد، قلمی جز زبان خود انسان و مرکبی جز آب دهان او ندارند و خوشا به سعادت کسانی که گناهان را شناسائی می‌کنند و اگر هم گاهی ناخواسته و یا ناخود آگاه مرتکب گناهی شدند از خدای باریتعالی پوزش می‌طلبند و توبه و انابه کرده و استغفار می‌فرستند زیرا خداوند می‌فرماید صدای ناله گنهکاران نزد من دوست داشتنی‌تر است از تسبیح، تسبیح کنندگان.

أَنِينَ الْمُذْنِبِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ تَسْبِيحِ الْمُسْبِحِينَ<sup>۲</sup>

و در همین رابطه حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:  
 مردیست که مرتکب گناه می‌شود و خدا او را به بهشت می‌برد.  
 اصحاب که سخنی تازه شنیدند با تعجب گفتند گناه می‌کند و به بهشت هم می‌رود؟

۱- سوره انعام آیه ۱۶۰

۲- حدیث قدسی

فرمود: آری برای اینکه او همواره هنگام گناه از عمل خود خائف بوده و خود را سرزنش می کرده است بدین مناسبت خدای تعالی او را آمرزیده و وارد بهشت می نماید.<sup>۱</sup>

پس گناه سم است و ریشه ایمان را می سوزاند. توبه همان پشیمانی است که مقدمه آن علم و محصول آن عمل است و توبه باب وسیعی از رحمت الهی است که خداوند برای مؤمنین باز فرموده است توبه دواي دردهای معنوی و علاج امراض قلبی و پاک کننده آلودگی هاست و به فرموده حضرت علی (ع) هیچ شفیعی رستگار کننده تر از توبه نیست

و توبه انقلاب درونی است و انسان بداند همچون میوه درخت طبیعت است، میوه درخت دنیا است، می تواند کال و بد طعم و یا رسیده و شیرین باشد در واقع انسان اول متوجه گناه خود بشود و بعد پشیمان شده و توبه کند، مگر این چهار روز دنیا چقدر برای انسان ارزش دارد که با اشتباهات و گناهان خود را تا ابد به عذاب الهی گرفتار می کند و بر خلاف قانون خدا عمل کرده و مسیر غیر حق را طی می نماید.

و براستی پرده دری و علیه خدا قیام کردن تا کی؟

و به پیامبر اسلام (معاذ الله) اهانت کردن تا کی؟

و امام زمان (ع) را در غربت رها کردن تا کی؟



و در واقع علیه خدا قیام کردن یعنی همان پیروی نکردن از دستورات خدا و پشت پا زدن به قوانین الهی است و نیز اهانت به پیامبر اسلام، همان گوش نکردن به فرمان آن حضرت و زیر پا گذاشتن اهداف ایشان است، به عبارتی دیگر ۱۲۴ هزار پیامبر از طرف خداوند تعالی مبعوث شدند تا مقدمه بعثت خاتم النبیین (ص) را فراهم کنند و آن حضرت مأمور بودند تا انسان را تزکیه کرده و آموزش داده و او را از لوث صفات ناپسند منزّه سازد.

پس خداوند همه چیز را برای انسان و انسان را برای عبادت خلق کرد که غیر از خدای تعالی هیچ نبیند و قلبش محل ذکر رحمان و عرش پروردگار باشد، پس باید در جبهه جهاد اکبر با سلاح تقوی بر دشمن درون بتازیم و حریم دل را از لشگریان غاصب شیطان تطهیر کنیم.

و براستی خوشا به حال آنانکه، دل را خانه خدا قرار دادند و به ولایت الله، از شب تاریک و ظلمانی به میهمانی آفتاب دعوت شدند و بر پیکره گسترده نور نشستند و خود را یکباره در محضر خدای لایزال حاضر یافتند و لذت حضور در حرم دوست را چشیدند و به شکرانه این نعمت، هرگز از حرم یار پا به دیار غفلت ننهادند و حرمت حضور را نشکستند.

و حال ای معبود یکتا، تو را قسم به عزتت که سر تا پا بهجت است، چشم دل ما را به نوری که بتواند به تو نگاه کند

منور فرما، تا آنجا که حجابهای نور را بدرد و به کان عظمت تو  
برسد و جانهای ما آنچنان شود که به عزت قدس تو تعلق یابد  
انشاءالله.

و اما از غربت چه بگوئیم که دلها غرق خون است و  
براستی به که پناه ببریم؟

و آیا به جز خدای سبحان ملجائی داریم؟ همان خدایی که  
پناهگاه هر رانده شده است، بدون شک نه، و ما نیز در این رابطه  
به خدای بزرگ پناهنده می شویم و از او طلب نجات داریم، آری  
همان خدایی که امید هر مصیبت دیده است.

و نیز انشاءالله شیعیان یار و مددکار باشند و برای نجات  
دین پاک احمدی و انسانهای در بند تلاش بی امان داشته و برای  
آگاه کردن دیگران قدم خیر بردارند و سعادت و خوشبختی را  
صاحب شوند، زیرا هستند عده‌ای که اطلاعات اشتباهی را دنبال  
می کنند بطور مثال اگر گفته شود خدایا ظهور امام زمان (ع) را  
برسان و یا انشاءالله ظهور نزدیک است عده‌ای طبق برداشت  
شخصی خود می گویند وقتی دنیا را کفر و ظلم در بر گرفت او  
می آید.

و اگر براستی به گفته آنها کفر مطلق همه را بگیرد پس  
تکلیف آن یک سوّم مردم دنیا که خوشبخت و سعادت مند خواهند  
بود و در کنار مولایشان به سعادت وعده داده شده، دست  
خواهند یافت، چیست؟

در حالی که می گویند حضرت حجّت (ع) در زمان ظهور بیعت می کنند با فرشتگان، با مؤمنین و با رعب و وحشت، پس با عرض معذرت باید گفت نعوذ باللّه این مؤمنین همان کافران هستند که در زمان دیدار حضرت در عرض چند ساعت و یا چند روز مؤمن می شوند و به حضرت می پیوندند؟ یقیناً این طور نیست، بلکه انسان معتقد و منتظر امام زمان (ع) باید ایمان راسخ و اعمال صالح را در خود پدید آورد تا در سایه اعمال صالح، عبد صالح شود و دیدار مصلح محقق گردد و باید در این رابطه فکر اساسی شود تا اسلام و انسان و جامعه مان و در واقع دنیای شیعه نجات پیدا کند. و ما که می دانیم نجاتی نیست، مگر اینکه در کنار مولایمان حضرت مهدی باشیم و در سایه ایشان است که بشریت روی سعادت و خوشبختی را مشاهده خواهد کرد.

و یا اینکه بعضی ها می گویند به نظر نمی رسد آن حضرت به نزدیکی ظهور نمایند و آیا براستی این افراد علم غیب دارند و می دانند که ظهور نمی تواند نزدیک باشد، و یا اگر کسانی که می گویند ظهور نزدیک است، چه منظوری دارند؟

در حالی که ما شیعیان بجز دو حقیقت که یکی از آن دو تحقق خواهد پذیرفت، حقیقت دیگری را نباید مدّ نظر داشته باشیم زیرا یکی از آن دو این است، ظهور نزدیک باشد طبق علائم و شواهد و اگر ما در این رابطه با توجه و تعمق به شواهد موجود بنگریم تا حدّی جواب خود را درمی یابیم.

و دوّم اینکه ظهور نزدیک نباشد و آیا مابندگان خدا در مقابل دو مبحثی که مطرح شد، یک وظیفه بیشتر داریم؟ و آیا آن وظیفه بجز آمادگی، خودسازی و انتظار است.

و حال امید است که ما مسلمانان با توجه به مشکلات و گرفتاری‌های موجود در جهان برای نجات خودمان قدم خیر برداریم و بیشتر از این وقت را تلف نکنیم و به دنبال حلّ این مشکل باشیم.

و در همین رابطه امام صادق (ع) می‌فرماید:

چون گرفتاری بنی اسرائیل به طول انجامید، آن قوم چهل صبح به درگاه الهی روی آورده به گریه و زاری پرداختند خداوند هم به موسی و برادرش هارون وحی فرستاد که آنها را از شرّ فرعون نجات دهید و خداوند صد و هفتاد سال از چهار صد سال گرفتاری آنها را برداشت، سپس امام فرمودند: اگر شما هم مانند قوم بنی اسرائیل به درگاه خدا به گریه و زاری بپردازید خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد اگر چنین نباشد این سختی تا پایان مدّتش خواهد ماند.<sup>۱</sup>

و برآستی این حدیث، برای کدامین امت گفته شده، مگر نه این که ما امت آخر الزّمان هستیم و در دریای متلاطم زندگی دست و پا می‌زنیم؟

پس چگونه است برای نجات خود قدم بر نمی‌داریم و فریادی بلند نکرده و ناله و زاری سر داده نمی‌شود؟  
و آیا براستی هنگام آن نرسیده که شیعیان جای خالی صاحب و سرپرستان را احساس نمایند و برای نجات خود به جستجوی نجات دهنده پردازند؟

و آیا زمان آن نرسیده که مسلمین جهان در وضع نابسامان خود تجدید نظر کنند تا خداوند هم سامان دهنده آنان را برساند؟

براستی تا کی باید سکوت کرد و در بیچارگی و نابسامانی به سر برد و آیا وقت آن نشده که کمر همت بر بندیم و با اراده‌ای راسخ و گامهایی استوار فریاد یا علی بر آوریم و برای شکستن این سکوت غم انگیز قدم علم کنیم؟

و آیا وقت آن نشده که با اعمال صالح و با شناخت صحیح این غم هجران را به شادی وصال تبدیل کرده و خود را به ساحل نجات برسانیم؟

و آیا وقت آن نرسیده است که خروش انتظار، دریای رحمت کردگار را به تلاطم در آورد و خورشید بهار مستضعفین از افق کعبه نور افشانی نماید؟

و آیا وقت آن نرسیده است که همچون قوم بنی اسرائیل چهل صبح به درگاه خداوند سبحان ناله و زاری سر داده و متوسل به چهارده معصوم شویم و زیارت عاشورا بخوانیم با یک

لعن و یک سلام و آن را به روح مقدّس مادر امام زمان حضرت صدیقه کبری (س) نثار کنیم و آن لحظه پر از درد و غم خانم زینب، آن بانوی بزرگوار، آن حماسه آفرین دشت کربلا را بیاد آریم تا یک حال رقتی پیدا شود و در آن حال از خالق هستی تقاضای آن حکومت عدل و داد را داشته باشیم به این امید که دعاهایمان به اجابت رسد.

آری " آن لحظه حضرت زینب را بیاد آریم که با ناله‌ای جانگداز بر برادرش سیّد الشهداء ندبه کرد و با صدائی اندوهناک و قلبی آکنده از غم و هجران ندا برداشت که وا محمّدا، سلطان آسمان خداوند عالمیان بر تو درود فرستد، این کشته حسین تو است که به خون آغشته و اعضایش قطعه قطعه شده، اینها دختران تو هستند که اسیر گشته‌اند.

وا محمّدا، این حسین تو است که پیکرش روی خاک افتاده و صحرای تفتیده نینوا بر او غبار می‌پاشد.  
وا محمّدا، این حسین تو است که سرش را از قفا بریده، عمامه و ردایش را ربوده‌اند.

یا جدّا، پدرم به قربان آن کسی که لشگرش را غارت و سرا پرده و خیمه‌اش را از هم گسیختند.

پدرم فدای آن مسافری که به سفری نرفت که امید برگشتش باشد و مجروحی نبود که زخم و جراحتش درمان پذیرد.

پدرم بقربان آن کسی که جان من فدای اوست، همان کسی که پرغم و اندوه بود و از محاسنش خون می‌چکید تا از دنیا رفت.

پدرم به قربان آن کسی که جدش فرستاده معبود آسمان است. همان کسی که عطشان بود تا به شهادت رسید.

راوی می‌گوید به خدا قسم آن خواهر مصیبت دیده چنان ناله می‌کرد که دوست و دشمن گریان شدند.

آری سلام ما بر تو ای زینب کبری، سلام ما بر تو ای اسیر آزاده و ای صاحب عظیم ترین مصیبتها و سلام بر تو ای خواهر حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت.

و سلام و درود بی پایان ما بر ابا عبدالله الحسین و یاران باوفایش که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیدند و در جوارش مدفون شدند. سلام خدا الی الابد و برای همیشه از ما بر آنها باد.

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ  
الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

بار خدایا " ما شیعیان حسین بن علی و دوستدار او و خاندانش هستیم.

خدایا تو را قسم به عزت و جلالت، تو را قسم به غربت خانم زینب، ترا قسم به مظلومیت مولایمان حسین، تو را قسم به ویرانه نشین شام رقیه سه ساله دیگر دعاهایمان به اجابت برسان و

قلب شریف امام زمان را با ظهورش شاد گردان و تأخیر در ظهورش روا مدار که آن حضرت از دست زمانه شکوه دارد و در فرازی خطاب به جدّ بزرگوارش حسین بن علی (ع) عرض می‌کند: اگر زمانه مرا به تأخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاری تو جلوگیری کرد صبح و شب به یاد مصائب تو گریه می‌کنم و از بام تا شام سرشک از دیده می‌بارم و ندبه می‌نمایم و به جای اشک خون می‌گیرم.

ای جدّ بزرگوار فراموش نمی‌کنم آن هنگام را که عمر سعد ملعون به لشکرش فرمان داد که از ورود آب به خیام جلوگیری نمایند و با تو بجنگند و به تو حمله کنند و بدن نازنینت را آماج تیرها و نیزه‌ها قرار دهند و از هر سو تو را محاصره کردند و هر کدام با اسلحه‌ای پیکرت را مجروح ساختند و داغ زخم را بر بدنت نهادند.

ای جدّ بزرگوار فراموش نکنم آن هنگام را که اسب بی‌صاحبت رمیده به سوی خیمه‌های تو آمد، همه می‌کرد و بانوان حرمت اسب تو را خوار و شرمنده دیدند که زینش واژگون شده است، از خیمه‌ها بیرون آمدند در حالی که موهای خود را پریشان نموده و سیلی بر چهره خود می‌زدند و صورتهایشان آشکار شده و فریاد و فغانشان بلند بود چرا که عزت خود را از دست داده بودند، با آن حال به سوی قتلگاه شتافتند دیدند شمر بر سینه‌ات نشسته و شمشیر خود را بر گلویت گذارده و



می‌خواهد سرت را از بدنت جدا سازد.

ای جدّ بزرگوار چگونه یاد بیاورم آن هنگام که پیکر پر از زخم بر زمین قرار گرفت، گروهی سرکش بر اسب‌های خود سوار شدند و پیکرت را لگد کوب اسب‌ها قرار دادند در حالی که لحظات آخر عمر را می‌پیمودی و راه به جانان نزدیک می‌نمودی.

ای جدّ بزرگوار فراموش نمی‌کنم آن هنگام را که پس از شهادتت، افراد خانواده‌ات را مانند بردگان اسیر کردند و زنجیر آهنین به آنها بستند و آنها را بر فراز شتران تندرو و بی‌سرپوش و فاقد محمل سوار نمودند که پوست صورتشان از شدت گرمای سوزان سوخت، آنها در بیابانها و راهها سیر داده شدند، دستهایشان را به گردن‌هایشان بستند و در کوچه‌ها و میدان‌ها عبور دادند، وای بر آن مردم گنهکار بی‌شرم.

وجود مبارک حضرتش بعد از اذکار مصائب جانکاه جدّ گرامی‌اش، سلام بر آن ساحت مقدّس و حماسه‌های خونین آن می‌دهد و عرض می‌کند: سلام من بر آن کسی که با خون زخم‌هایش غسل داده شد و سلام بر کسی که با جام‌های نیزه و شمشیر شربت شهادت به کامش ریخته شد و سلام بر کسی که رگهای قلبش با تیر دشمن بریده شد و سلام بر کسی که محاسنش به خون خضاب شد و سلام بر چهره بر خاک نهاده‌ات.

سلام بر آن بدن برهنه که لباسهایش را غارت کردند و سلام بر دندانانی که با چوب خیزران کوبیده شد.

سلام بر سر بر فراز نیزه و سلام بر آن لبهای تشنه کام و خشکیده و سلام بر اعضای بریده بریده شده‌ات.

سلام بر سرهای بر فراز نیزه که شهر به شهر گردانده شده و سلام بر بانوانی که اسیر و در به در شدند.<sup>۱</sup>

و حال سلام و درود بی‌پایان و ادب و ارادت ما به آن وجود مقدس و ارباب بی‌کفن و اصحاب او باد که آن وجود عزیز معنای عشق و عاشقی و فناء فی المعشوق (خداوند) را تصویر و ترسیم نمودند و رمز بقاء و جاودانگی و چگونگی سیمای فرزندگان تاریخ و اعصار آتیه را بر نفوس بشری تشنه فضیلت تعلیم دادند.

آری سلام ما و تحیات پروردگار عالمیان بر تو ای غافله سالار میدان رستاخیز، امید است دیده‌مسلمین جهان به دیدارت منور گردد و به اذن خالق هستی لحظه‌شکوه آفرین و حماسه ساز زمان انتقام از ستمگران عالم آغاز شود. بامید دیدار آن حضرت در آن روز با شکوه و زیبا انشاءالله

و اما در مورد رجعت (روز برگشت به دنیا) در زمان آقا امام زمان (ع) برای عده‌ای مبارک و برای عده‌ای دیگر خفت و

ذلت بهمراه خواهد داشت.

وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا

روزی که از هر امتی فوجی را محشور گردانیم!

روز رجعت، روز مبارکی است که پیش از قیامت، در زمان حضرت قائم (ع) برای عده‌ای از خوبان که به دنیا بر می‌گردند تا دیده‌هایشان به دیدار دولت حقّه و آقا امام زمان (ع) روشن شود و به جزای نیکی‌هایشان نائل شده، تا از ایشان تجلیل به عمل آید، ضمن آن که درباره رجعت و بازگشت ائمه هدی (ع) و شهدای اسلام و طرز خون‌خواهی و شکایت آنان اشاره شده است.

از جمله نخستین کسی که دوباره زنده می‌شود و قائم آل محمد (ع) را یاری می‌دهد حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و یاران باوفای ایشان خواهند بود و ما نیز از خالق هستی یاری می‌طلبیم که عمر ما باقی باشد تا چشم ما به دیدار آن سرور منور گردد.

آری "ای مولا و سالار شهیدان امید داریم که عمرمان کفاف دهد در آن روزی که به همراه مولایمان آقا امام زمان و با اباذر و مقداد و سلمان به محضر بیائیم و از شما راه تکامل را فراگیریم و عظمت انسانی را تمرین کنیم و با یاری جستن از شما

به خدا پیوندیم مگر نه اینکه آن فجر صادق نزدیک است؟  
 أَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ گویا صبح نزدیک است. انشاءالله  
 و حال بارالها بر مجریان عهد او و امامان قبل از او (که پس از  
 ظهور زنده می شوند و رجعت می نمایند) درود فرست و آنان را  
 به آرزویشان برسان و پیرویشان را با عزّت و غلبه همراه ساز، به  
 امید پیروزی آن عزیزان انشاءالله.

و در همین رابطه بشارتی از ابا عبد الله الحُسین (ع) نقل  
 شده که فرموده‌اند:

به خدا قسم این قوم ما را به قتل رسانند، ما به نزد  
 پیامبرمان بر میگردیم آنگاه من تا مدت زمانی که خداوند مقرر  
 گرداند، می‌مانم و نخستین کسی خواهم بود که قبرش شکافته  
 گردد و به موازات بر انگیخته شدن پدرم امیرالمؤمنین (ع) از قبر و  
 قیام قائم آل محمد، من نیز از قبرم بیرون می‌آیم، آنگاه جماعتی  
 از فرشتگان آسمان به امر الهی فرود می‌آیند.

از جمله جبرئیل و میکائیل و اسرافیل با لشگری از  
 فرشتگان به سوی من نازل می‌شوند سپس حضرت محمد  
 مصطفی (ص) جدّم و حضرت علی بن ابیطالب (ع) پدرم و برادرم  
 امام حسن (ع) و تمام آنهایی که خداوند بواسطه ایمان کامل، بر  
 آنان منت نهاده بر مرکبهای اَبَلَق که همه نورند و تا آن روز  
 آفریده‌ای بر آنها سوار نگشته، فرود می‌آئیم، سپس حضرت  
 رسالت پناه (ص) پرچم خود را به اهتزاز در آورده و آن را با

شمشیر خود به قائم ما می‌دهد و بدین گونه بعد از آن تا زمانی که خداوند تقدیر فرموده در جهان خواهیم زیست و من هر جنبنده حرام گوشت را کشته و نابود می‌گردانم بطوری که جز حیوانات حلال گوشت در روی زمین باقی نماند و من نیز یهود و نصاری و سایر ملل را به دین اسلام دعوت می‌کنم و آنها را در برگزیدن اسلام و شمشیر مخیر می‌گردانم، تا به جز حق چیزی باقی نماند.<sup>۱</sup>

و ما منتظران به امید آن روزی هستیم که آئینی، همچون اسلام پاک محمدی حافظ سعادت و ضامن موفقیت بشر در سرتاسر جهان باشد. انشاء الله

ابن قولویه در کتاب "کامل الزیارة" به سند خود از حضرت صادق (ع) روایت می‌کند که فرموده است: چون به نزدیک قبر ابا عبدالله الحسین (ع) و یا هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام رسیدی این زیارت را بخوان تا این جمله:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَابْنِ مَقَامِهِ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ فَإِنَّكَ وَعْدَتُهُ وَأَنْتَ الرَّبُّ الَّذِي لَا يُخْلَفُ الْمِعَادَ

یعنی: خدایا این را آخرین زیارت من از قبر فرزند دختر پیغمبرت قرار مده و (امام حسین) را با مقامی پسندیده زنده

گردان تا بوسیله او دینت را یاری کنی و دشمنت را بکشی، زیرا تو خود این را به او وعده داده‌ای و می‌دانم که تو خدائی هستی که وعده‌ات خلاف نمی‌پذیرد.

همچنین این زیارت را می‌توان در جنب قبور سایر ائمه (ع) هم خواند. و امید ما شیعیان به آن روز مبارک است که عزیزان و آن بزرگواران را زیارت کنیم و براستی ای امام زمان وصالت کی شود، ما را می‌ستر

که تا گردد دل و دیده، منور  
خوش آن روزی که برخیزد، ز کعبه

طنین نغمه، الله و اکبر

آری " در انتظار طنین نغمه الله و اکبر هستیم، در انتظار آن روز و شب مبارکی که در سایه آن دیدارها حاصل شود و درد و رنج و اندوه و ... به پایان رسد.

کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق (ع) روایت می‌کند در ضمن حدیث طولانی راجع به جان دادن مؤمن که فرمود:

سپس مؤمن در بهشت برین، خاندان پیغمبر را ملاقات می‌کند و با آنها غذا می‌خورد و با آنان گفتگو می‌نماید تا آنگاه که قائم ما اهل بیت قیام کرده، و سپس خداوند آنها را زنده می‌کند و دسته دسته لبیک گویان بجانب وی می‌شتابند در آن وقت اهل باطل دچار تردید می‌شوند و افرادی که حرام را حلال

کرده از میان می‌روند و آنهایی که در ظهورش شتاب کرده به هلاکت می‌رسند و آنان که تسلیم امر خدا بوده‌اند، نجات می‌یابند.

و پیغمبر اکرم (ص) به علی بن ابیطالب (ع) فرمود: تو برادر منی و وعده گاه من و تو "وادی السلام" است. و ما مسلمانان نیز به این امید زنده‌ایم تا در زمان موعود در وعده گاه حاضر شویم و بیعت کرده و برای نگهبانی از اهداف عالیہ قدم خیر برداریم.

بامید آنروز عزیز انشاء الله

و از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده که فرمودند: چون وقت قیام قائم آل محمد (ع) بشود در جمادی الاخر و ده روز از ماه رجب بارانی ببارد که خلیق مثل آنرا ندیده باشند پس برویاند خدا به آن باران گوشتهای مؤمنان و بدنهای ایشان در قبرهایشان و چون قائم ما خروج کند نزد قبر هر مؤمنی ملکی بیاید و او را ندا کند، که ای فلانی، صاحب و امام تو ظاهر شده است اگر می‌خواهی باو ملحق شو و در غیر این صورت در نعمت و کرامت خداوند بمان.

و در احادیث بسیار وارد شده است که رجوع نمی‌کند در رجعت مگر کسی که محض ایمان داشته باشد یا محض کفر و مؤمنین گروه گروه از قبرها بیرون آیند در حالی که کفن بر تن همه صدا به تلبیه بلند کرده باشند و فوج فوج گویند.

لَتَبْكُ لَتَبْكُ يَا دَاعِيَ اللَّهِ

یعنی اجابت کردیم و به خدمت تو ایستاده‌ایم ای خواننده مردم از جانب خدا و آنها پس از بیعت به امر ولی خدا شمشیرها بر دوش گذاشته و زنند بر سر کافران و جباران و ظالمان اولین و آخرین.

و نیز خداوند در آن روز موعود گروهی از ظالمان را برای این که پیش از روز قیامت، از آنان انتقام کشیده شود زنده می‌سازد و جهت پس دادن انتقام هزار بار زنده شده و هزار بار او را بکشند و زنده کنند و به هر کجا که خدا بخواهد آنها را ببرند و معذب گردانند.

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

و روزی که ستمگر دستهای خود را به ندامت می‌گزد و می‌گوید: ای کاش همراه پیامبر راهی را برمی‌گزیدم.<sup>۱</sup>  
آری این همان ندامت و غم و اندوه و پریشانی است برای کسی که دیگر وقتی برای جبران ندارد زیرا طعم تلخ بی‌اعتنائی و شوخی پنداشتن حقایق که بر اثر جهل و غرور و تعصب و ندانم کاری‌ها بوده آشکار می‌شود و آنگاه نادم به خود آید و فریاد و احسرتا بر آرد و گوید وای بر من، کاش ...



ان تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ

آنگاه هر نفسی به خود آید و فریاد و احسرتا بر آرد و گوید وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و در حق خود ظلم و تفریط کردم و به مسخره کنندگان به وعده‌های خدا پیوستم.<sup>۱</sup>

و در این رابطه در روایات متعددی از ائمه اهل بیت (ع) می‌خوانیم که جَنبِ اللَّهِ به امامان تفسیر شده است.

از جمله در روایتی در اصول کافی از امام موسی بن جعفر (ع) در تفسیر "یا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ" چنین آمده است:

جَنبِ اللَّهِ أمير المؤمنين و كذلك من كان بعده من الأوصياء بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى آخِرِهِمْ  
جنب الله أمير مؤمنان (ع) و همچنین اوصیای بعد از او هستند که مقام والاثنی دارند تا به آخرین نفر آنها برسد که حضرت مهدی ارواحنا فداه می‌باشد.

و حال ای خدای محمد و آل محمد تحیت فرست بر محمد و آل محمد و سلام و درود بی پایان ما را بر آن عزیزان پذیر. و براستی برای ما شیعیان چه بهتر از آن که به حق پی

برده و معرفت به مقام والای پیشوایان خود داشته باشیم و محبت خود را با پیروی از دستورات آن عزیزان ابراز کرده، زیرا محبت به آن حضرت هم چون نوری است که سراسر وجودمان را خواهد گرفت و ما را از بدیها و ناپاکی ها رهانیده و به مکارم اخلاقی می‌رساند و با این شناخت و محبت طعم شیرین ایمان را خواهیم چشید.

زیرا معرفت، پایه اصلی محبت و محبت عامل بزرگ اجتناب از گناهان و راه اساسی برای تهذیب نفس است پس اعمال بندگان پذیرفته نمی‌شود، مگر با معرفت که آن شناختن مسیر امامت و قرار گرفتن در آن خط و تلاش کردن بر موازین آن راه است. به همین جهت، در روایاتی که از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین رسیده، روی مسئله شناخت، فوق العاده تکیه شده و معرفت خدا و رسول و ائمه طاهرین علیهم السلام اساس دین و راز رستگاری ابدی و میزان پذیرش اعمال معرفی گردیده است.

و در همین رابطه امام محمد باقر (ع) می‌فرماید:

هر کس در بندگی و اطاعت خدا، خود را به زحمت اندازد ولی امام و پیشوائی از سوی خدا نداشته باشد، تلاشش بیهوده و خودش گمراه و سرگردان و خداوند از عبادت او بیزار و اگر در این حالت بمیرد، کافر و منافق از دنیا رفته است.  
اگر چه باید بدانیم خدای سبحان حجت را بر عالمیان تمام

کرده است و اگر همه مردمان به تکذیب حق و حقیقت و انکار آقا امام زمان (ع) برخیزند، غبار شک و تردید بر وجود آن مهر تابان نخواهد نشست.

و اگر امروز عده‌ای به مال و مقام و جوانی و زیبایی و تحصیلات و موقعیت خود در شئون مختلف دلخوش باشند و از واقعیت‌های موجود در جهان بی اطلاع و معنویات را به هیچ گیرند و معیارها را نادیده انگارند و از حق و پند و کتاب آسمانی قرآن مجید بهره نگیرند چطور می‌توانند در مقابل آن حادثه مسلمی که در حدوثش تردیدی نیست طلب یاری و مساعدت داشته باشند.

و آیا با توجه به این همه شواهد که در دنیای ظلمت گرفته ما مشاهده می‌شود، در واقع این گروه بی‌گدار به آب نزده‌اند و پشیمان نخواهند شد؟

و آیا پشیمانی را سودی هست؟

مخصوصاً در این بُرهه از زمان که نشانه‌هایی از نزدیک شدن ظهور آخرین منجی عالم بشریت ولی عصر امام زمان (ع) یکی پس از دیگری به سرعت تحقق می‌یابند.

در حالی که می‌بینیم پیامبر گرامی (ص) و امامان معصوم (ع) در هزار و اندی سال پیش اهل این زمان را دقیقاً توصیف نموده‌اند و حتی از شکل گیسوان زنان و موهای هیپی‌ها و سیمای انسانها از خرد و کلان، پیر و جوان، مردان و زنان، و

میزان غرور و نخوت و طغیان و عصیان مردمان خبر داده‌اند که این سخنها در گذشته معنی و مفهومی نداشته است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

خداوند دلشاد و خوشحال کند کسی را که گفتار مرا با گوش جان بشنود و درک نماید و آن را حفظ کرده به نسلهای بعدی برساند که چه بسا حامل فقهی هست که خود فقیه نیست و چه بسا حامل فقهی است به کسانی که از او فقیه‌تر می‌باشند.<sup>۱</sup>  
و حضرت مهدی (ع) در همین رابطه می‌فرمایند:

و اما پیشیمانی گروهی از مردمان که مقام والای ما را تحمل نکرده، در دین خدا به شک و تردید می‌افتند، پس هر که با ما "اقاله" کند ما اقاله او را می‌پذیریم و ما را نیازی به دلجوئی از صاحبان شک و تردید نیست.<sup>۲</sup>

اقاله فسخ بیعت را گویند، (بر هم زدن معامله)

و برآستی چه ضرر عظیمی، آخر فسخ با که؟

بر هم زدن معامله با چه کسی؟

آیا فسخ بیعت و جدائی از همان کسی که خداوند به وجود مقدسش افتخار می‌کند.

همان امامی که به یمن وجود شریفش، عالم آفرینش

۱- اصول کافی جلد ۱ ص ۴۰۳

۲- اعلام الوری ص ۴۲۴

روزی می‌خورند و او که قبله گاه اهل بینش و تقوی است.  
 او که تنها ذخیرهٔ خداست برای به کمال رساندن انسان،  
 همان انسانی که در بیچارگی و ظلمت دست و پا می‌زند.  
 و در واقع اوست که به سوی بندگان بی‌نوا فرستاده  
 می‌شود تا به آنها حیات دوباره ببخشد، همراه با خوشبختی و  
 عزت، امنیت و آزادی و رفاه و سلامت جسم و روح و هر آنچه  
 که انسان امروز در پی آن است و به عنوان یک زندگی ایده‌آل  
 برایش آرزو شده است.

و براستی ما بندگان چرا طلب نکرده و با یک دنیا التماس  
 و زاری از خدای مهربان تقاضای رسیدن به آن نشانه و آیت  
 الهی را نداشته باشیم، در حالی که ما بندگان در بند، خدا را  
 شاهد می‌گیریم بر فقر و دلتنگی‌مان، در حالی که برای آن روز با  
 شکوه لحظه شماری می‌کنیم.

و حال امیدواریم که خداوند مهربان اذن ظهورش دهد تا  
 تنها مولا و سرورمان، قلعه‌های ضلالت را به تسخیر خود در  
 آورده و دل‌های نفوذ ناپذیر را تحت سلطهٔ خود قرار دهد و برای  
 احیای شریعت در آخرالزمان قیام کند، همان طور که جدّ  
 مطهرش حضرت محمد مصطفی (ص) در اوّل زمان قیام کرد.

آری او قیام می‌کند که به مظلوم زندگی و خوشبختی و  
 آزادی بخشد و به ستمگر و ظالم مرگ و نیستی.

به امید آن روز که حق بر باطل پیروز شود انشاءالله

علامه محدث مرحوم " سید هاشم حسینی بحرانی " قدس سره از اُمّ سَلَمَه نقل می کند که گفت:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

چون شب معراج خداوند مرا به آسمان برد نگریستم که بر عرش نوشته شده بود:

معبود به حقی جز خدای یکتا نیست، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رسول و فرستاده خدا است او را به علی (عليه السلام) تأیید و یاری نمودم.

و دیدم انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحُسَین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی (صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) و دیدم نور حجت (عليه السلام) را که همچون ستاره‌ای فروزان بین آنها می درخشید.

عرض کردم پروردگارا این نور کیست و این انوار، چه کسانی هستند؟

هاتفی ندا سرداد:

ای محمد " این نور علی و فاطمه و این نور دو فرزندان حسن و حسین و این نور امامان از فرزندان حسین است که پاک و معصوم هستند، و این نور حجت است که زمین را سرشار از

قسط و عدالت سازد، چنان که مملو از جور و ستم شده باشد.<sup>۱</sup>  
و براستی چه جور و ستم و خیانتی بالاتر از آن که  
عده‌ایی از شنیدن نام خدای سبحان در مساجد کراهت داشته  
باشند و سعی در خفه کردن صدای مردم مظلومی داشته و دارند  
که طوق بندگی را به گردن و رستگاری را طالب هستند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى  
فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا  
خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و کیست ستمکارتر از آن که مردم را در مساجد از ذکر نام خدا  
باز دارد و در خرابی آن بکوشد. چنین گروه در مساجد مسلمانان  
در نیابند، جز آن که بر خود (از اعمال زشت خویش) ترسان  
باشند، این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در  
آخرت عذابی بسیار سخت.<sup>۲</sup>

و در همین رابطه از امام صادق (ع) تعبیرات شیوا و  
عباراتی که گوش جان را نوازش می‌دهد صادر شده است که  
فرموده‌اند:

چه کسی ستمگرتر از کسی است که نگذارد در مساجد  
نام خداوند یاد شود و برای ویرانی آن تلاش کند؟

۱ - کتاب مدینه المعاجز ص ۱۵۳

۲ - سوره بقره آیه ۱۱۴

فرمود: آنها رومی‌ها (یهودیان) هستند که بُخت النصر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند.

برای آنها روانیست که وارد مساجد الهی شوند جز با ترس و لرز، آن روز هیچ رومی (یهودی) وارد بیت المقدس نمی‌شود جز این که ترس دارد که گردش از پیکرش جدا شود و یا جزیه از او گرفته شود و برای آنها در دنیا، خواری و زبونی و در آخرت، عذابی عظیم است و خواری آنها در دنیا کشته شدن آنهاست به دست حضرت بقیة الله الأعظم (ع) در قیام شکوهند آن حضرت به هنگام فتح قسطنطنیه (استانبول).<sup>۱</sup>

و حال امیدواریم در عصر سرگردانی و آشوب و ستم، ما منتظران آن روز مسعود و دولت مبارک را درک کرده و توفیق خدمت در حکومت عدل الهی نصیبمان گردد.

و در حدیثی از رسول خدا نقل شده است که فرموده‌اند: بعد از من چهار فتنه بر شما فرود آید که در اولی خونها مباح می‌شود و در دومی خونها و ثروتها مباح می‌گردد. در سومی خونها و ثروتها و ناموسها مباح می‌شود و در چهارمی آشوبی کور و کر جهان را مضطرب می‌سازد، آنچنان که کشتی غول پیکر، آبهای مجاور را مضطرب کند، این فتنه شام را زیر پر می‌گیرد و عراق را می‌پوشاند و در جزیره العرب دست و پا



می‌زند، مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را لمس می‌کنند آن چنان که پوست به هنگام دباغی شدن، فشار وارده را لمس می‌کند، کسی قدرت یک کلمه سخن گفتن نخواهد داشت. این فتنه در نقطه‌ای آرام نمی‌یابد، جز پس از آن که در نقطه‌ای دیگر بیداد کند.<sup>۱</sup>

و هیچ تردیدی نیست که ما در آستانه فتنه چهارم باشیم، زیرا تباه شدن خون و مال و ناموس را پشت سر گذاشته در سرایشی فتنه، کور و کر هستیم که با جنگ امریکا و عراق، همه عراق را پوشانیده و نیز در حال حاضر شامات و جزیره العرب در پریشانی و آشفتگی به سر می‌برند و بسیاری از کشورها نیز امنیت خود را از دست داده و هرج و مرج را تجربه می‌کنند و چه بسا با خروج سفیانی فتنه و بلا کشورهای عربی را زیر پای خود له کرده و با ظهور آن لعنتی، آن دیار نیز با خون جوانانش گلگون شود.

لَا يَكُونُ مَا تُحِبُّونَ حَتَّىٰ يَخْتَلِفَ بَنُو فُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأَذَا  
اِخْتَلَفُوا طَمَعَ النَّاسُ وَ تَفَرَّقَتِ الْكَلِمَةُ وَ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ

آنچه دوست می‌دارید واقع نمی‌شود، جز هنگامی که بنی فلان (بنی عباس) دچار اختلاف شوند. چون دچار اختلاف شدند مردم بر حکومت چشم می‌دوزند و اختلاف آنها را غنیمت

می‌شمارند آنگاه سفیانی خارج می‌شود.<sup>۱</sup>

تَوَقَّعُوا الصَّوْتُ يَأْتِيَكُمْ بَغْتَةً مِنْ دِمَشْقٍ فِيهِ لَكُمْ خُرْجٌ عَظِيمٌ  
يُجِئُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاصِيَةِ دِمَشْقٍ بِالْفَتْحِ

منتظر بانگ سفیانی باشید که به طور ناگهانی از دمشق شنیده می‌شود. در این بانگ، فرج عظیمی برای شما هست، زیرا که این بانگ نوید بخش، پیروزی بزرگ شماست.<sup>۲</sup>

و امیر مؤمنان در این رابطه می‌فرماید:

يَقَعُ خُرُوجُهُ بَعْدَ تَدَابُرٍ وَ اخْتِلَافٍ بَيْنَ أَمْرَاءِ الْعَرَبِ وَ  
الْعَجَمِ لَا يَنْتَهِي إِلَى أَنْ يَصِيرَ الْأَمْرُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ

خروج آن حضرت به دنبال درگیری شدید در میان عرب و عجم خواهد بود که این اختلافها پایان نمی‌یابد، جز این که مردی از اولاد ابی سفیان قدرت را در دست بگیرد.<sup>۳</sup>

(عجم: غیر عرب، اعم از ایرانی و ترک و اروپائی و غیره و کشور ایران را هم می‌گویند)

آری " این مژده و بشارت زمانی تحقق پیدا می‌کند که مرکز، مورد هجوم واقع شود.

لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مُدَّةٍ حَتَّى يُفْرَعُ الرَّأْسَ فَإِذَا قُرِعَ الرَّأْسُ

۱ - بشارة الاسلام ص ۱۳۸

۲ - غیبت نعمانی ص ۱۴۹ - بشارة الاسلام ص ۱۰۱

۳ - بشارة الاسلام ص ۶۶

## هَلَكَ النَّاسُ

مردم در وسعت و مهلت هستند تا روزی که مرکز مورد  
تهاجم قرار نگرفته است، چون مرکز زده شد، نابود می‌شوند.  
منظور از مرکز "دمشق" است که توسط رژیم اشغالگر قدس و یا  
هر نیروی ستمگر دیگری مورد تهاجم قرار می‌گیرد و شعله‌های  
آن، منطقه را به خاک و خون می‌کشد.<sup>۱</sup>

و با توجه به اختلافاتی که در شامات (فلسطین و لبنان)  
جریان دارد، چه بسا نویدی باشد برای نزدیک شدن ظهور و  
فرج. و باید گفت بعد از این حادثه، بدا به حال کوفه، از دست  
سفیانی که چه جنایاتی انجام می‌دهد. به حریمشان تجاوز می‌کند  
و کودکانشان را سر می‌برد و ناموسهای آنها را هتک می‌کند و  
مردان برجسته آن دیار را می‌کشد که مردم از صدای آنها  
می‌ترسیدند و از صولت آنها در وحشت بودند. آنگاه متوجه  
بغداد شده و چقدر کشت و کشتار و وحشت و اضطراب فراوان  
می‌شود و همه مردم عراق را ترس فرا گیرد، تا هنگامی که  
شمشیر در میان آنها حکم فرما شود.<sup>۲</sup>

و نیز رسول اکرم (ص) از ابعاد مختلف خروج سفیانی  
پرده بر می‌دارد و می‌فرماید:

۱- الْمَلَاجِمُ وَ الْفِتْنُ ص ۳۷

۲- الزَّامُ النَّاصِبِ ص ۱۹۶

مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند و همه پیروانش از نژاد کلب<sup>۱</sup> هستند به قدری خون می‌ریزد که نوبت به شکافتن شکم زنان و سر بریدن کودکان می‌رسد، تیره قیس (مصری‌ها و مراکشی‌ها) در برابرش قیام می‌کنند و همه آنها را طعمه شمشیر می‌سازد و کسی نمی‌تواند از خودش دفاع کند. آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می‌کند، این خبر به سفیانی می‌رسد، سفیانی سپاهی برای رو در روئی با او می‌فرستد، چون سپاهیان به سر زمین پیدا (بین مکه و مدینه) می‌رسند، زمین آنها را در کام خود فرو می‌برد که جز گزارشگری از آنها زنده نمی‌ماند.<sup>۲</sup>

و طبق روایات فقط دو نفر گزارشگر از سپاه سفیانی به نام بشیر و نذیر باقی می‌مانند، در حالی که مسخ شده (صورت به پشت سرشان برگشته) که یکی (نذیر) به شام می‌رود و گزارش سپاه را به سفیانی می‌دهد و دیگری (بشیر) به مکه می‌رود و بشارت هلاکت آنها را به ولی عصر (ع) می‌دهد و او توبه می‌کند و حضرت توبه‌اش را می‌پذیرد. و با دست مبارک حضرت مهدی (ع) که به صورت او کشیده می‌شود به حالت عادی

۱ - قبیله کلب که در این بخش از آن گفتگو شده ظاهراً مردمی از ساکنان اردن می‌باشند

که در عهد اموی در اردن سکونت داشتند

۲ - الزامُ النَّاصِبِ ص ۱۷۹

برگشته و بشیر با حضرت بیعت کرده و به سپاه حق می‌پیوندد.

### و اینک سرنوشت آخرین سپاه سفیانی

سفیانی با یک صد و هفتاد هزار جنگجو حرکت کرده و در کنار دریاچه طبریه فرود می‌آید و حضرت بَقِيَّةُ اللَّهِ (ع) به سوی او حرکت می‌کند و در کنار دریاچه طبریه بر او می‌تازد و در کمتر از یک ساعت همه سپاهیانش هلاک می‌شوند و فقط شخص سفیانی باقی می‌ماند. آنگاه حضرت مهدی (ع) او را دستگیر می‌کند و در کنار دریاچه زیر درختی که شاخه‌هایش به روی دریاچه بال گشوده سر او را می‌زند و سپس شام را تحت تصرف خود در می‌آورد.<sup>۱</sup>

و امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید:

ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که همواره با یکدیگر در ستیز بودیم، ما می‌گفتیم: خدا راست گفته است و آنها می‌گفتند دروغ گفته است. ابوسفیان با رسول اکرم (ص) جنگید، معاویه با حضرت علی (ع) جنگید، یزید با امام حسین (ع) جنگید و سفیانی نیز با حضرت قائم (ع) می‌جنگد.<sup>۲</sup>

و رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) تأکید فرموده‌اند که هرگز ظهور حضرت بَقِيَّةُ اللَّهِ (ع) بدون خروج سفیانی

۱- الزامُ النَّاصِبِ ص ۲۰۱

۲- معانی الاخبار ص ۳۴۶

نخواهد بود و او با خروجش حمام خون راه می‌اندازد و صحرای وسیع بین حیره و کوفه را گلگون می‌سازد و به دنبال آن مصلح غیبی ظهور می‌کند. انشاءالله

و نیز مروی است:

مَلَا حِمُّ النَّاسِ حَمْسٌ: قَدْ مَضَتْ اِثْنَتَانِ وَ ثَلَاثٌ فِي هَذِهِ الْاُمَّةِ  
مُلْحَمَةٌ اَلَّتْرُكِ وَ مَلْحَمَةٌ الرُّومِ وَ مَلْحَمَةٌ الدَّجَالِ

فجایع بزرگ جهان پنج تاست " که دو تای آن واقع شده و سه تای آن در این امت واقع می‌شود: فاجعه ترک، فاجعه روم و فاجعه دجال.

فاجعه ترک در قرقیسیا انجام می‌پذیرد و ریشه کنی روم (اسرائیل) و سفیانی به دست حضرت صاحب الامر روحی فداه انجام خواهد پذیرفت.

طبق اخبار گفته شده، دجال هنگامی خروج می‌کند که " حضرت حجّت روحی فداه " بر سفیانی پیروز شده وارد عراق گشته و استانبول را فتح کرده، عازم فلسطین باشد و برای نابود ساختن آن جرثومه فساد از قلب خاور میانه به سوی (عکا) عزیمت نماید تا از این طریق مصر و دیگر کشورهای آفریقائی را فتح فرماید.

پر واضح است که سپاهیان حضرت ولی عصر (ع) در مکه گرد آمده و به سوی بیت المقدس روی می‌آورند.

طبق احادیث یک سپاه ده هزار نفری متشکل از

سعادت‌مندی که در اولین روزهای ظهور توفیق بیعت با آن مصلح بزرگ جهان را پیدا کرده و به سوی بیت المقدس حرکت می‌کنند و بعد از پاکسازی سرزمین مقدس فلسطین از تفاله‌های رژیم اشغالگر به سوی قسطنطنیه (استانبول) حرکت کرده آنجا را نیز فتح می‌کنند.<sup>۱</sup> انشاءالله

و اما در مورد دجال " که یکی از نشانه‌های قرب ظهور حضرت حجّت (ع) می‌باشد.

و در مورد دجال لعنتی روایاتی نقل شده که غالباً مورد اعتماد نیستند و تشخیص اخبار در مورد آن ملعون دشوار می‌باشد. ولی اخباری که در مورد او وجود دارد این است که گفته‌اند دجال صائد بن صید که نام پدرش صیاد و نام مادرش کاهنه، که هر دو یهودی‌اند.

دجال آبله رو، ارزق چشم، ریش دو شاخ طویل و دهان متعفن دارد و شقیّ کسی است که ادعای او را تصدیق کند و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب نماید.

دجال از شهری که آن را اصفهان می‌گویند و قریه‌ای که معروف به یهودیه است بیرون می‌آید، چشم راست ندارد و چشم دیگر در پیشانی اوست و در میان دو چشم او با خط خوانائی نوشته شده " آیسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ " یعنی از رحمت الهی مأیوس

است و در خبری دیگر است که نوشته شده " هذا كافر حقًا " و او که ساحر توانائی است و گاهی خود را در هوا نشان می‌دهد، خیال می‌کند او با آفتاب سیر می‌کند (او تمام زمین را سیر خواهد کرد به همه جا می‌رسد مگر مکه و مدینه) و گاهی به نیروی سحر بر روی دریا حرکت می‌کند، در حالی که در جلو روی او کوه سیاهی و پشت سرش کوه سفیدی است که به نظر مردم می‌رسد کوه آب و نان است، در حالی که سرابی بیش نیست و در زمان قحطی خروج می‌کند.

در زمان خروج اول ادعای نبوت و بعد همچون فرعون ادعای الوهیت می‌کند. و او بر مرکبی بسیار زشت و کریه المنظر سوار و زمین در زیر پاهایش در نور دیده می‌شود، بر آبی عبور نمی‌کند جز اینکه برای همیشه در زمین فرو می‌رود و خشک می‌شود و با صدای بلند بانگ می‌زند که از مشرق و مغرب، جن و انس و شیاطین صدای او را می‌شنوند.

می‌گوید: ای دوستان من بیائید به سوی من، منم آن کسی که بشر را آفریدم و روزی هر کسی را تقدیر نموده، و من ربّ اعلاّی شما هستم.

و با سحر به چشم مردمان، بهشت و دوزخ را همراه خود به نمایش می‌گذارد و می‌گوید ای مردم بدانید این بهشت من است برای کسی که مرا سجده کند و این دوزخ من است برای کسی که نافرمانی کند در آن صورت او را به دوزخ فرو



می‌برم.

و او در نظر مردمان کم عقل و دیوانگان چنان جلوه می‌کند و به عظمت و شکوه در نظر آنها خواهد بود که موجب حیرت و تعجب آنها می‌شود.

و کسی که پدر یا برادرش مرده باشد، خطاب به او می‌گوید آیا اگر پدر و یا برادرت را زنده کنم باور می‌کنی که من پروردگار تو هستم؟

می‌گوید: آری، پس شیاطین را به صورت پدر و یا برادر او در می‌آورد.

پس در آن روز از او پیروی نمی‌کنند مگر یهودان، زنازادگان، زنان و بادیه نشینان و کافران.

دجال که دشمن خدا است دروغگو و همچون شیطان پلید می‌باشد، پس باید او را تکذیب کرد و در زمان دیدار آن لعنتی باید آب دهان به سوی او انداخت و سوره شریفه حمد را به جهت سحر آن موجود خبیث خواند و از فتنه آن ملعون به خدا پناه برد، زیرا او در پوشاندن حق و جلوه دادن باطل فعال و با طرفداران حق مبارزه می‌کند و خداوند آن شریر را در روز جمعه به دست مبارک حضرت عیسی بن مریم (ع) می‌کشد و دنیا را از لوٹ وجود آن ملعون پاک می‌سازد.

و چه بسا دجال با آن صفاتی که گفته شد اشاره به فریبکاران و رهبران مادی ستمگر در دنیای ماشینی باشد، زیرا

آنها یک چشم دارند و آن هم چشم اقتصاد و زندگی مادی است و چشم معنوی و انسانی آنها کور است. اما همین یک چشم مادی آنها بسیار خیره کننده و پر فروغ است. زیرا در صنایع به پیروزیهای درخشانی نائل شده‌اند و از اقطار زمین نیز گذشته‌اند. ثانیاً مرکبهایی که در اختیار دارند بسیار تندرو و سریع‌الستیر است به کره ماه رفته و فضا را تسخیر می‌کنند و با زیردریائی‌هایشان دل دریا را می‌شکافند و با کارخانه‌های عظیم با کوهی از دود مواجه و به دنبال سرش کوهی از فرآورده‌های صنعتی و مواد غذایی به جا می‌گذارند در حالی که ارزش غذایی چندانی ندارند و بالأخره خشکسالی، استعمار، تبعیضات و سرمایه‌گذاری‌های کمر شکن در مورد تسلیحات و هزینه طاق‌فرسای جنگها و ویرانی‌های حاصل از آن که همگی معلول زندگی یک بُعدی است تا آنجا که گرفتار کمبود مواد غذایی می‌شوند و عده‌ای از گرسنگی می‌میرند و در پاره‌ای از روایات نیز نقل شده که هر موئی از مرکب عجیب دجال ساز مخصوص و نوای تازه‌ای سر می‌دهد که انطباق آن بر این همه وسایل سرگرم کننده و ناسالم دنیای ماشینی یک بُعدی که در تمام خانه‌ها و شهرها، بیابان و ... نفوذ کرده کاملاً قابل تصور است.

و اصولاً کسی که از حق روی گردان و باطل را خواهان باشد دجال زمان است و همان طور کسی که کار شیطانی و

باطل را انجام دهد او را مثال به شیطان می‌زنند.

صمصعة بن صوحان از امیر مومنان (ع) سؤال کردند در مورد دجال، چه وقت ظهور خواهد کرد؟

**حضرت فرمودند:** وقتی که مردم نماز را ترک کنند و در امانت خیانت نمایند و دروغ را جایز شمرند و ربا خورند و رشوه گیرند و ساختمانها را محکم سازند و دین را به دنیا فروشند، قطع رحم نمایند و از هوای نفس پیروی کنند خونریزی را سبک شمرند عدل و داد ضعیف و شهادت دروغ ظاهر و فجور و بهتان و گناه و طغیان آشکار گردد.

قلبها با یکدیگر مختلف باشد و دروغگو تصدیق و خائن امین و شاهد بدون آنکه از او تقاضای شهادت شود، شهادتی دهد و یا بدون یقین بخاطر رفیق شهادت دروغ دهد و عمل دنیا را به آخرت بفروشد و از فاجر به جهت ترس از شرش تقیه کنند و صدای حق را نشنوند و مستی غفلت آنها را گرفته، در ظاهر برادر و در باطن دشمن باشند و وقتی فقر و نیازمندی زیاد شد و وقتی مردم یکدیگر را انکار کردند و وقتی قرآنها زینت شده و مناره‌ها بلند گردد و صف‌ها بهم پیوسته و خواهش‌ها مختلف و پیمانها نقض گردد. زنها بر زینها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند و زنان به واسطه میل شایانی که به امور دنیا دارند، در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند، و حلم و بردباری در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و

ظلم و ستم باعث فخر گردد.<sup>۱</sup>

و حال لعنت خدا بر دجال و دجال صفتان و خدا ما را از فتنه او و امثال او بر حذر دارد. انشاءالله

و ما بندگان که می‌دانیم خدای تبارک و تعالی از هر عیب و نقص مبرا است و او که لطیف و خبیر است و از آنچه بی‌خردان می‌گویند پاک و منزّه می‌باشد، امید داریم ما شیعیان را یاری دهد تا از این گذرگاههای تاریک عبور کرده و با مساعدت و یاری آقا امام زمان و یاران با وفای ایشان به سر منزل مقصود راه یابیم و انشاءالله خداوند ما را از فتنه‌های آن زمان مصون و توفیق درک آن دوران را به ما عنایت فرماید. انشاءالله

و نیز باید منتظر دیگر نشانه‌ها بود از جمله:

تَوَقَّعُوا آيَاتِ مُتَوَالِيَاتٍ كِنِظَامِ الْحَرَزِ، وَأَوَّلُ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقِ.

منتظر نشانه‌های پی‌پی، به سان دانه‌های تسبیح باشید، که

نخستین آنها صاعقه‌های آسمانی است.<sup>۲</sup>

در اینجا کلمه صواعق به کار رفته، که جمع صاعقه

است. صاعقه در لغت به دو معنی است:

۱ - صاعقه آسمانی

۲ - مرگ ناگهانی

۱ - جلد ۱۳ بحارالانوار ص ۹۶۲

۲ - الملاحم والفتن ص ۱۰۲

و در حدیث فوق هر دو معنی صحیح است.

الصَّاعِقَةُ جمع آن صواعق: آتشی است که سقوط می‌کند  
از آسمان در رعد شدید.

صَيْحَةُ الْعَذَابِ: الموت و هر عذابی که مهلک باشد.<sup>۱</sup>

و مروی است به هنگام نزدیکی قیامت (و یا ساعت ظهور)  
مرگ ناگهانی فراوان می‌شود و امروزه شاهد مرگ بسیاری از  
عزیزان و دیگر مردمی هستیم که به عناوین مختلف و به صورت  
ناگهانی جان می‌سپارند. و این خود از علائم آخر الزمان است و  
روایت شده وقتی آخر الزمان فرا رسد جوانمردان تمام شوند.

آری عده‌ای از آن جوانان بر اثر حوادث مختلف و یا  
بیماری‌های مرموز و .... جان سپردند. و نیز عده‌ای از جوانان  
برای حفظ دستاوردهائی که رادمردان به جای گذارده، همراه با  
عشق و ایمان در برابر شرک و کفر قرار گرفتند و به ندای حق  
لبیک گفته و به امید دیدار یار، از خانه و کاشانه و آغوش گرم  
مادر مهربان و فرزند و همسر دلسوز رخت بر کنده و به سوی  
دیاری شتافتند، تا شاید در کوی عاشقان، رضوان و رضای خدا  
را مشاهده کنند و در واقع آنها با شهادت خود در آتش عشق  
الهی سوختند تا زمینه حکومت عدل اسلامی در جهان و سعادت  
و خوشبختی جامعه در راه وصول به آن، فراهم گردد.

آری آنها که لاله‌های دشت اسلام بودند و شربت سرخ شهادت را از دست مولایشان ابا عبدالله الحسین (ع) گرفته و نوشیدند، به امید اینکه مهدی ببینند.

آنها که در وقت جان دادن سر بر دامان فرشتگان داشتند و لبخند پر از مهر امام و سرورشان مهدی را مشاهده کردند در حالی که دربانان بهشتی با عطر و گلاب برای گرفتن روح پاک آنان سبقت می‌گرفتند، آنها که عصارهٔ حیات را چشیده و به دیاری هجرت داشتند که همهٔ ابعادش حیات بود.

و براستی مبارک باد این هجرت، این پیوند، این سنگر، این حجله و این همه سعادت و پیروزی.

و سلام و درود ما شیعیان بر آن عزیزان که با خون پاکشان راه آن یگانه منجی عالم بشریت را شستند و راه‌گشای امید بیچارگان شدند.

و سلام همراه با دعا بر رزمندگان هم رزم آنان، بالأخص برادران جانباز کشورمان، همان یاران باوفای آقا امام زمان (ع) که در سنگر حق در انتظار به سر می‌برند تا در زمان موعود، به ندای حق لبیک گویند.

و ما نیز امید داریم که وعدهٔ حق تعالی تعلق گیرد و اذن ظهورش صادر شود.

به امید اینکه به خوشبختی و سعادت و رستگاری دست یابیم و به همهٔ آنهایی که در راه رسیدن به اهداف عالیه گ

نشین شده‌اند سلامتی هدیه شود.

آری از خدا می‌خواهیم که بار دیگر آن سلحشوران عزیز در کنار مولایشان مهدی (ع) شمشیر بر دوش گذارند و برای اسلام پاک احمدی قیام کرده و حماسه بیافرینند و در زمان موعود آن دلیران کشورمان پروانه وار به دور محبوب خود حلقه زنند، در حالی که می‌گویند:

لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ

به امید آن روز باشکوه، انشاءالله

و حال تو ای برادر مهربان و ای یار آقا امام زمان، مددی ده و عاجزانه از خدای سبحان ظهورش را طلب کن تا آن عزیز مسافری که سالهای سال در پشت پرده غیبت به سر می‌برد و در انتظار اذن ظهور است ردای فرج بر تن کند و به امید خدا ظهورش محقق گردد. انشاءالله

و ما نیز از تو ای مهدی عزیز می‌خواهیم که از خدای سبحان ظهورت را بخواهی، تا همچون ستاره در دنیای تاریک ما بدرخشی و همچون خورشید بتابی و همچون ماه بیائی.

آری، بیا و ما را از این همه سرگردانی آزاد کن، آخر چشم به راهیم ای امام زمان تا بیائی و با قدم مبارکت، صفا و صمیمیت، شادی و خوشبختی، امنیت و آزادی ... را به همراه آوری.

آری بیا، بیا براستی که ای عزیز طه تو همچون خورشید

گرمی بخش زندگی مائی.

بیا " تو تنها گل بهشت مائی، روزی که باز آئی می دانیم خوبی همه جا را می گیرد زشتی همه می میرد.

بیا که در آن روز موعود بزرگترین جشن را خواهیم گرفت، جشن شادی، جشن پیروزی، جشن آزادی، جشن با هم به معبود و محبوب رسیدن.

براستی چقدر زیبا و با شکوه خواهد بود دیدار در آن روز مبارک و بیعت با آن عزیز فاطمه سلام الله علیها که وظیفه ما مسلمانان جهان است برای رسیدن به آن روز با شکوه تلاش کرده و برای تعجیل در فرج دعا کنیم.

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ

برای تعجیل فرج و قرب ظهور بسیار دعا کنید.

زیرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، بیست و پنج سال خون دل خورده و بر ناملایمات صبر کردند، و اما حضرت ولی عصر ارواحنا فداه قرن ها است. که زجرها را به جان خریده و مصائب و سختی ها را تحمل می کند و غم فراق را به دل می گیرد و همچنان در انتظار می ماند که زمان موعود فرا رسد.

و آیا براستی زمان موعود چگونه فرا خواهد رسید؟ در حالی که تلخی مشکلات و مصائب، شیرینی حیات را از ما گرفته و ما مسلمانان جهان، در این برهه از زمان مورد هجوم افعی صفتانی هستیم که برای کشتن مسلمانان جهان قد علم کرده و به



خیال خام خود که اگر مسلمانان بمیرند و نباشند دیگر کسی برای پر و بال دادن به دین اسلام نمی ماند، پس باید کشت و خلاص شد در حالی که آن دشمنان جاهل نمی دانند که خدای سبحان برای آن روز موعود و برای نجات آن محبوس در زندان غیبت مانده و رهائی آن مظلوم هجران کشیده و نجات آن مولا و سرور و همه آنهائی که چشم به او دوخته اند، برنامه ای وسیع و حساب شده قرار داده است که کافران در مقابل آن حرکت و قیام الهی تاب مقاومت نخواهند داشت، زیرا آن جاهلان نمی دانند شکوه و عظمت آن حرکت الهی را که خالق هستی آن را طراح کرده و نیز با سرپرستی معبود یکتا خدای سبحان، اجراء خواهد شد.

و ما مسلمانان در مقابل این حقایق تلخ و دردناک وظیفه داریم در کنار ایمان راسخ و اعمال صالح همراه با تقوا، به یاد امام زمانمان باشیم و در فراقش اشک بریزیم و برای نجات خود و دیدار ایشان دعا کنیم و عاجزانه فرمان قیامش را از درگاه باری تعالی تقاضا کرده به این امید که به همراه مولایمان از رستگاران و نجات یافتگان باشیم.

آری، همان مولائی که دارای خصوصیات است و برنامه آن بزرگوار ویژگی هائی دارد که باعث شده چشم امید همه، حتی پیامبر و ائمه علیه السلام به او دوخته شود و اهمیت کارش به قدری است که پیوسته دودمان امامت و ولایت در گفتار و

رفتارشان از آن حضرت به بزرگی یاد کرده و همگان را به عظمت او توجه داده‌اند.

و توجه با معرفت به چنین شخصیتی، خواه نا خواه انسان را عوض می‌کند و یکی از معایب بزرگ ما، عدم توجه به امام زمان علیه السلام است و غافل از دیدار هستیم، دیداری که هر لحظه امکان وقوعش می‌رود، و برآستی اگر آن لحظه برسد و ما در غفلت به سر برده باشیم در پیشگاه آن سرور و آن امام بزرگوار چه جوابی خواهیم داشت؟

همان امامی که الگو و نمونه و علامت است که هر تندرو باید به سوی او برگردانده شود، در غیر این صورت گمراه می‌شود و هر کندرو باید خود را به او برساند و الا هلاک می‌گردد.

و ما که باور داریم خالق هستی می‌داند، دل‌باختگان حضرت مهدی (ع) بعد از ذات اقدس اله جز به او نمی‌اندیشند و برای رفع پریشانی و غم آن سرور تلاش می‌کنند و غیر از نجات و رفاه امامشان را نمی‌خواهند زیرا ظهور آقا امام زمان (ع) برابر است با نجات و رهائی همه انسانهای در بند، و نیز دوستان و منتظران حضرت حاضرند جان خود را در راه ایشان فدا نمایند.

و اما یاران ظاهری تا زمانی که منافع آنها ضایع نشده، هستند و گرنه به مجرد خطر روی بر می‌تابند و او را فراموش می‌کنند. و عده‌ای هم آنقدر بی‌خیالند که به نظر می‌رسد در

دنیای دیگری سیر می‌کنند. در حالی که باید بدانیم قبل از ظهور امتحان سختی از ما گرفته می‌شود و این امتحان برای جمیع طبقات است و خطری که ما را تهدید می‌کند این است که نمره قبولی نیاوریم و دستمان از دامان پر برکت مولایمان کوتاه شود.

امام جعفر صادق (ع) در همین رابطه می‌فرماید:

سوگند به خدا شکسته می‌شوید مانند شکسته شدن شیشه، به تحقیق که شیشه را پس از شکستن می‌توان ذوب کرد و باز به صورت اول برگرداند. قسم به خدا شما شکسته می‌شوید همچون شکسته شدن سفال و بدرستی که سفال هرگز به صورت نخست بر نمی‌گردد.

به خدا سوگند، حتماً شما امتحان خواهید شد.

به خدا سوگند، قطعاً شما غربال شوید، چنان که دانه تلخ

از میان گندم جدا شود.<sup>۱</sup>

و این وعده خدای سبحان است که اگر یک روز بیشتر از زندگی دنیا نمانده باشد، آن زندگی و دوران ایده آل پدید خواهد آمد و با ظهور حضرت، انسان‌های در بند به خوشبختی از دست داده خواهند رسید و حال که مسلمانان منتظرند تا یار و یاورشان بیاید و از غمی که آنها را در بر گرفته نجاتشان داده تا به سوی سعادت گام بردارند، همان یاری که تنها گوهر خزانه الهی

و ذخیرهٔ خدا و فریادرس بیچارگان و همزبان توده‌ها و هم پرواز فرشتگان است.

آری "اوست هم پرواز با فرشتگان. که در همین رابطه امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: هنگامی که قائم آل محمد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قیام کند، خداوند او را با فرشتگان مُسَوِّمِینَ، مُرَدِّفِینَ، مُنْزَلِینَ، گروبین یاری می‌کند.

جبرئیل پیشاپیش او، میکائیل دست راست او، اسرافیل دست چپ او و فرشتگان مقرب در برابرش حرکت می‌کنند و ترس و وحشت از چهار طرف او تا مسیر یک ماه در دل دشمنان وارد می‌شود.<sup>۱</sup>

و از این حدیث استفاده می‌شود که ابزار حضرت ولیّ عصر عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ برای پیاده کردن عدالت اجتماعی، عبارت است از فرشتگان، مؤمنان و رعب و وحشت در دل دشمنان.

و در مورد فرشتگانی که به یاری آن حضرت در پیاده کردن عدالت اجتماعی موکل هستند و ایشان را یاری می‌دهند و اسامی آنها را امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

- ۱- فرشتگانی که با حضرت نوح (ع) در کشتی بودند.
- ۲- فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم (ع) در میان آتش با او بودند.

۳- فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای موسی با حضرتش بودند.

۴- فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی (ع) با او بودند.

۵- چهار هزار فرشته "مُسَوِّمِین" که در جنگ احد در خدمت رسول اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ شَرِکَت داشتند.

۶- هزار فرشته "مُرْدِفِین" که در جنگ بدر در محضر پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بودند.

۷- سیصد و سیزده فرشته‌ایی که در جنگ بدر حضور داشتند.

۸- چهار هزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عاشورا فرود آمدند و به آنها اجازه پیکار داده نشد.

و منظور از کرّوبیان سروران فرشتگانند که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل از آنها‌یند و همه این فرشتگان هم اکنون در انتظار قیام قائم آل محمد عَلَیْهِ السَّلَام هستند، تا روزی که حضرتش ظهور کند.<sup>۱</sup>

به امید ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت که با نور خود جهان را شکوه و جلال خواهد بخشید.

و در مورد مؤمنان که دوّمین ابزار پیاده شدن حکومت جهانی هستند.

و طبق روایاتی که معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَام در مورد تعداد اصحاب حضرت ولیّ عصر (ع) فرموده‌اند، استفاده می‌شود که تعداد ۳۱۳ نفر فرماندهان لشگری و کشوری آن حضرت می‌باشند که خداوند به وسیله آنها و با تأیید فرشتگان، شرق و غرب عالم را فتح می‌کند.

و همه مؤمنان از شرق و غرب جهان به سوی آن حضرت سرازیر می‌شوند و چون تعداد آنها به ده هزار نفر برسد از مکه معظمه حرکت می‌کنند و اصلاح جهانی خود را آغاز و شرک و الحاد را ریشه کن کرده و آئین حق را در روی زمین مستقر می‌فرمایند. ۱ انشاءالله

و اما در مورد رعب که سوّمین ابزار پیاده شدن حکومت جهانی حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه می‌باشد.

در همین رابطه باید گفت، دلایل زیادی باعث می‌شود که رعب و وحشت در دل دشمنان می‌افتد و قدرت هر نوع عکس‌العمل را از آنها می‌گیرد، از جمله:

۱- صیحه آسمانی ۲- شرکت فرشتگان ۳- فتح پیاپی شهرها ۴- مواریت انبیاء از جمله عصای حضرت موسی و انگشتر

حضرت سلیمان و غیره که همراه حضرت خواهد بود.<sup>۱</sup>  
 و نیز دیگر عوامل باعث رعب و وحشت کافران خواهد  
 شد و در همین رابطه حضرت بَقِيَّةُ اللَّهِ روحی فداه می فرماید:  
 وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَاسْتَدَارَتْ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَالنُّجُومُ  
 خورشید و ماه گرد آیند و ستارگان ثابت و سیار آنها را  
 احاطه کنند.<sup>۲</sup>

در این حدیث شاید منظور از گرد آمدن خورشید و ماه  
 قرار گرفتن آنها در یک مسیر در اثر کسوف و خسوف غیر  
 عادی باشد.

تعبیر گرد آمدن خورشید و ماه در قرآن کریم نیز آمده  
 است.

وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

خورشید و ماه گرد آیند.<sup>۳</sup>

ابن عباس می گوید: قائم (عج) ظهور نمی کند جز پس از  
 آنکه خورشید نشانه‌ای را از خود پدید آورد.<sup>۴</sup>  
 شاید منظور از این نشانه کسوف خورشید در غیر وقت  
 عادی و یا ایستادن آن در وسط آسمان و یا ظاهر شدن سیمای

۱ - منتخب الاثر ص ۲۲۱

۲ - الزام الناصب ص ۱۰۸

۳ - سوره قیامت آیه ۹

۴ - منتخب الاثر ص ۴۴۲

یک مرد در قرص خورشید و یا طلوع خورشید از مغرب باشد و یا شاید نشانه‌ای جز اینها.

و وَجْهٌ وَ صَدْرٌ يَظْهَرَانِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ  
صورت و سینه ای در قرص خورشید برای همگان ظاهر می‌شود.<sup>۱</sup>

و در انجیل متی، باب ۲۴ بندهای ۲۹ و ۳۰ مطرح شده:  
و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل گردد، آنگاه عدالت، پسر انسان در آسمان آشکار گردد و در آن وقت جمیع طوایف سینه زنی کنند و پسر انسان را بر ابرهای آسمان ببینند که با قوت و جلال عظیم می‌آید.  
امام زین العابدین (ع) در وصف آن روز مسعود می‌فرماید:

أَمَّا إِنْ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ حَيَّرَ بَيْنَ السَّحَابَيْنِ، فَأَخْتَارَ الذَّلُولَ وَ  
ذَخَرَ لِصَاحِبِكُمُ الصَّعْبَ. فَقِيلَ لَهُ: وَ مَا الصَّعْبُ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ  
مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ وَ بَرْقٌ فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ! أَمَا إِنَّهُ  
سَيَرُكَبُ السَّحَابَ، وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ: أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ  
وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ: حَمْسٌ عَوَامِرٌ وَ اثْنَتَانِ خَرِبَتَانِ  
ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر



نا آرام، او ابر رام را برگزید و ابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت، گفته شد: ابر نا آرام چیست؟

فرمود: هر ابری که همراه با رعد و برق و صاعقه باشد. که هر کجا چنین ابری باشد، صاحب شما سوار آن خواهد شد. همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد. اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را، که پنج زمین آباد و دو زمین دیگر مخروبه خواهد بود.<sup>۱</sup>

و شاید بتوان از این حدیث استفاده کرد که پیش از ظهور، جنگ اتمی بین دو قاره از قاره های زمین روی خواهد داد و این دو قاره یکدیگر را نابود خواهند ساخت. احتمال زیاد می رود که این دو قاره، آمریکا، اقیانوسیه باشد، زیرا در هیچیک از اخباری که خط سیر جنگهای حضرت حجت علیه السلام را ترسیم نموده، از این دو قاره سخنی به میان نیامده است. همچنین در این احادیث از شمال آسیا، و شمال غربی اروپا نیز نامی به میان نیامده است و شاید آتش جنگ آن مناطق را نیز در کام خود فرو خواهد برد.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ

۵- و دیگر نیروی فوق العاده و غیر قابل نفوذ سپاه آن حضرت که در احادیث آمده، اگر با کوهها روبرو شوند از جای

برمی کنند.<sup>۱</sup>

۶- نیروی فوق العاده شخص حضرت بقیة الله که در

احادیث آمده است:

قَوِيٌّ فِي بَدَنِهِ، حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ الشَّجَرَةِ عَلَى وَجْهِ  
الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا

بدنش بسیار نیرومند است، اگر دستش را به بزرگترین

درخت روی زمین بزند، آن را از ریشه و بُن برمی کند و اگر در

میان کوهها نهیب بزند سنگهایش فرو می ریزد.<sup>۲</sup>

به امید پیروزی آن سرور انشاءالله

و به امید روزی که پرچم لا اِلهَ اِلَّا اللهُ به اهتزاز در آید و

بشریت در سایه دین پاک احمدی و قانون خدا به عزت و امنیت

و آسایش دست یابند.

حَتَّى لَا يَبْقَى قَرِيْبَةٌ اِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ اَنْ لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنْ

مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا

دیگر در روی زمین هیچ نقطه نمی ماند جز اینکه هر صبح

و شام در آن به یکتائی خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) ندا سر

داده می شود.<sup>۳</sup>

۱- بشارة الاسلام ص ۲۱۴

۲- منتخب الاثر ص ۲۲۱

۳- بشارة الاسلام ص ۲۶۳

و نیز روایت شده که حضرت قائم (عج) دیوارهای کعبه را بر می‌دارد و فقط پایه‌های آنرا نگه می‌دارد، به خدا سوگند که او آثار ستمگران را در مکه، مدینه، عراق و دیگر بلاد اسلامی از بین می‌برد، مسجد کوفه را می‌کوبد و بر پایه‌های اوّلی بنیاد می‌نهد.<sup>۱</sup>

چشم امید ما به خداوند است که هرچه زودتر آن روز فرا رسد. و دیگر علائمی که قبل از ظهور تحقق می‌یابند بسیار است: از جمله مولای متقیان حضرت علی (ع) در تفسیر آیه شریفه فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنَهُمْ، سوره زخرف آیه ۶۵ فرمودند:

اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثِ اِخْتِلَافِ اَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ  
وَالرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ وَالْفَرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

از مشاهده سه نشانه، منتظر فرج باشید "

۱. اختلاف شامیان

۲. پرچم‌های سیاه از خراسان

۳. صیحه آسمانی در ماه رمضان<sup>۲</sup>

تعبیر شامیان، شامل: لبنان و فلسطین نیز هست و اختلاف در میان مردم شام و فلسطین و لبنان در عصر ما به اوج خود رسیده و لبنان را در سرایشی سقوط قرار داده و فلسطین را از پای

۱ - ارشاد مفید ص ۲۴۳

۲ - غیبت نعمانی ص ۱۳۳

در آورده است و حال در انتظار صیحهٔ آسمانی و سید خراسانی هستیم.

و اما صیحه‌ای در ماه رمضان شنیده می‌شود. در ماه شوآل قبایل در برابر یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند، جنگ و جدال در ماه ذیقعدہ روی می‌دهد، در ماه ذیحجه حُجَّاج بیت‌الله الحرام قتل و غارت می‌شوند و در ماه محرم خونها جاری می‌شود، که هرگز نمی‌توان درک کرد.  
نه هرگز:

در ماه محرمی که شورشها و فتنه‌ها برمی‌خیزد و انسانها دسته دسته در هرج و مرج کشته می‌شوند، آنگاه منادی از آسمان ندا می‌کند که فلانی پسر فلانی، مهدی قائم آل محمد (ص) است به فرمان او گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید این صدا، صدای جبرئیل خواهد بود که در بامداد "روز رهایی" در میان آسمان و زمین این چنین ندا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

از این حدیث به ضمیمهٔ احادیث دیگر استفاده می‌شود که ظهور در روز عاشورا خواهد بود، تا خداوند به این وسیله دل‌های مؤمنان را شفا دهد و خون‌ثارالله، در یوم‌الله، به دست بقیة‌الله از عدو الله گرفته شود.

امید است آن روز مبارک هر چه زودتر فرا رسد، زیرا

قرنهاست که دیدگان نگران انسان‌های مظلوم و دربند در انتظار  
مقدم گرامی آن مولا و سرور ثانیه شماری می‌کند و نصرت و  
پیروزی را از خداوند سبحان تقاضا دارند.

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ

در آن روز مؤمنان با نصرت خدا شاد می‌شوند.<sup>۱</sup>

و ما منتظران در انتظار آن پیروزی و شادی هستیم و باید  
برای دست یافتن به فتح و ظفر تلاش کنیم.

و امید است دیگر علائم به وقوع بپیوندند تا انشاءالله زمینه  
ظهور آشکار حضرت حجت (ع) محقق گردد و نیز یکی از  
نشانه‌های قرب ظهور قیام از شهر مقدس قم است.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ  
يَدْعُو النَّاسَ مِنَ الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ، لَا تَزْلَهُمُ  
الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونُ مِنَ الْحَرْبِ وَالْأَيُّجِبُونُ وَعَلَى اللَّهِ  
يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که مردی از اهل  
قم مردم را به سوی حق دعوت می‌کند و جمع می‌شوند با او  
جمعیتی که مثل آهن محکم می‌باشند و بادهای عواصف (بادتند  
و سخت) هم آنها را نمی‌لغزانند و از حرب و جنگ ملول  
نمی‌شوند و نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت خوب از

آن پرهیزگاران است.<sup>۱</sup>

آری ما نیز گرامی می‌داریم ایام مبارک انقلاب کشورمان ایران زمین را که با مجاهدت، مجاهدی با عزم از سلالهٔ پاک پیامبر (ص) به پیروزی رسید، به امید اینکه پرچم لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بر قُلل رفیع انسانیت به اهتزاز در آید.

و نیز امید است با عنایت خالق هستی، انقلاب پر شکوه جمهوری اسلامی ایران تحت تعالیم بت شکن زمان و آن یاور و ناصر دین، امام راحل قدس الله سره و رهبر عظیم الشان حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظهم الله تعالی موجب سر بلندی و عظمت مسلمین جهان گردد.

و نیز آرزو مندیم در سایهٔ اسلام ناب محمدی انسانهای دربند از زیر یوغ اسارت ظالمان نجات یافته و در کنار مولایشان امام مهدی به آن خوشبختی وعده داده شده دست یابند.

و حال پروردگارا، خداوندا، کریمما از تو عاجزانه می‌خواهیم که روح پاک رهبرمان شاد شده و حکومتش را به حکومت آقا امام زمان (ع) متصل گردانی و ما شیعیان جهان را زیر سایهٔ آن سرور به سعادت وعده داده شده برسانی. انشاءالله و یکی دیگر از نشانه‌های ظهور درگیری در آذربایجان است که قبل از ظهور واقع می‌شود.

لَا بُدَّ لَنَا مِنْ أذربيجان لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ  
فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ وَالْبُدُوءَ مَا لَبَدْنَا وَانْتَظِرُوا النَّدَاءَ وَالْحَسْفَ  
بِالْبَيْدَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَيِّرًا كُنَّا فَاسْتَعَاوَا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبْوًا

به ناچار باید در آذربایجان انقلابی پدید آید که هیچ  
قدرتی را در برابر آن یارای مقاومت نیست.

چون آن شورش بپا شود گلیم خانه خود باشید و از جای  
خودتان تکان نخورید تا هنگامی که ما تکان نخورده‌ایم و منتظر  
ندای آسمانی و خسف سرزمین بیداء باشید. هنگامی که قیام  
کننده ما قیام کرد به سوی او بشتابید، اگر چه روی زمین کشیده  
شوید.<sup>۱</sup>

و ما نیز امید داریم خداوند در هر بُرّه از زمان پناه ما  
باشد و امام زمان (ع) ما را یاری دهد تا با صبر و بردباری و  
مقاومت در مقابل مشکلات و گرفتاری‌های موجود، این دوران  
تاریک را سپری کنیم.

به امید پیروزی حق بر باطل انشاءالله

رسول اکرم می‌فرماید:

مهدی (ع) خارج نمی‌شود تا نفس زکیه کشته شود. چون  
نفس زکیه کشته شد، ساکنان آسمان و زمین بر آنها غضبناک  
می‌شوند.

آنگاه مهدی (ع) ظهور می کند و مردم در اطراف شمع وجودش گرد آمده آن سان که در شب زفاف در اطراف عروس گرد آیند.<sup>۱</sup>

نفس زکیّه لقب یک جوان هاشمی است از آل محمد (ص) که در میان قوم خود صاحب مقامی بس رفیع است. که در آغاز جنبش سفیانی، به مدینه منوره پناهنده می شود و دوّمین گروه از لشکر سفیانی که برای مقابله با دعوت حق و رویارویی با سپاه حضرت مهدی روحی فداه به سوی مدینه گسیل می شوند و نفس زکیّه به مکه می رود و در آنجا بانگ داد خواهی و دعوت به سوی آل محمد (ص) را بلند می کند. روز بیست و پنجم ذیحجه الحرام او را بدون هیچ گناهی در میان رکن و مقام مظلومانه ذبح می کنند. پس از ارتکاب این جنایت وجدان جهانی بیدار می شود و به دنبال حضرت مهدی (ع) می گردند که با او بیعت کرده و این جنایت را محکوم نمایند. بین ذبح نفس زکیّه و آغاز قیام شکوهمند حضرت مهدی (ع) فقط پانزده روز فاصله است که او در بیست و پنجم ذیحجه به شهادت می رسد و قیام آن حضرت در دهم محرّم اتفاق می افتد.

یک بار دیگر بانگ جبرئیل در فضا طنین انداز می شود که جهانیان را به بیعت آن حضرت دعوت کرده و می فرماید:



### الْبَيْعَةُ لِلَّهِ

این بانگ به دنبال بانگ اولی که در ماه رمضان بلند شده و گوش جهانیان را نوازش داده، هرگونه شک و تردید را از بین می‌برد و دلها را به سوی آن کعبه موعود جلب می‌کند و طومار جنایتها و خیانتها برای همیشه درهم پیچیده می‌شود.

عَلَامَتُهَا أَنْ تَكُونَ فِي سَنَةٍ كَثِيرَةٍ الزَّلَازِلِ وَالْبُرْدِ

نشانه آن (بانگ آسمانی) آنست که در سالی که سرما

و زلزله بسیار فراوان باشد، واقع می‌شود.<sup>۱</sup>

و از جمله به طور مثال زلزله و سرما در یک فصل در

آمریکا و ایالت کالیفرنیا تجربه شد.

در تاریخ هفتم تیر ماه ۷۱ زمین لرزه‌ای در ایالت کالیفرنیا

که ۷/۴ ریشتر بود به مدت ۴۵ ثانیه و ده شهر در این زمین لرزه

بیشترین آسیب را دیدند که گفته شده این زمین لرزه در یک صد

سال گذشته بی سابقه بوده است.

و یا سرمای بی سابقه چندین ایالت آمریکا را در بر گرفت.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در شمال شرقی مینه سوتا

درجه برودت هوا در دومین روز از فصل تابستان به ۳ درجه زیر

صفر نزول کرد. و در ۱۸ ایالت واشنگتن دی سی از ویسکانسین

و "ایلی نویز" گرفته تا نیوجرسی و از آرکانزاس گرفته تا

کارولینای شمالی و جنوبی، رکوردهای تازه‌ای در زمینه درجهٔ حرارت هوا به ثبت رسید. طبق مرکز ملی هواشناسی گفته شد یک جبههٔ هوا از قطب شمال وارد آمریکا شد و موجب طوفانهائی بسیار شدید، در غرب میانه گردید. به طوری که در یک روز برودت هوا در دیترویت به ۶ درجه سانتی گراد و در شرق ایالت واشنگتن به ۳۸ درجه سانتی گراد رسید.<sup>۱</sup>

و رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

وَ تَكْثُرُ الزَّلَازِلُ

زمین لرزه بسیار شود.<sup>۲</sup>

وَ خَرَابُ التُّرُكِ مِنَ الصَّوَاعِقِ

سر زمین ترک به وسیلهٔ صاعقه ویران می‌شود.<sup>۳</sup>

آیا براستی سر زمین ترک با صاعقه‌های ساخت بشری از

بین می‌رود یا صاعقه‌های آسمانی. اللَّهُ أَعْلَمُ

سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَسْفٌ، قَذْفٌ وَ مَسْخٌ

در آخر الزمان خسف، قذف و مسخ خواهد شد.<sup>۴</sup>

خسف: فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیلهٔ

زلزله، سیل، طوفان، موشک، بمباران و بالا آمدن آب دریا و جز

۱- نقل از روزنامه کیهان ۳ تیر ماه ۷۱ ص ۱۹

۲- بشارة الاسلام ص ۳۲

۳- بشارة الاسلام ص ۲۸

۴- نهج الفصاحة ج ۲ ص ۲۷۲

آنها را گویند.

قذف: پرتاب چیزی از مکانی به مکانی، (بمباران، سنگباران، موشک‌های زمین به زمین و امثال آنهاست)  
 مسخ: دگرگونی سیرت و صورت چیزی به شکلی جز آنچه هست (مبدل شدن انسان دو پا به حیوان وحشی چهار پا) مثل میمون، خوک و ...

رسول اکرم (ص) در همین رابطه می‌فرماید:

لَمْ يَجْرِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ لَا يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلَهُ حَتَّى  
 الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ

در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه‌ای روی نداده است جز اینکه در میان امت من نظیر آن روی خواهد داد، حتی خسف و قذف و مسخ.<sup>۱</sup>

پیشوای ششم شیعیان در تفسیر آیه شریفه:

وَلَنذِيقَنَّهٖم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ

پیش از عذاب بزرگ از عذاب کوچک به آنها

می‌چشانیم فرمود:

أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَاصْحَابِهِ، وَ عَلَىٰ خِوَانِهِ وَسَطَّ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَ صَرَخُوا، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا؟ فَيُقَالُ: مُسِخَ فُلَانُ السَّاعَةَ وَ قَدْ سَأَلَهُ صَاحِبُهُ أَبُو

بصیر (رض): یَکون هذا قیامُ القائمِ أو بَعْدَهُ؟ فَقالَ: لا، قَبْلُ.  
 چه ذلت و خواری بالاتر از این که انسان در میان خانه و  
 خانواده‌اش در کنار سفره نشسته باشد و ناگهان اهل خانه  
 گریبان چاک کرده، ناله سر دهند، مردم پرسند: چه شده؟ گفته  
 شود: این فلانی است، همین الان مسخ شد.

ابو بصیر از آن حضرت پرسید: این فجایع پیش از قیام  
 قائم (عج) روی می‌دهد یا بعد از قیام او؟ فرمود: پیش از قیام  
 او.<sup>۱</sup>

و لَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا  
 قِرَدَةً خَاشِئِينَ

محققاً دانسته‌اید جماعتی که از شما عصیان ورزیدند  
 حرمت شنبه را نگاه نداشتند، آنان را مسخ کردیم و گفتیم بوزینه  
 شوید. (دور از درگاه قرب حق و مقام انسانیت)<sup>۲</sup>

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ  
 و این عقوبت مسخ را کیفر آنها و عبرت برای آیندگان و  
 پند برای پرهیزگاران گردانیدیم.<sup>۳</sup>

از امام صادق و امام باقر علیهم السلام در مورد این دو آیه

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ - ص ۲۴۱

۲ - سوره بقره آیه ۶۵

۳ - سوره بقره ۶۶

نقل شده که فرمودند منظور از " مَابَيْنَ يَدَيْهَا " نسل آن زمان و مراد از " ما خَلْفَهَا " ما مسلمانان هستیم و در واقع این درس شامل همهٔ انسانهاست.

روی سخن در آن به پیامبر اسلام است و به او می‌گویند که از یهود معاصر خویش دربارهٔ این جمعیت سؤال کند، یعنی این خاطره را در ذهن آنان مجسم سازد تا از آن پند گیرند و از سرکشی و کيفری که در انتظار سرکشان است پرهیزند.

منظور از روز شنبه که در آیهٔ ۶۵ سورهٔ بقره مطرح شده، این است که در سرزمین فلسطین در بندری به نام ایله که امروز به نام ایلاف معروف است و منظور از ماهیگران و دریائی که ماهی می‌گرفتند دریای احمر بود که در زمان حضرت موسی (ع) خداوند فرمان دادند که روزهای شنبه جمعیت هشتاد و چند هزار نفری که در آن دیار مستقر بودند به ماهی‌گیری نرفته و به عبادت پردازند. ولی اکثر این افراد حيله به اصطلاح شرعی را به کار بردند و در کنار دریا، حوضچه‌هایی ترتیب داده و راه آن را به دریا گشودند و روزهای شنبه، راه حوضچه‌ها را باز کرده و ماهیان فراوان همراه آب وارد آنها می‌شدند و اما به هنگام غروب که می‌خواستند به دریا باز گردند راهشان را محکم می‌بستند سپس روز یکشنبه شروع به صید آنها می‌کردند و می‌گفتند خداوند به ما دستور داده است صید ماهی نکنیم ما هم صید نکرده‌ایم بلکه تنها آنها را در حوضچه‌ها محاصره نموده‌ایم.

و از این جهت هشتاد و چند هزار نفر که در حدود هفتاد هزار نفر از آنان به گناه آلوده شدند و عده‌ای قلیل امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و گروه سوّم در مقابل این گناه بی‌تفاوت بودند و بالاخره گروهی که پند می‌دادند و چون موعظه آنها موثر واقع نشد مجبور به هجرت شدند و دیار خود را ترک کردند و اتفاقاً در همان شب، کيفر الهی دامان آن دو گروه را گرفت، گروه گنهکار پس از چند روز مسخ شدن (به شکل میمون) به هلاکت رسیدند و گروه دیگر نیز به کيفر الهی هلاک شدند.<sup>۱</sup>

و امام کاظم (ع) می‌فرماید:

تَكْثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ وَالْمَسْخُ فِي أَعْدَاءِ الْحَقِّ

فتنه‌ها زمین را از کران تا کران فرا گیرد و مسخ شدن در

میان دشمنان حق و حقیقت فراوان گردد.<sup>۲</sup>

و حال امید است خداوند ما را از شرّ چنین فتنه‌ای در پناه

خود مصون بدارد.

### انشاء الله

رسول اکرم (ص) نیز در این مورد می‌فرماید:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ تُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إِحْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ

۱ - تفسیر نمونه

۲ - ارشاد مفید ص ۳۳۸

## زلزله

شما را به مهدی (عج) بشارت می‌دهم: هنگامی که اختلاف شدید در میان مردم پدید آید و زلزله‌های سختی واقع شود او قیام می‌کند.<sup>۱</sup>

و برآستی در جهان امروز آتشی برافروخته شده که همگان در آن آتش می‌سوزند و تعدی و تجاوز به حقوق همدیگر از فجایع رایج جهان شده است و ما نیز در این برهه از زمان به خدای سبحان پناه می‌بریم.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع) الْيَمَانِي وَالسُّفْيَانِي وَالنِّدَاءُ  
وَالْحَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ

پیش از قیام قائم پنج نشانه است:

۱ - خروج یمانی

۲ - خروج سفیانی

۳ - نداء آسمانی

۴ - خسف سر زمین بیداء

۵ - قتل نفس زکیه<sup>۲</sup>

این‌ها پنج نشانه است که همه خیرها و برکتها را نوید

۱ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۴ و ج ۵۲ ص ۳۴۸

۲ - الامام المهدی ص ۲۳۸

می‌دهد و در ظرف چند ماه پشت سرهم واقع می‌شود و برای احدی جای شک و تردید باقی نمی‌ماند زیرا ظهور آقا امام زمان (ع) از طلوع خورشید روشن‌تر خواهد بود.

و رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

سه پرچم در یک سال یک ماه و یک روز خروج می‌کند. سفیانی، خراسانی، یمانی، که در میان آنها خالصتر از پرچم یمانی نیست که او برای حق فرا می‌خواند.

و امام باقر (ع) می‌فرماید:

يَكُونُ خُرُوجُ السُّفْيَانِي مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِي مِنَ الْيَمَنِ

سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می‌کند.<sup>۱</sup>

و نیز گفته شده خروج یمانی هم زمان با شورشها، فتنه‌ها و انقلابها در سراسر منطقه می‌باشد. و امام (ع) فرمان می‌دهد وقتی یمانی خروج کرد به سویش بشتابید که پرچم او پرچم هدایت است و او مردم را برای نبرد با سفیانی به سوی شام دعوت خواهد کرد. و روز اول در شام با سپاه خراسانی ملاقات می‌کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و به منظور یاری یمانی بیرون می‌آید.

آن گاه هر دو لشکر با سپاه سفیانی روبرو می‌شوند و آن جنگ حساس و سرنوشت ساز تاریخ را پشت سر گذاشته و



بالآخره با عنایت خدای سبحان و یاری شدن توسط آقا امام زمان (ع) به پیروزی اسلام و اسلامیان ختم می‌شود.

و اما خروج سید خراسانی

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتُ سُودٍ تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي  
سُفْيَانَ وَ يُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ

پرچمهای سیاهی از خاور زمین به اهتزاز در می‌آید که با  
مردی از اولاد ابوسفیان می‌جنگد و زمینه فرمانبرداری از حضرت  
مهدی (ع) را فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

يُوشِكُ أَنْ تُحْلَأَ أَيْدِيكُمْ مِنَ الْعَجَمِ ثُمَّ يَجْعَلَهُمُ اللَّهُ أَسَدًا  
يَفْرُونَ فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلَتَكُمْ وَلَا يَأْكُلُونَ فَيْأَكُمْ

نزدیک است که دستهایتان از عجم‌ها پُر شود، ولی  
خداوند آنها را شیر مردانی قرار می‌دهد که از برابر شما فرار  
نمی‌کنند و با قاطعیت تمام با شما می‌جنگند و به اموال شما طمع  
نمی‌کنند.<sup>۲</sup>

در این حدیث منظور از عجم، ایرانیانی هستند که در  
محضر سید خراسانی با سپاه سفیانی به نبردی سخت می‌پردازند و  
امیر مومنان (ع) در این باره می‌فرمایند:

۱- الملاحم والفتن ص ۴۴

۲- الملاحم والفتن ص ۷۵ و ۱۱۰

به زودی عجم‌ها برای بازگشت شما به دین، با شما خواهند جنگید چنان که برای پذیرش نخستین اسلام با آنها جنگیدید. خداوند دستهای شما را از آنها پُر می‌کند و آنها شیران ژبانی هستند که هرگز از برابر شما نمی‌گریزند و گردنهای شما را می‌زنند و ثروت‌های شما را تحت سیطره خود در می‌آورند.

از بررسی احادیث مربوطه معلوم می‌شود که سپاه جناب سید خراسانی برای ظهور حضرت بقیة الله روحی فداه زمینه را فراهم می‌کنند و از طرفی مقدمات این نبرد با جنگ ایران و عراق آغاز شده است و امید به عنایت خدای سبحان داریم که هر چه زودتر زمان پیکار لشکر حق بر علیه باطل فرا رسد تا یاران وفادار، پرچم پیروزی را به پیشگاه آقا امام زمان (ع) تقدیم نمایند. انشاءالله

و در حدیث دیگر نقل شده:

إِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَتَى التَّمِيمِيَّ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْ جَهَةِ الْمَشْرِقِ وَهُوَ صَاحِبُ رَايَةِ الْمَهْدِيِّ

وقتی که آن را مشاهده کردید به سوی جوان تمیمی بشتابید که او از طرف مشرق می‌آید و پرچم‌دار حضرت مهدی (ع) است.

منظور از تمیمی در این حدیث شعیب بن صالح است که احتمالاً بانگ او در کوه‌های طالقان و در اطراف قزوین طنین

می‌اندازد. ۱

امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

يَخْرُجُ بِالرَّيِّ رَجُلٌ رَبْعَةٌ أَسْمَرٌ مَوْلَى لِبَنِي تَمِيمٍ، كُوسَجٍ يُقَالُ لَهُ:  
شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ يَكُونُ مُقَدِّمَةً لِلْمَهْدِيِّ لِإِلْقَائِهِ  
أَحَدًا لَا قَتْلَهُ

مردی گندمگون، چهار شانه و کوسه به نام شعیب بن صالح با چهار هزار نفر از ری خروج می‌کند که در پیشقدم ظهور حضرت مهدی (ع) است کسی در برابرش ایستادگی نمی‌کند جز این که کشته می‌شود. ۲

و در حدیث دیگری مطرح است که شعیب بن صالح از سمرقند خروج می‌کند. چه بسا از سمرقند خروج کند ولی چون به شهر ری می‌رسد یاران فراوانی به او ملحق می‌شوند که آوازه‌شان به همه جا می‌رسد به امید پیروزی عزیزانی که چشم امید شیعیان هستند. و انشاءالله با دانستن علائم و دیدن شواهد توفیق درک آن دوران مبارک و عهد مسعود را داشته باشیم و در زمان موعود ما منتظران و فدائیان آقا امام زمان (ع) به دور آن هسته مرکزی و قلب عالم " مهدی عزیز " حلقه زنیم و او را همچون نگین انگشتر در بر داشته باشیم.

۱ - غیبت نعمانی ص ۱۳۲

۲ - الملاحم و الفتن ص ۴۲

آری "همان نگین بی همتائی که امام ما شیعیان است. امامی که ماه تابان و خورشید فروزان است و پردهٔ ظلمت را می‌درد و اشعهٔ تابناک نور هدایت را در همه جا می‌گسترده، امامی که آب حیاتبخش و گوارائی است که تشنگان دانش و شیفتگان پاکی را از سرچشمهٔ معارف حقه سیراب می‌کند و همچون گلستانی پر از گل و ریحان است.

و براستی او گل سرسبد اسلام است و تنها گلی که از بوستان "محمد" باقی مانده تا با عطر دلنشین خود دنیا را معطر کند.

و خوشا به حال کسانی که به ملاقات آن سرور نائل شده و قلبشان با دیدار آن مولا منور می‌گردد.

پیامبر اکرم (ص) برای آن عده از کسانی که موفق به دیدار و زندگی با آن حضرت می‌شوند تهنیت گفته و فرموده‌اند خوشا به حال کسانی که او را ببینند.

خوشا به سعادت کسانی که او را دوست بدارند.

و خوشا به حال آنان که به او معتقد باشند، خداوند آنها را از هلاکت نجات بخشد و به سبب اقرار به خدا و نبی مکرّم و امامان معصوم (ع) درهای بهشت را به روی آنها باز می‌کند.

مثل آنها در روی زمین مثل مُشک است که فضا را خوش بو می‌سازد و خود هرگز تغییر نمی‌یابد و مثل آنها در آسمانها مثل ماه تابان است که تابش و درخشش آن هرگز به

تاریکی نمی گراید.<sup>۱</sup>

آری به تاریکی نمی گراید همین آدمی که خداوند آفریدش تا خلیفه او در روی زمین باشد و تمامی آفرینش و موجودات را به خاطر مصلحت و خوشبختی اش در اختیار او قرار داد، ولی همین انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود، چه دردها و رنجها و جنایتها و خیانتها را در طول تاریخ متحمل شده است و انسان که از گذشته تا به حال، روزگاری را به خوشی و شادکامی سپری نکرده و تنها نیروئی که او را سر پا نگه می دارد، رشته امیدی است که به آینده دارد و علی رغم همه ناراحتی ها و مشکلات به آینده ای نیکو، همراه با خوشبختی و سعادت خوش بین است.

و براستی این امید جز نوید الهی که پیام آور آسمانی و پاک آن را به بشر بشارت داده باشد کدام وعده و بشارتی چنین نفوذ و قدرتی خواهد داشت؟.

و آیا به جز وعده الهی و قول پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نویدی در باره آن حجّت بر حق که یگانه ولی زمان است وجود دارد؟ بدون شک خیر.

آری نویدی است دلپذیر، نوید برای آدمی که تازیانه های فقر و ظلم و ستم و طغیان زمان، خسته و ناتوانش ساخته و او را

با قلبی پر اشتیاق و چشمانی در انتظار دعوت می‌کند که با استغاثه و سردادن آه و ناله ظهور هر چه سریع‌تر امام‌زمانش را از خداوند درخواست نماید، تا سامان بخش پریشانی‌ها بیاید، و با پیاده کردن احکام و رهنمودهای الهی، بشریت را به خوشبختی و کامروایی برساند.

و به راستی چگونه این آرزو به وقوع می‌پیوندد؟  
در این رابطه اگر ما شیعیان بخواهیم که همه انسانها زیر یک پرچم قرار گیرند و سلاحهای کشنده برجیده شود و از جنگ دشمنان اسلام و بازیهای خطرناک سیاسی و نظامی ابر قدرتها رهائی یافته و در راه بهتر و پاکتر زیستن قدم برداشته باشیم، باید بدانیم نیاز به یک آمادگی عمومی است.

از جمله باید سطح افکار آنچنان بالا رود که دنیا را یک خانه و بندگان خدا را همچون اهل خانه بدانیم و دلسوز هم باشیم و برای برجیده شدن مرزها که جهان تحت حکومت واحد الهی در آید تلاش کنیم. همراه با هجرت، هجرت به سوی الله، هجرت از نقص به سوی کمال، از جهل به سوی علم، از نواقص به سوی تکامل که خدای سبحان بنده‌اش را به آن سو دعوت می‌کند. پس واجب است انسان هجرت کند و از ظلمت خود را به نور رساند و ما نیز در سایه قانون خدا و انبیاء و اولیاء می‌توانیم از این ظلمتها بیرون آییم.

پس اسلام حرکت و مبارزه را می‌خواهد و بارکود و

خمودی مخالف است و کسی که امروزش مثل دیروزش باشد مغبون است در واقع به دور خود می‌چرخد و سرگردان است، در حالی که در سیر الی الله شروع هجرت، گسستن از عالم طبیعت و متعلقات آن است و در معنا و توحید ختم می‌گردد و ما نیز با پیروی از حق، با مساعدت و تعاون و ایثار و تلاش می‌توانیم به زندگی ایده آل دست یافته و به سعادت برسیم.

و نیز با آمادگی روحی و فکری جهت همکاری در تحقق آن برنامه عظیم، جدا از نفاق و پراکندگی، نیل به زندگی ایده آل امکان پذیر خواهد بود، زیرا چنین تحوّل قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش، متعهد، دلسوز و آگاه و مؤمن به خدا است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات و سعی را در جهان به دوش کشند. چون وضع نابسامان جهان امروز این گونه طلب می‌کند که ما در کنار هم برای رسیدن به آن زندگی برتر تلاش کرده و با شناخت صحیح آن انتخابی را داشته باشیم که به سر منزل مقصود راه یابیم و نیز علاقه انسان به پیشرفت و تکامل به دانائی و زیبائی، به نیکی و عدالت، علاقه‌ای است جاودانی و انتظار ظهور یک مصلح جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است.

زیرا این خبر مسرت بخش را به ما داده اند که سرانجام مصلح بزرگ، جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد، پس باید در انتظار انقلابی باشیم که وسعت و عمق آن بالا

خواهد بود و نیز برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب و پیروزی، مردانی بسیار بزرگ و مصمم و شکست ناپذیر و زنانی پاک و بلند نظر و کاملاً آماده، دارای بینش عمیق لازم است و خود سازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز باید کوشا بود و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را می کشیم.

که انتظار خود بذر انقلاب است، انقلاب برای انسان منتظر که میان دو قطب یأس و امید قرار گرفته که درونش بی تابی و جنبش و در برونش بی قراری و کوشش حاکم است و صبر و استقامت و نگه داشتن سنگر در مقابل دشمنان امری است ضروری، زیرا آنها برای نابودی اسلام قد علم کرده‌اند و برای مرگ و نیستی مسلمانان تلاش می کنند و آنهایی که با ناباوری و یاوه گوئی می کوشند تا وجود تنها سرور و حامی مستضعفان و قلب عالم و کعبه آمال و آرزوی شیفتگان و گرمی بخش قلب مستمندان را در جهان رد کنند و از طرفی منتظر در هنگام نیایش با خدای خود این چنین می گوید.

بارالها ما چشم به راه دوست بخشنده و گرانمایه‌ائی از سوی تو هستیم که با حکومتش اسلام و اسلامیان عزیز و سرفراز و نفاق و منافقان پست و خوار گردند و همگان به توحید و یکتا



پرستی روی آورند و شرک و بت پرستی از جهان بر چیده شود و رجعت به سوی الله تحقق پذیرد و امید ما، ظهور و قیام امامی است که ناگزیر خروج می کند.

او به نام خدا و با برکتهای فراوان قیام خواهد کرد تا در میان ما مردمان، هر حقی را از باطل جدا سازد، ولی آیا آن قدرتهای پوشالی آن تحویل عظیم را باور دارند؟

آیا باور دارند که در آن روز موعود آن یگانه منجی عالم بشریت ظهور کرده و مردم عالم را به نعمتها دلالت و به کفرانها انذار خواهد داد؟

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا  
آیا چشم براهند جز ساعت قیام را، که بیایدشان به ناگاه،  
همانا نشانیهای آن بیامد.<sup>۱</sup>

و آیا براستی چشم براهند آن قدرتهای پوشالی با آن قدرت محدود خود که در مقابل آن قدرت خارق العاده صف آرائی کنند، در حالی که اطمینان داریم حتی لحظه‌ای تاب مقاومت در مقابل عظمت خدا دادی او که امید بیچارگان است نخواهند داشت و همه ناگزیرند که تسلیم امرش باشند.

وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا  
یعنی: همه آنچه در آسمانها و زمین است خواه نا خواه

تسلیم آزاده او هستند.<sup>۱</sup>

در مورد این آیه از محضر امام رضا (ع) سؤال کردند.

حضرت فرمودند:

این آیه در حق قائم ما نازل شده، هنگامی که ظاهر شود آیین مقدس اسلام را به یهود و نصارا، صابئین و ملحدان و مرتد‌ها و کافران جهان عرضه می‌کند، هر کس بپذیرد او را به نماز و زکاة و دیگر تکالیف یک مسلمان فرمان می‌دهد و هر کس امتناع کند گردنش را می‌زند تا در همه شرق و غرب جهان جز موحد باقی نباشد.

زیرا از وعده‌های صریح قرآن کریم و احادیث خاندان عصمت و طهارت می‌توان استفاده کرد که به هنگام ظهور توسط آن یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (ع) تمام حکومت‌های جهان سقوط خواهند کرد و رژیم در روی زمین نخواهد ماند و سر تا سر کره خاکی تبدیل به یک کشور، یک امت، یک حکومت، یک شعار، یک پرچم، یک قانون اساسی خواهد شد و آن حکومت حقه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌باشد و لازمه تحقق این نوید الهی، بنا کردن حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی بر ویرانه‌های کاخ آن ستمگران است. انشاء الله و در مورد جا و مکان حضرت حجت (ع) مفضل از

حضرت امام جعفر صادق (ع) سؤال می‌کند، کجا خواهد بود پایتخت و ...

آن حضرت فرمودند: پایتخت آن حضرت شهر کوفه خواهد بود و مجلس دیوان و حکمش مسجد کوفه و محل جمع بیت المال و قسمت غنیمت‌ها مسجد سهله و موضع خلوتش نجف اشرف و جمیع مؤمنان در کوفه و یا حوالی کوفه و یا دلش مایل به کوفه باشد و قصرهای کوفه به کربلای معلی متصل گردد و حق تعالی کربلا را پناه و جایگاه گرداند که پیوسته محل آمد و شد ملائکه و مؤمنان باشد. حق تعالی آن زمین مقدس را بسیار بلند مرتبه گرداند و چندان از برکات و رحمتها در آن قرار دهد که اگر مؤمنی در آنجا بایستد و خدا را بخواند، هر آینه به یک دعا مثل آن هزار مرتبه ملک دنیا به او کرامت فرماید.

پس امام جعفر صادق (ع) آهی کشیدند و فرمودند:

ای مُفَضَّلُ به درستی که بقعه‌های زمین با یکدیگر مفاخرت کردند پس کعبه معظمه بر کربلای معلی فخر کرد. حق تعالی وحی کرد به کعبه که ساکت شو و فخر بر کربلا مکن به درستی که آن بقعه مبارک‌های است که در آنجا ندای اِنِّی اَنَا اللّٰهُ از شجره مبارک که به حضرت موسی رسید و آن همان مکان بلند است که حضرت مریم و فرزندش عیسی را در آن جای دادم و در همان موضع حضرت مریم، عیسی روح اللّٰه را در موقع ولادت غسل داد و خود در آنجا غسل کرد.

و آن همان مکان مقدّسی است که سر مبارک امام حسین را بعد از شهادت شستند و حضرت رسول از آنجا عروج نموده و خیر و رحمت بی‌پایان برای شیعیان ما در آنجا مهیا است تا ظاهر شدن حضرت قائم آل محمد.

مُفَضَّلُ گفت ای سید من، پس حضرت صاحب الامر دیگر به کجا متوجه خواهد شد؟

فرمود: به سوی مدینه جدّم رسول خدا (ص) و چون وارد مدینه شود امری عجیب از او به ظهور خواهد آمد، زیرا در آن دیار حجّت خدا موجب شادی مؤمنان و خواری کافران خواهد شد.<sup>۱</sup>

آری آن روز موعود حجّت خدا موجب شادی مؤمنان و خواری کافران خواهد شد زیرا روز برداشت محصول اعمال است و در آن روز مبارک کسانی که در صراط مستقیم راه پیموده، عاقبت به خیر خواهند شد.

أَيُّهَا النَّاسُ: أَيُّنَ تَذْهَبُونَ، وَ أَيُّنَ يُرَادُ بِكُمْ؟ بِنَا هَدَى اللَّهُ أَوْلَكُمْ وَ بِنَا يَحْتِمُ آخِرَكُمْ، فَإِنْ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعَجَّلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكَاً مُوَجَّلاً وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ لَنَا أَهْلُ الْعَاقِبَةِ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

هان ای مردم کجا می‌روید، کجا برده می‌شوید؟ خداوند

اول شما را به دست ما هدایت نمود و آخر شما را به دست ما به انجام می‌رساند، اگر شما دولت زود گذر دارید دولت پایدار از آن ما است. پس از دولت ما دیگر دولتی نیست، زیرا ما اهل عاقبت هستیم و خدای تبارک و تعالی می‌فرماید " وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ " عاقبت از آن پرهیزگاران است.<sup>۱</sup>

و در همین رابطه امام کاظم (ع) می‌فرماید:

خوشا به حال شیعیان که در دوران غیبت قائم، به دوستی ما چنگ می‌زنند و در ولایت ما ثابت و استوار می‌مانند و از دشمنان ما برائت و بیزاری ابراز می‌کنند، آنان از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم. آنها ما را به امامت پذیرفتند و ما آنها را به عنوان شیعه پذیرفته‌ایم.

خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها

به خدا سوگند که آنها در روز قیامت با ما و در ردیف ما

هستند.<sup>۲</sup>

آری براستی خوشا به حال تشنگان راه حق، زیرا بی نیاز

خواهند شد.

خوشا به حال پاکدلان زیرا خداوند آنها را عزت خواهد

بخشید.

۱ - الملاحم و الفتن ص ۹۵

۲ - ینابیع الموده ج ۳ ص ۷۷

خوشا به حال کسانی که در راه حق و آزادی، آزار و شکنجه می‌شوند زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان خواهد گشت. و خوشا به حال متقین زیرا پاداش ایشان در جهان عظیم است و عنایت و رحمت خدا شامل حالشان می‌شود.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ  
فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ

زمانی که قائم ما اهل بیت قیام کند دستش را روی سر مردم نهد، پس به عقل‌هایشان کمال و به فکرهایشان رشد بخشد.<sup>۱</sup>

یعنی با آن که عقل اشرف مخلوقات الهی و نور مقدسی است که عامل نیل به بهشت جاودان است، در عین حال در سیطره امام عصر علیه السلام بوده و به فرمان او ایجاد می‌شود و حال بنگرید، کسی که بر نور عقل اینگونه حکومت و ولایت دارد بر سایر جهان و مخلوقات عالم چه ولایتی خواهد داشت؟  
مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه از حضرت صادق (ع) نقل کرده که فرمودند:

تمام انبیاء و مرسلین، بیش از دو حرف از علم را بیان نکردند و امام زمان علیه السلام که ظهور بفرماید، بیست و پنج حرف از علم را خواهد گفت و مهمتر از آن این که وقتی حضرت

حجّت علیه السّلام می آید، دست روی سرها می گذارد و هر یک از کسانی که باید به بیست و پنج حرف علم برسند، قدرت تعقل چهل نفر را پیدا می کنند.<sup>۱</sup>

و نیز مرویست مردم خوشبخت آن زمان از نظر مادی غنی خواهند شد از جمله:

وَيَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ عَطَاوَةً هَنِيئًا

به هنگام فترت زمان و فتنه‌های دوران، مردی به نام مهدی (عج) ظهور می کند که عطایای او دلچسب و گوارا است.<sup>۲</sup>

در آن هنگام زمین گنجینه‌های خود را برای او آشکار می سازد و برکت‌هایش را بیرون می فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی کند، زیرا بی نیازی مؤمنان را زیر پر می گیرد.<sup>۳</sup>

و در آن هنگام حتی پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی کنند و چشمه‌سارها سرازیر می شوند و زمین چندین برابر محصول خود می رویاند و نیز شادی

۱ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶

۲ - الحاوی للفتاوی جلد ۲ ص ۱۳۳

۳ - الزام الناصب ص ۱۳۹ و ۲۲۲

و شادمانی برای همه آن انسان‌های دربندی که طعم تلخ دوران سرگردانی و فقر و ناامنی و گرفتاری موجود در زندگی را چشیده‌اند، در دوران سلطنت آن سرور خوشبختی به معنای واقعی تجربه خواهد شد و در واقع اهل زمین و آسمان و حتی اهل آن دنیا از ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت شاد خواهند گشت از جمله مروی است:

وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مِّمَّتْ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ

هیچ مؤمنی از مؤمنان در گذشته نمی‌ماند جز این که

شادی و فرح در داخل قبر به او رسیده او را شادمان سازد.<sup>۱</sup>

و طبق احادیث و روایات مدت سلطنت آن سرور

مشخص نیست و در همین رابطه مُفَضَّل از امام صادق (ع)

می‌پرسد، مدت سلطنت آن حضرت چقدر خواهد بود؟

امام صادق (ع) می‌فرماید:

بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مُلْكٌ لَا يَنْفَدُ، وَ حُكْمٌ لَا يَنْفَطِعُ، وَ أَمْرٌ

لَا يَبْطُلُ إِلَّا بِأَخْتَارِ اللَّهِ وَ مَشِيَّتِهِ وَ إِرَادَتِهِ، الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، ثُمَّ الْقِيَامَةُ

بلکه آن سلطنت دائمی و حکومت جاوید است که هرگز

سقوط نمی‌کند فرمانروائی ابدی است که جز با اراده و مشیت

حضرت احدیت پایان نپذیرد و مدت آن را جز خدای تبارک و



تعالی نمی‌داند.<sup>۱</sup>

سید بن طاووس از کتاب جعفر بن محمد کوفی نقل می‌کند که با اسناد خود از حمران نقل کرده که اگر عمر دنیا صد هزار سال است از این مدت بیست هزار سال سهم دیگران و هشتاد هزار سال سهم آل محمد علیهم السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

و طبق اخبار پس از ظهور به مدت سه روز به مردم جهان فرصت داده و عنایت خواهد شد تا در مقابل امر حق تعالی تسلیم شده و اهل نجات شوند و بعد از سه روز اتمام حجّت، آن سرور به مدت هشت ماه با یک نبرد بی‌امان ریشه کفر و الحاد را می‌سوزاند و بالاخره پس از نابودی باطل، جنگ و ستیز پایان خواهد گرفت و بعد از آن هیچ نیازی به اعمال زور نخواهد بود و ریشه طمع و حسد و کینه توزیها نابود و آرامش و آسایش در جهان حکمفرما و عدالت بر سر تا سر جهان سایه می‌گسترده و نشانی از فقر و جهل و ستم نمی‌ماند و در میان مردم آن زمان به جز پاکی و تقوی و صلح و آرامش، برادری و برابری دیده نمی‌شود و حکومت نمونه و ایده‌آل در سراسر عالم مستقر شده و جای کوچکترین اضطراب و تشویش باقی نخواهد ماند و همگان در اطاعت و بندگی خداوند گرد آیند.

۱ - بحارالانوار ج ۵۳ ص ۳۴

۲ - بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۱۶

و امیر مؤمنان در مورد آن روز پرشکوه و برنامه جهانی آن مهر تابان می‌فرماید:

هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا، يَظْهَرُ عِنْدَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ،  
فَيَطَّهِّرُ الْأَرْضَ وَيَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدًا أَحَدًا

او همان خورشیدی است که از مغرب طلوع خواهد کرد، در میان رکن و مقام ظاهر می‌شود و میزان عدالت را می‌گسترده، دیگر کسی به کسی ستم نمی‌کند.<sup>۱</sup>

آری حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در آن روز موعود با رژیم‌های ستمگر مبارزه کرده و از هیچ ابر قدرتی هراس نخواهد داشت و از هیچ قدرت مادی استفاده نمی‌کند و او با قدرت الهی که خدای تبارک و تعالی در اختیارش گذاشته قیام خود را دنبال خواهد کرد تا مرز پیروزی، تا مرز رهائی انسانهای دربند، و آن روز مبارک را یوم الله، یوم الخروج، یوم الخلاص، یوم الفتح، روز رهائی و روز پیروزی گویند و در آن روز ارزشهای انسانی را حاکم ساخته و معیارهای واقعی را زنده می‌گرداند و زمین را از ستمگران و جنایت پیشگان پاکیزه می‌سازد.

و برآستی آن روز موعود بر همه مستضعفان جهان مبارک باد که حق و باطل از هم جدا می‌شوند و عدالت برقرار می‌گردد.

امام هادی علیه السلام می فرماید:

هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيَتِمُّ النَّعْمَ، وَيُحِقُّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَ  
يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَهُوَ مَهْدِيُّكُمْ الْمُنْتَظَرُ، ثُمَّ قَرَأَ: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ، وَ  
قَالَ: هُوَ وَاللَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ

او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند، نعمتها را کامل می سازد، خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می کند. او مهدی منتظر شما است، آن گاه این آیه را تلاوت کرد:

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ

سپس فرمود به خدا سوگند بقیة الله (تنها بازمانده از حجتهای الهی) اوست.<sup>۱</sup>

آری همان کسی که امید است بیاید برای واژگون کردن کاخ ستم و برپا داشتن آشیانه عدل و داد و خداوند به وسیله او از امت رفع گرفتاری کرده و دلهای بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد و به وسیله او دروغ و دروغگوئی نابود و روح درندگی و ستیزه جوئی از بین رفته و ذلت بردگی برای همیشه از گردن انسانهای محروم و مظلوم برداشته می شود و در همین رابطه در تورات می خوانیم: در کتاب اشعیا نبی باب دوم بندهای ۲ و ۴ نقل شده.

و در ایام آخر واقع خواهد شد تا جمیع امت‌ها را داوری کند و قوم‌های بسیاری را تنبیه کرده و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.

و در کتاب اشعیاء نبی در باب یازدهم بند ۴-۶ نقل

شده.

بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین را به راستی حکم می‌کند و کمر بند کمرش عدالت و کمر بند میانش امانت خواهد بود و در زمان او گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند.

به امید آن روز باشکوه که در پرتو آن عزت دنیا و آخرت شامل حال انسانهای در بند و مسلمانان جهان گردد.  
انشاء الله

و مرویست چون روز موعود فرا رسد و امر قیام امضاء شود، در شب جمعه منبرهائی از نور در آسمان اول گذاشته می‌شود و وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان، امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهداء علیهم السّلام بر آن منبرها صعود کرده و از خدای تبارک و تعالی امر قیام را مسئلت می‌نمایند و خداوند دعای آنها را اجابت می‌فرماید.

و شرح این شب ملکوتی و روحانی را امام صادق علیه

السَّلَام این چنین می‌فرماید:

چون شب جمعه شود خداوند بزرگ، فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد، هنگامی که صبح طلوع کرد منبرهائی از نور در کنار "بیتُ الْمَعْمُور" نصب می‌کند که وجود مقدس رسول اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاٰمِرٍ مُّؤْمِنَان و امام حسن و امام حسین عَلَیْهِمُ السَّلَام بر فراز آنها قرار می‌گیرند و در اطراف آنها ملائکه و ارواح مقدسهٔ پیامبران اجتماع می‌کنند پس درهای آسمان گشوده می‌شود، چون خورشید به زوال برسد نبی مکرم (ص) عرض می‌کند:

خداوندان نزدیک گردان آن وعده‌ای را که در قرآنت داده‌ای به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل نیکو دارند، این که آنها را جانشینان زمین گردانی به حکومت ولی عصر (ع) پس ملائکه و پیامبران نیز دعا می‌کنند.

سپس رسول اکرم، امیر مؤمنان، امام حسن و امام حسین عَلَیْهِمُ السَّلَام سجده می‌نمایند و می‌گویند خدایا غضب نما بر کسانی که هتک حرمت تو را نمودند و بنده‌های پسندیدهٔ ترا کشتند و بندگان نیکوکار ترا خوار کردند.

آنگاه خداوند مشیت بالغه‌اش را اجرا می‌سازد که آن

روز، روز موعود است.<sup>۱</sup>

روز موعود، روز پیروزی حق بر باطل، روزی که جهان به دست قائم آل محمد (ع) فتح می‌گردد.

آری در روز موعود حجت خدا در کنار خانه خدا با سپاه خدا، به فرمان خدا، برای اجرای فرامین خدا، قیام می‌کند و جهان را از پلیدی شرک و الحاد پاک خواهد ساخت و ما نیز از خداوند مهربان خواهانیم که هر چه زودتر ردای ظهور به قامت ولی‌اش بپوشاند و او را از زندان غیبت رهائی بخشد و تیرگی شرک و الحاد را از چهره گیتی بزدايد.

و حال خداوند از تو می‌خواهیم که سلام و صلوات بی‌کران ما را بر آن مولا برسانی.

آری همان مولائی که بر ولایت و اطاعتش پیمان گرفتی تا به وسیله او که گرامیترین عزیزان است زحمات تمام پیامبران و امامان علیهم السلام به ثمر رسد و اهداف و آرزوی همه رهبران آسمانی که برقراری حق و عدل و برابری و برادری، به دور از شرک و ظلم و ستم است در قلمرو حکومت "الله" و سرشار از عدالت و پاکی، صفا و صمیمیت تحقق پذیرد و خلاصه نشانی از غیر خدا باقی نماند.

به امید آنروز با شکوه که حضرت اسرافیل فرشته مقرب خدا در صور بدمد و نوید آزادی را به گوش جهانیان برساند.  
انشاء الله

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمٌ مِّنْذِ يَوْمٍ عَسِيرٍ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ

پس آن گاه که در صور دمیده شود (هنگام قیامت) آنروز بسیار روز سختی است، کافران را هیچ گونه در آن راحت و آسایش نیست.<sup>۱</sup>

امام جعفر صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال " فاذا نقر فی الناقور . . . . می فرماید:

وقتی که در گوش " قائم " اذن و اجازه قیامت ندا داده شود، پس قیام کند و آن روز بر کافران سخت باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پاره‌ای از قرآن، امثال (اشارات و کنایات) است و ما آن را می‌دانیم و غیر ما آن را نداند.<sup>۲</sup>

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا اِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ  
بگو روز پیروزی و فتح، کسانی را که کفر ورزیدند، ایمان آوردن سودی نبخشد و به آنان مهلت داده نخواهد شد.

و امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند متعال درباره این آیه و یوم الفتح می فرماید:

" روز فتح " روزی است که دنیا بر " قائم " گشوده می‌شود (به تسخیر او در می‌آید) و کسانی را که قبل از آن مؤمن نبوده‌اند نزدیک شدن به ایمان سودی نبخشد و به آنان مهلت

۱ - سوره مدثر آیات ۸ تا ۱۰

۲ - ینابیع الموده ص ۵۱۵

داده نخواهد شد.

و اما کسی که قبل از فتح به امامت او یقین داشته و منتظر قیام او بوده است ایمانش باعث نجات و خداوند قدر و شأن وی را بزرگ گرداند و این پاداش دوستداران و پذیرندگان ولایت اهل بیت است.

و حال ای امام زمان و ای امید بیچارگان، از خدای سبحان خواهانیم تا در فرج شما تعجیل نماید و آن روز موعود را هر چه زودتر برساند که فرج ما و همه ستمدیدگان جهان به ظهور شما بستگی دارد و امید داریم در عصر سرگردانی ما منتظران آن روز مبارک و دولت مسعود را درک کرده و توفیق خدمت در حکومت عدل الهی نصیبمان گردد که بامداد امید نزدیک است و فجر امید آماده دمیدن، انشاء الله.

و نیز وجود مقدس آقا امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد روزهای اول ظهور حضرت حجّت علیه السلام می فرماید:

گویا می بینم فرزندم مهدی در ساعات اول ظهورش سوار بر مرکب از ناحیه وادی السلام به طرف مسجد سهله در حالی که نور از پیشانی‌اش می درخشد در حرکت است و این دعا را می خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ صِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَ رِقًا اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ وَحِيدٌ وَ مُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنَيْدٍ، أَنْتَ كُنْفَى حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ وَ تُضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبْتُ.



اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتَ غَنِيًّا عَنِّي خَلَقْتَنِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ  
 الْمَغْلُوبِينَ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنَ مَوَاضِعِهَا وَ مُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنَ  
 مَعَادِنِهَا وَيَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِشُجُوخِ الرَّقْعَةِ فَأَوْلِيَاوُهُ بِعِزَّتِهِ يَتَعَزَّزُونَ  
 يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ  
 خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ  
 مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي  
 أَمْرِي وَ تُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَ تَكْفِينِي وَ تُعَافِينِي وَ تَقْضِيَ حَوَائِجِي  
 السَّاعَةَ، السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ، اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خدائی جز او که حقاً آفریننده همه عالم هستی است،

وجود ندارد.

آری او بر حق است، از روی ایمان و صادقانه به  
 خداوندی او اعتراف می‌کنم، و در کمال عبودیت و بندگی او را  
 می‌ستایم، خداوندا، تو عزت دهنده هر مؤمن بی‌یار و تنهائی و  
 خوار کننده هر ستمگر سرکشی.

بار خدایا تنها پشت و پناه من هنگام هجوم اجانب و حمله  
 ستمگران تویی.

آری، در وقتی که کره زمین با این وسعت بر من تنگ  
 می‌شود، یار منحصر به فرد من تو هستی.

خداوندا "تو مرا آفریدی در حالی که نیازی به آفرینش  
 من نداشتی و اگر نصرت و یاریهای ذات مقدس تو نبود، مغلوب  
 حوادث می‌شدم، ای کسی که رحمت بی‌نهایت خود را از مرکز

آن به تمام عالم وجود منتشر می‌سازی و برکات خود را از مرکز آن خارج می‌کنی و در اختیار بندگانت قرار می‌دهی. ای خداوندی که عظمت را مخصوص به ذات پاک خود قرار دادی، بنابراین عزت اولیاء الهی از عزت تو سرچشمه می‌گیرد ای آفریننده‌ای که پادشاهان در مقابل قدرت تو، خود را خوار و ذلیل می‌بینند و از توانائی و قدرت زوال ناپذیرت هراسناکند.

تو را بدان اسمی که همه مخلوقات و موجودات عالم هستی را به وسیله آن آفریدی می‌خوانم و همه آنها در مقابل ذات پاک تو اعتراف و اقرار دارند.

از پیشگاه مقدس تو استدعا می‌کنم که به روان تابناک جدم و خاندان عزیزش سلام و درود فرستی و امر قیام مرا روا کرده و در ظهورم تعجیل فرمائی و امور مرا خود کفایت کنی و در تمام ابعاد، عافیت نصیبم گردانی و خواسته‌های مرا برآورده نمائی.

البته در همین ساعت. آری در همین ساعت.

و در همین شب، آری در همین شب، می‌دانم که ذات پاک تو به هر کاری تواناست.<sup>۱</sup>

سپس آن حضرت دست به دعا بلند می‌کند و آنقدر به

درگاه خداوند می‌نالد که غش کرده روی زمین می‌افتد چنانکه خداوند می‌فرماید:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ  
خُلَفَاءَ الْأَرْضِ، أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ، قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد و شما مسلمانان را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست!

نه هرگز،

اما اندک مردمی متذکر این حقیقتند.

از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود:

این آیه درباره قائم آل محمد (ع) نازل شده، به خدا قسم مضطرّ اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم (ع) بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف نماید و آنها را در زمین خلیفه خود گرداند.

و امام محمد باقر (ع) در همین رابطه می‌فرماید:

آیه " اَمَّنْ يُجِيبُ " درباره قائم ما نازل شده هنگامی که قیام می‌کند عمامه بر سر می‌نهد و جنب مقام ابراهیم نماز می‌گذارد و به درگاه الهی تضرع می‌نماید و از آن موقع پرچم او در اهتزاز خواهد بود.

از امام صادق (ع) روایت است که نزدیک به ظهور

شمشیر آنحضرت به خودی خود از غلاف بیرون می‌آید و به زبان فصیح عرض می‌کند:

خروج کن یا حجّت الله و بکش دشمنانت را یا ولی الله<sup>۱</sup>  
و از امام محمد باقر (ع) روایت شده که فرموده‌اند:

مهدی ما در وقت عشاء در حالی که پرچم رسول خدا (ص) در دست آن سرور و پیراهن و شمشیر آن بزرگوار همراهش و نیز نشانه‌هائی همچون درخشندگی جمال خاتم و قدرت بیان و سخن گفتن آن سرور، وی را همراهی می‌کند و پس از خواندن نماز عشاء با صدای بلند فریاد می‌زند و می‌گوید ای مردم عالم، خداوند پیام خود را بوسیله پیامبران بر شما ارسال داشته و حال شما را به یگانگی خدا و دوری از شرک و در طاعت و فرمانبرداری از خود و پیامبرش و آنچه را که قرآن زنده نموده است دعوت می‌کنم و آنچه را که قرآن آن را دشمن می‌دارد شما نیز آن را نابود کنید، یار و مدد کار باشید و تقوی و پرهیزکاری را نگهبان و بدانید دنیا رو به زوال و در حال وداع با همگان است و من شما را به پنج اصل حیاتی دعوت می‌کنم:

۱ - ایمان به خداوند بزرگ و اطاعت از دستوراتش

۲ - اعتقاد به رسول اکرم و فرمانبرداری از آن حضرت

که درود خدا بر او باد

- ۳ - عمل کردن به قرآن و احکام سعادت بخش آن  
 ۴ - نابود ساختن باطل و مبارزه با آن  
 ۵ - زنده کردن سنت‌های از بین رفته اسلامی و بازگرداندن آنها به جای اولیّه خود<sup>۱</sup>

به امید رسیدن به این آرزو و هدف مقدّس و درک حکومت دادگسترش در سراسر جهان هستی، انشاءالله.

و در آن روز موعود خداوند حضرت مهدی (ع) را بر همه ادیان و مذاهب غالب می‌کند و به قول خدای سبحان

**نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ**

را به فتح حضرت مهدی (ع) تأویل نموده است

روایت است که حضرت مهدی (ع) از مکه ظاهر می‌شود.

در حالی که پرچم و شمشیر، پیراهن و زره و برد، کمان و زین اسب پیامبر در نزد ایشان خواهد بود و عصای موسی و انگشتر سلیمان و تابوت سکینه، تابوت آدم و زبور داود به وسیله فرشتگان از دریاچه طبریّه در فلسطین بیرون آورده می‌شود.

إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ كُتُبًا مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةٍ، وَيَسْتَخْرِجُ الزَّبُورَ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةٍ، فِيهَا مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فِيهَا الْأَلْوَاخُ وَ عَصَا مُوسَى

مهدی (عج) کتابهایی را از غار انطاکیه، و زبور را از

دریاچه طبریّه در فلسطین بیرون می آورد. که از میراث های آل موسی و آل هارون و الواح و عصای موسی در آنجاست که آنها را فرشتگان حمل می کنند.<sup>۱</sup>

و آن میراث ها در بیت المقدّس در مقابل حضرت مهدی گذاشته خواهد شد و نیز دیگر مواریت انبیاء در اختیار آن حضرت خواهد بود و سلاح های مدرن توأم با سلاح ایمان و همراه با تابوت سکینه در برابر بمب های اتمی و هیدروژنی و نیتروژنی می ایستد و بر همه آنها فائق می آید و حماسه های می آفریند و اما در مورد تابوت سکینه می توان گفت که یکی از اسرار الهی است و درباره آن گفته اند که آن را به هر شهری بفرستد تمام شهر را طعمه حریق می سازد و به طرف هر کشوری آن را ارسال کند آن کشور را از صفحه تاریخ بر می دارد درست همچون بمب های اتمی و نیدروژنی و نیتروژنی امروز و حتی قوی تر از آنها و بدین سان خداوند حجّت خود را با عصای موسی و تابوت سکینه مجهز ساخته که دیگر تسلیحات قرن حاضر در برابر آنها از هر واکنشی ناتوان است و نیز آن حضرت خاتم سلیمان را به همراه دارد روی هر کس که بگذارد می نویسد بر روی آن کافر و یا مؤمن و در واقع نقشی که حاکی بر کفر و ایمان فرد تلقی شود حک می گردد و حسرت کافر در آن زمان

بی شمار است .

و نیز کمان و زین اسب و عصای موسی که به رود نیل زد و خشک شد در زمان حضرت مهدی (ع) با زدن آن به سنگ، دوازده چشمه جاری خواهد شد که حضرت با آن میراث‌ها از مدینه خارج و به سوی مکه رهسپار می‌شود و آن گاه

يَظْهَرُ وَحْدَهُ، وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَحْدَهُ، وَيَلِجُ الْكَعْبَةَ وَحْدَهُ وَ  
يَجْنُ اللَّيْلَ عَلَيْهِ وَحْدَهُ، فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَسَقَ اللَّيْلَ نَزَلَ إِلَيْهِ  
جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: يَا سَيِّدِي  
قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ، فَيَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ يَقُولُ:  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَ عَدَدَهُ، وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبُوا مِنْ  
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ثُمَّ يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ  
فَيَصْرُخُ قَائِلًا يَا مَعَاشِرَ نُقَبَائِي، وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ دَخَرَهُمُ اللَّهُ  
لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ: ائْتُونِي طَائِعِينَ.. فَتَرُدُّ  
الصَّحَّةَ عَلَيْهِمْ وَ فِي تَحَارِسِهِمْ وَ عَلَى فُرْسِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ  
غَرْبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَيِّجَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِيئُونَ  
نَحْوَهَا، وَ لَا يَمْضِي إِلَّا كَلِمَةَ بَصْرٍ حَتَّى يَكُونُوا كُلُّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ  
تَكُونُ هَذَا قُبَيْلُ طُلُوعِ الشَّمْسِ "

به تنهایی ظاهر می‌شود و به تنهایی به مسجد الحرام می‌آید. به تنهایی وارد کعبه می‌شود، در حال تنهایی شب را سپری می‌کند و چون پاسی از شب گذشت و چشمها در خواب

فرو رفت، جبرئیل و میکائیل و فرشتگان در حالی که صف کشیده‌اند بر او فرود می‌آیند.

جبرئیل علیه السّلام عرض می‌کند:

ای سرور من، فرمان تو مطاع و امر تو نافذ است.

آنگاه حضرت بقیّة‌الله روحی فداه دست مبارکش را به

صورتش می‌کشد و می‌گوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ

حَيْثُ نِشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.

سپاس و ستایش شایسته خداوندی است که وعده‌اش را

در حقّ ما عملی ساخت و زمین را به ما ارث داد، در هر کجای

بهشت بخواهیم مسکن می‌گزینیم، چقدر زیباست پاداش عمل

کنندگان<sup>۱</sup>.

آن گاه در میان رکن و مقام می‌ایستد و با صدای

دلربایش یاران خود را در اقطار و اکناف جهان مخاطب قرار داده

می‌فرماید:

ای یاران و نزدیکان من، ای کسانی که خداوند شما را

پیش از ظهور من برای یاری من در روی زمین مهیّا فرموده است،

در حالی که فرمان می‌برید به سوی من بشتابید.

آنها که در شرق و غرب جهان در محراب و یا در



رختخواب خود هستند، بانگ امام را می‌شنوند، همین یک بار صدا به گوش همه آنها می‌رسد و همگی به سوی او می‌شتابند، چیزی نمی‌گذرد مگر به مقدار چشم بر هم زدنی، همگی در نزد او گرد آیند و این اجتماع پر شکوه اندکی پیش از طلوع خورشید اتفاق می‌افتد.<sup>۱</sup>

آری یاران باوفای آن حضرت در زمان کوتاهی به او که امید عالم است می‌پیوندند و نوری از زمین تا آسمان ستون وار کشیده شود و به آن نور همه مؤمنین که در روی زمین هستند روشنائی گیرند و دلهای آنان به آن نور شاد و خرسند شود. مروی است هنگامی که تنها بازمانده از حجتهای پروردگار حضرت ولی عصر صاحب الزمان (ع) در کنار کعبه قرار گرفت، صدای جبرئیل در میان زمین و آسمان به گوش جهانیان می‌رسد و اهل عالم را از ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت آگاه می‌سازد و نغمه آسمانی آن فرشته مقرب خدا که بالای سر آن سرور بانگ بر می‌آورد.

هَذَا خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ

او جانشین خداست از او پیروی کنید.<sup>۲</sup>

و در این رابطه سرور شهیدان آقا ابا عبد الله الحسین (ع)

۱- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷

۲- تاریخ ما بعد الظهور ص ۵۴۷

می‌فرماید:

در آن روز منادی آسمانی به نام مهدی صدا می‌زند، هیچ خفته‌ای نمی‌ماند جز اینکه بیدار می‌شود، هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند جز اینکه می‌نشیند، هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند جز اینکه روی دو پایش می‌ایستد، زیرا همه، دچار وحشت و اضطراب می‌شوند، درود خدا بر کسی که آن صدا را بشنود و پاسخ دهد که آن صدای جبرئیل امین است.<sup>۱</sup>

و در آن روز مبارک نخستین نغمه‌ای که از آقا امام زمان (ع) به گوش جهانیان می‌رسد این نغمه روحبخش است.

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

بَقِيَّةُ اللَّهِ بهتر است برای شما اگر مؤمن باشید.<sup>۲</sup>

آنگاه آن حضرت می‌فرماید:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ

من بَقِيَّةُ اللَّهِ، حُجَّةُ اللَّهِ و خَلِيفَةُ اللَّهِ در میان شما هستم.<sup>۳</sup>

آنگاه احدی بر او سلام نمی‌کند جز این که می‌گوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

سلام بر تو ای جانشین خدا در روی زمین

۱ - منتخب الاثر ص ۴۴۸

۲ - سوره مومنون آیه ۸۶

۳ - يوم الخلاص ص ۳۰۴

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ

سلام بر تو ای میثاق الهی که خدا بر ولایت و طاعتت پیمان گرفت و آن را محکم و موکد فرمود.<sup>۱</sup>

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى

سلام بر تو در شب تاریک و روز روشن.<sup>۲</sup>

آری سلام ما بر آن سرور در آن لحظه پر شکوه که دست مبارکش را می‌گشاید و می‌فرماید، این دست خداست، از خداست و به فرمان خداست و آنگاه این آیه را تلاوت می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ

آنان که با تو بیعت می‌کنند به راستی با خدا بیعت می‌کنند و دست خدا بالای دستهای آنهاست و هر کسی پیمان شکنی کند به ضرر خویش پیمان شکنی کرده است.<sup>۳</sup>

و در آن روز موعود اولین کسی که با حضرت مهدی (ع) بیعت می‌کند حضرت جبرئیل (ع) می‌باشد. و آن فرشته مقرب خدا در بیعت دست خود را به دست مبارک آن حضرت می‌مالد و به صورت پرنده سفید که یک پای خود را در مکه و پای

۱ - آل یاسین

۲ - آل یاسین

۳ - سوره فتح آیه ۱۰

دیگرش را در بیت المقدس گذاشته با صدای روشن و فصیح ندا می کند که همه مردمان می شنوند:

أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ

امر خدا فرا رسید دیگر شتاب نکنید که انتقام می گیرد از کافران و بر محرومان و مستضعفان از پدر مهربان تر است که حضرت پناه آنها خواهد بود ولی بر مستکبران هیچ پناهگاهی نخواهد بود.

و در آن روز صدای دیگر از سوی قرص خورشید شنیده می شود که همه مخلوقات در آسمانها و زمین آن را می شنوند، بانگ می زند:

هَذَا مَهْدَى آلِ مُحَمَّدٍ (ص) بَايِعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ

یعنی: این مهدی آل محمد (ص) است با او بیعت کنید و از فرمان او سر پیچی نکنید.

و امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) نیز می فرماید:

يَظْهَرُ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ تُشِيرُ: هَذَا، هَذَا

دستی از آسمان ظاهر شده، به سوی او اشاره می کند که اینست، اینست.<sup>۱</sup>

پر واضح است که این دست به سوی آن مهر تابان و قبله خوبان اشاره خواهد کرد و آفتاب عالمتاب امامت را به شیفتگان

حقیقت و عدالت نشان خواهد داد. و در برخی از احادیث آمده که وقت ظهور این دست در آسمان (عهد سفیانی) تعیین شده، که پس از وقوع جنگهای خانمانسوز و فتنه‌های فراگیر، و پس از صیحهٔ آسمانی در پیشقدم ظهور آن کعبهٔ مقصود، آن دست ظاهر خواهد شد. انشاء الله

و نیز در آن روز باشکوه یاران حضرت که شماره آنها ۳۱۳ نفر به اندازهٔ اصحاب پیامبر در جنگ بدر از فرزندان عجم در مکه حاضر خواهند شد، بدون این که از ابزار مادی استفاده کرده باشند بلکه آنها پس از شنیدن صدای مبارک آقا امام زمان (ع)، به اذن پروردگار عالمیان بر ابرها سوار شده و در روز روشن در برابر دیدگان مردم در فضا گام برداشته و خودشان را به آن حضرت خواهند رساند و این حرکت و قیام با چنان ابهتی آغاز می‌شود که در نقطه آغازش جهان را به لرزه در خواهد آورد.

آری در همان نخستین لحظه‌ای که میان آسمان و زمین بانگ جبرئیل امین بلند شود، که ای اهل عالم بشارت، بشارت (مهدی قائم آل محمد) ظهور کرده، این فریاد فضای بین زمین و آسمان را پر کرده و هر انسانی که در روی زمین باشد آن را می‌شنود، صدائی که طنین انداز خواهد بود و از شش جهت انسان را فرا می‌گیرد.

امید است که صدای روح افزای جبرئیل امین در جای

جای جهان طنین اندازد و دل‌های عاشقان را به سوی آن کعبه مقصود و قبله موعود جلب نماید.

و خوشا به سعادت آن کسانی که به ندای آن فرشته مقرب خدا حضرت جبرئیل علیه السلام لبیک می‌گویند، زیرا بانگ دیگری از زمین در آخر همان روز از جانب شیطان خواهد بود:

لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسَ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ النَّهَارِ يُشَكِّكُ النَّاسَ

شیطان آنها را ترک نمی‌کند بلکه در آخر همان روز بانگی بر آورده، آنها را دچار شک و تردید می‌کند.<sup>۱</sup>

و در همین رابطه یکی از یاران امام صادق (ع) در خدمت آن حضرت عرض کرد ما در شگفتیم که پس از خَسَفِ لشگر سفیانی در بیداء و بانگ آسمانی و عجایب دیگر چگونه ممکن است گروهی پیدا شده که روی در روی حضرت قائم بایستند؟

فرمود: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ الْعَقَبَةِ

شیطان آنها را فروگذار نمی‌کند و بر آنها بانگ می‌زند چنان که در روز عقبه برای رسول اکرم (ص) بانگ زد.<sup>۲</sup> و در واقع این بانگ آخرین دام شیطان برای فریب دادن

۱- بحار الانوار جلد ۵۲ ص ۲۰۵

۲- غیبت نعمانی ص ۱۴۱

مردم ناآگاه و ضعیف الایمان است. آن روز شیطان آخرین تیر خود را بر کمان نهاده و قلب مسلمانان ضعیف العقیده را هدف قرار می‌دهد و برای فریب دادن مردم حیران و سرگردان از هیچ طرح و حيله و نقشه‌ای غفلت نمی‌ورزد، زیرا می‌داند عمرش به آخر رسیده.

آری، عمر شیطان که تا وقت معلوم به او مهلت داده شده بود با ظهور حضرت مهدی (ع) به پایان خواهد رسید و در همین رابطه حضرت رضا (ع) می‌فرماید:

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

و آن روز قیام قائم آل محمد (ع) است.

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

خدا فرمود: تو را مهلت خواهد بود تا به وقت معین و روز

معلوم.<sup>۱</sup>

مروی است، هر گاه خداوند قائم آل محمد (عج) را برانگیزد، ابلیس ملعون به مسجد کوفه می‌آید در حالی که بر زانوهایش راه می‌رود و می‌گوید ای وای از این روزگار، آنگاه از پیشانی‌ش گرفته شده گردنش زده می‌شود.

آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت عمر او به پایان

می‌رسد.

و هم چنین پیروان شیطان نیز تا آن روز وقت خواهند داشت و آنها نیز همچون ارباب خود سرنوشت شومی داشته و با کسی که مانوس بودند همسفر خواهند شد.

و از جمله در قرآن کریم نقل شده است

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ

(آن روز) مجرمین از چهره‌هایشان شناخته شوند پس از موهای پیشانی و پاهای آنان گرفته می‌شود (و در دوزخ افکنند).

امام صادق (ع) می‌فرماید: این آیه درباره قائم ما نازل شده است.

هر گاه قائم ما به پا خیزد، خداوند شناخت چهره‌ها را به آن حضرت عطا فرماید پس امر می‌کند کافران را با پیشانی‌ها و قدمهایشان بگیرند، سپس از دم شمشیر گذرانند.

و نیز از حضرت امام صادق (ع) در مورد آیه فوق پرسیدند؟

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

اوست خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هر چند



مشرکان ناراضی و مخالف باشند.<sup>۱</sup>

حضرت فرمودند: به خدا سوگند هنوز تاویل آن نازل نشده (نیامده) تاویل آن خواهد آمد، وقتی که قائم ما انشاءالله به پا خیزد.

پس چون او خروج کند هیچ کافر و مشرکی باقی نماند مگر این که از خروج آن حضرت ناراحت باشد، در آن روز اگر کافر و یا مشرکی در دل سنگ باشد، آن سنگ خواهد گفت ای مؤمن، در شکم من کافر یا مشرکی هست او را بکش، پس او را کنار زده و به قتلش رسانند.

و حال امید است با عنایت خدای سبحان و یاران باوفای آن حضرت شرک و کفر و الحاد، شیطان و شیطان صفتان همگی به دیار عدم رفته و عذاب موعود را تجربه کنند و نیز به آن باور برسند که چقدر قدرتشان محدود است همان طور که خداوند پوشالی بودن آنها و با قدرت بودن یاران آقا امام زمان (ع) را نوید داده است، از آن جمله:

أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً

هر کجا که باشید خداوند شما را یک جا گرد می آورد.<sup>۲</sup>  
از امام محمد باقر (ع) روایت شده که این آیه در حق

۱ - سوره توبه آیه ۳۳

۲ - سوره بقره آیه ۱۴۸

سیصد و سیزده تن از یاران خاص ولیّ عَصْر (ع) نازل شده که چون قطعات ابر در یک لحظه گرد آمده و در پیرامون آن هسته مرکزی جمع شوند و در میان رکن و مقام با او بیعت کنند.<sup>۱</sup>

آری، یاران آقا امام زمان (ع) در لحظاتی کوتاه به سوی مکه می‌روند که اهل مکه از دیدن آنها تعجب کرده و برای آنها نا آشنا و غریبه خواهند بود که صبح دم مردم می‌بینند که عده‌ای در حال طواف هستند و نماز می‌گذارند پس مردم مکه منکر آنها شوند و ایشان می‌روند به دنبال حضرت مهدی (ع) در حالی که حضرت را زیر مناره‌ای که پنهان شده می‌بینند و به ایشان می‌گویند "توئی مهدی صاحب زمان ؟"

حضرت می‌فرمایند: آری ای یاران من، که حضرت بلافاصله خود را از ایشان پنهان می‌کنند تا میزان فرمانبرداری آنها را بسنجند و سپس آن سرور از مکه به سوی مدینه و به سر قبر جدّ مطهرشان می‌روند و آنها نیز به دنبال حضرت راهی مدینه می‌شوند و بار دیگر حضرت از مدینه به مکه بر می‌گردند و این عمل تا سه بار تکرار می‌شود و آنها نیز همچنان به تکرار به دنبال آن حضرت می‌روند تا این که بعد از سه مرتبه حضرت خود را در میان صفا و مروه به ایشان می‌نمایاند و به آن یاران با وفا می‌فرماید:

با من بیعت کنید بر سی خصلت که ملازم آن باشید و تغییر ندهید از آن چیزی را، پس می گویند: می شنویم و فرمانبرداری می کنیم و حال ذکر فرمایید آن چه را باید بگویید پس می گویند بیعت می کنم با شما بر این که دزدی و زنا و کار حرامی نکنید، فحشا و منافی عفتی به جا نیاورید و احدی را نزنید مگر به حق، طلا و نقره و گندم و جو را ذخیره نکنید، مسجدی را خراب نکرده و شهادت دروغ ندهید و بر مؤمن زشت نگوئید و ربا نخورید و در سختی ها صبر کنید و موحدی را لعنت نکنید و نیاشامید مست کننده ای را و نپوشید طلا و نه ابریشم و دیبا را و دنبال فرار کننده ای نروید و نریزید خون حرامی را و به مسلمانان خیانت و بی وفایی نکنید و میل به کافر و منافق نداشته و از جامه ها، جامه خز نپوشید و بر خاک سر بگذارید و مکروه بدانید بی عفتی و کار زشت و ناروا را و امر کنید به کارهای خوب و نیکو و نهی کنید از کارهای زشت و ناپسند.

پس چون این کار را بکنید پیمانی از شما بر عهده من است که رفیقی جز شما نگیرم و نپوشم مگر آنچه را که شما می پوشید و نخورم مگر آنچه را که شما می خورید و سوار نشوم بر آنچه که شما سوار می شوید و نباشم مگر آنجائی که شما می باشید و نروم مگر آنجائی که شما می روید و خشنود نشوم به کم از مال و پر کنم زمین را از عدل و داد، همچنان که پر شده باشد از ظلم و جور و بندگی کنیم خدا را حق بندگی کردن او و وفا می کنیم

با شما و وفا کنید با من، پس گویند خشنودیم ما و با تو بر اینها بیعت می کنیم، پس مصافحه می کند با ایشان یکی یکی در حالی که یاران به دور آن سرور جمع شده و در میان رکن و مقام با او بیعت کنند. ۱

و نیز امیر مؤمنان (ع) صحنه اجتماع یاران حضرت ولی عصر (ع) را در مکه معظمه در برابر دیدگان ما ترسیم می کند و می فرماید:

كَانُوا أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ وَالزِّيُّ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ، وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ وَاللِّبَاسُ وَاحِدٌ، كَأَنَّمَا يَطْلُبُونَ شَيْئًا صَاعَ مِنْهُمْ، فَهُمْ مُتَحَيِّرُونَ فِي أَمْرِهِمْ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ مِنْ تَحْتِ سِتَارِ الْكَعْبَةِ فِي آخِرِهَا رَجُلٌ أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) خَلْقًا وَحُلُقًا وَحُسْنًا وَجَمَالًا فَيَقُولُونَ أَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟ فَيَجِيبُهُمْ وَيَقُولُ أَنَا الْمَهْدِيُّ بَايَعُوا

گوئی آنها را با چشم خود می بینم که همه یک رنگ و یک قد، جمالشان یکی و جامه شان یکیست، گوئی همه یکدل و یک جهت به دنبال گمشده ای می گردند و در حق خود حیران و در کار خود شتابان هستند، که یک مرتبه مردی از آخر دیوار کعبه پدیدار می شود که از زیر پرده کعبه بیرون می آید، که از نظر سیما، سیرت، صورت، خلقت و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول اکرم (ص) می باشد.

از او می پرسند آیا تو مهدی هستی؟  
 می فرماید: آری من مهدی هستم. پس همگی با او بیعت  
 می کنند.<sup>۱</sup>

به امید پیروزی آن عزیزان انشاءالله  
 و سلام بر مهدی که حافظ شریعت محمدی و نگهبان  
 قرآن احمدی است و امید است که آن روز باشکوه فرا رسد و او  
 همچون خورشید فروزان با یاران باوفایش بیاید.

\*\*\*\*\*

آری :

فرزند زهرا پور عسگر، زاده نرجس  
 با سیصد و سیزده انصار می آید  
 در پیش رو جدش حسین، در پشت سر عیسی  
 با ذوالفقار حیدر کرار می آید  
 از بهر خونخواهی آن تشنه لب مظلوم  
 از مکه با صدها هزاران یار می آید  
 پا در رکاب عزم، او مردانه می تازد  
 آن تکسوار صحنه پیکار می آید  
 بر خیز از خواب گران تا کی کنی مستی  
 ای مست دنیای دنی، هشیار می آید

گر بینمش یکدم، زنم فریاد و صد فریاد  
 کان غایب، در پردهٔ اسرار می آید  
 برخیز ای روح خدا، ای یاور مهدی  
 مهدی شتابان، از پی دیدار می آید  
 ای یوسف گمگشته زهرا، زُخی بنمای  
 تا کی بگویم، مونس و غمخوار می آید  
 آری " ای مونس بیجارگان وای غمخوار محرومان جهان بیا و  
 همه را از غم و اندوهی که آنها را در بر گرفته نجات ده. و امید  
 است دعاهایمان به اجابت رسد و دوران غم و اندوه پایان گیرد.  
 زیرا مردم آخرالزمان با داشتن مشکلات و گرفتاری های  
 موجود، نومید از همه جا در اشتیاق دیدار آن یگانه منجی عالم  
 بشریت و به امید طلیعه‌ای غیبی، روز شماری می کنند، امید و  
 آرزو دارند که در سایهٔ آن سرور به زندگی پریشان و نابسامان  
 آنان، سامان و آسایش داده شود.

به امید آن روز پر شکوه انشاء الله

و حال تو ای انسان که در انتظار فریاد آدم و نوح .....  
 هستی بدان فریاد آنها از " مهدی " به گوش می رسد و در آن  
 روز موعود آن مولا به اذن پروردگار به مسجد الحرام و پشت به  
 مقام ابراهیم و رو به کعبه بایستد و دو رکعت نماز گزارده و آن  
 گاه فریاد بر آرد که ای مردم منم یادگار آدم و نوح، منم یادگار  
 ابراهیم و اسماعیل، منم یادگار پیغمبران، منم وارث آدم، گزیدهٔ

نوح، خلاصه ابراهیم و عصاره محمد (ص).

منم صاحب قرآن و زنده کننده سنت، پس فریاد مرا پاسخ گوئید من شما را از همه چیز آگاه می کنم، آنچه می دانید و آنچه نمی دانید و من شما را به حق خداوند و رسول او و آن حقی که من بر شما دارم سوگند می دهم که ما را در حقوقمان یاری نمائید و جلوی ظلم و ستمی که درباره ما روا داشتند بگیرید. چه آنکه حقوق ما را پنهان ساختند و درباره ما ظلم کردند و ما را از وطنمان آواره نمودند و نسبت به ما بی وفائی روا داشتند و پیروان باطل بر ما افتراء بستند، پس از خدا بترسید و ما را سرفکنده نکنید بلکه یاری دهید تا خداوند شما را نصرت عطا فرماید.

آنگاه حضرت مهدی (ع) به خواندن کتابهای آسمانی می پردازد و صحیفه آدم و شیث و نوح و ابراهیم و هم تورات و انجیل و زبور و سپس قرآن کریم را تلاوت می فرمایند.

و مرویست حضرت مهدی (ع) چون جد بزرگوارش حضرت محمد مصطفی (ص) که در ظلمات جاهلیت قیام کرده، در دل فسادها و تباهی ها و ظلمت های آخرالزمان قیام می کند، در حالی که پرچم و شمشیر پیامبر در دست و زره پیامبر بر تن و عمامه پیامبر بر سر و ۳۱۳ تن یاران خاص او و مؤمنان نیرومند در خدمت اویند.

او با اسم خدا در آید و همه سوی جهان را پر از عدل و

داد نماید، همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما ظهور کند به مسجد الحرام رود،  
تکیه‌اش به کعبه باشد و بگوید:

ای گروه خلائق، آگاه باشید هر که می‌خواهد به آدم و  
شیث بنگرد، من صاحب کمالات آدم و شیث هستم و هر که  
می‌خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، من دارای کمالات نوح و  
سام هستم، بدانید هر که می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را نظاره  
کند، من واجد کمالات ابراهیم و اسماعیل می‌باشم.

آگاه باشید هر که می‌خواهد موسی و یوشع را مشاهده  
کند من صاحب کمالات موسی و یوشع هستم و هر که  
می‌خواهد عیسی و شمعون را بنگرد من دارای کمالات عیسی و  
شمعون هستم و بدانید هر که می‌خواهد به سوی محمد و امیر  
مؤمنان که دروذهای خدا بر آن دو باد، نگاه کند، پس منم واجد  
کمالات محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و امیرمؤمنان علیه السَّلَام.

و هر که می‌خواهد حسن و حسین علیهم السَّلَام را ببیند،  
من دارای کمالات حسن و حسینم و بدانید که هر کس می‌خواهد  
امامان از نسل حسین سَلَامُ اللهُ عَلَيْهِم اجمعین را بنگرد، من  
صاحب کمالات همه امامان هستم.



پس دعوت مرا بپذیرید و پاسخ دهید که به تحقیق شما را از آنچه آگاه شده‌اید و به آنچه خبر دار نشده‌اید مطلع خواهم ساخت.<sup>۱</sup>

به امید دیدار آن حضرت و پیروزی اسلام و به اهتزاز در آمدن پرچم حق در سرتاسر جهان انشاء الله.

يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ وَيُهَيِّزُ الرَّأْيَةَ الْمُغْلَبَةَ

پشتش را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم همیشه

پیروز را به اهتزاز در می‌آورد.<sup>۲</sup>

و سپس در آن روز مبارک به دنبال بیعت یاران نخستین با آن حضرت پیش از آنکه مکه را به سوی مدینه ترک کند لشگری مجهز و نیرومند که تعداد آنها بالغ بر ده هزار نفر است به حضرت مهدی (ع) می‌پیوندند و دست بیعت به دست با کفایت ید اللهی‌اش می‌دهند که برای آنها خیر دنیا و آخرت را فراهم می‌سازد و آنها را از بلاها و تشویشهای هر دو جهان می‌رهاند و برق شمشیرش درخشیدن عدل و داد را در سطح کرهٔ خاکی نوید می‌دهد و می‌پیوندد به آن سرور و مولا، خضر پیامبر (ع) برای یاری دادن به آن یگانه منجی عالم بشریت که سلام و درود بی پایان ما شیعیان بر ایشان باد.

۱- در آغاز جلد ۵۳ بحار الانوار

۲- بشارة الاسلام ص ۲۰۶ و ۱۹۹

يَمْشِي الْخِضْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَيَقْفُو آثَرَ رَسُولِ اللَّهِ لَهُ مَلَكٌ  
تُسَدُّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاهُ يَفْتَحُ الْمَدِينَةَ الرَّومِيَّةَ بِالتَّكْبِيرِ مَعَ سَبْعِينَ  
أَلْفًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَشْهَدُونَ الْمَلْحَمَةَ الْعُظْمَى مَادَّبَةَ اللَّهُ بِمَرْجِ عَكَا  
يُبِيدُ الظُّلْمَ وَأَهْلَهُ يُقِيمُ الدِّينَ

حضرت خضر (ع) در پیشاپیش او حرکت می کند و او از  
راه پیامبر اکرم (ص) پیروی کرده و برایش فرشته ایست از جائی  
که خود او را نمی بیند یاری می شود، شهر روم را تکبیر گویان  
فتح می کنند، هفتاد هزار نفر از مسلمانان این پیروزی حماسه انگیز  
را مشاهده خواهند کرد، الطاف بیکران خدا در صحرای " عکا "  
ست که ستم و ستمگران را ریشه کن می سازد و دین را استوار  
می نماید.<sup>۱</sup>

آری این قیام و حرکت صرفاً برای خدا و به جهت اعلائی  
کلمة الله است که با آوای روحبخش تکبیر آغاز می شود و طبعاً  
این نغمه روح افزا در گوش دشمنان بسیار دلخراش و کوبنده  
خواهد بود در حالی که صفها را در هم شکسته و سپاه اسلام را با  
اراده آهنین در صفهای فشرده یکدل و یک جهت به پیش خواهد  
راند.

به امید پیروزی آن عزیزان انشاءالله

امیر مؤمنان (ع) به هنگام گفتگو در مورد آنها می فرماید:

أَلَا بِأَبِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَاؤُهُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَفِي  
الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ

پدر و مادرم فدای گروهی باد که اسامی آنها در آسمان  
معروف و در زمین ناشناخته هستند.<sup>۱</sup>

آری همان گروهی که همه جوان هستند و در میان آنها  
پیرمرد یافت نمی‌شود به جز مانند سرمه در چشم و نمک در طعام  
که کمتر از هر ماده‌ای در طعام نمک است.<sup>۲</sup>

و براستی پدر و مادر و جان ناقابل ما هم فدای آنها باد  
که دین خدا و حجت بر حق عالم را یاری خواهند کرد.  
بامید پیروزی حق بر باطل انشاءالله

و نیز امیر مؤمنان در تفسیر آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ  
بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین  
خود بازگردد، خداوند به زودی قومی دیگر می‌آورد که او را  
دوست می‌دارند، و او نیز آنها را دوست می‌دارد، و آنها در برابر  
مؤمنان زبون (متواضع) و در برابر کافران سخت و خشن و در

۱ - نهج البلاغه جلد ۲ ص ۱۲۶

۲ - غیبت نعمانی ص ۱۷۰

راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش کنندگان باکی ندارند.<sup>۱</sup>  
و آن حضرت فرمود آنها اصحاب قائم (عج) هستند.

هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ<sup>۲</sup>

و در محضر رسول اکرم (ص) نیز تفسیر این آیه مطرح شده و در مورد آن سؤال کردند.

حضرت با دست مبارک بر پشت جناب سلمان زد و

فرمود:

هَذَا وَ ذَوُّوهُ ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ

رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسٍ

او و منسوبین او هستند (او و کسان او هستند) سپس

فرمود:

اگر علم در ثریا باشد، مردانی از اهل فارس (ایران) به آن

دسترسی پیدا می کنند.<sup>۳</sup>

هنگامی رسول اکرم (ص) این خبر غیبی را فرمود که

مردم ایران زمین مجوسی بودند و آتش را می پرستیدند، ولی

آنحضرت ایمان و وفاداری مردم ایران را از پشت آتشکده‌ها

می دید و ایمانشان را می ستود و این خود یکی از نشانه‌های نبوت

۱ - سوره مانده ۵۴

۲ - منتخب الاثر ص ۴۷۵

۳ - منتخب الاثر ص ۴۷۵

است.

و در زمان موعود عده‌ای دیگر از یاران باوفا که به حضرت حجّت (عج) می‌پیوندند اصحاب کهف هستند. اصحاب کهف نام چند تن از دوستان حق و خدا پرستان است که از ترس دقیانوس پادشاه ظالم از شهر خویش گریختند و در غاری به خواب رفتند (سگی نیز با آنان همراه بود) پس از سیصد و نه سال که بیدار شدند کسی را برای خریدن آذوقه به شهر فرستادند، مردم شهر چون سکه‌های آنان را با پول زمان خود متفاوت دیدند در تعقیب آنان بر آمدند و آنها نیز از خداوند خواستند که به خواب جاودانه روند و چنین شد و آنها نیز در زمان ظهور امام زمان (عج) به خواست پروردگار عالمیان از خواب بر خواسته و آن یگانه منجی عالم بشریت را یاری خواهند کرد و آنها نیز در حال حاضر در انتظار آن روز مبارک می‌باشند.

إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ وَلَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ

اصحاب کهف همه‌شان عجم هستند ولی جز به عربی

سخن نمی‌گویند.<sup>۱</sup>

در این حدیث جای شگفت نیست که طبق احادیث دیگر، همه مردان صالح در بهشت به عربی سخن می‌گویند. از این

رهگذار هیچ مانعی ندارد که خداوند زبان عربی را به اصحاب کشف الهام کند و آنها با فصاحت و بلاغت هر چه تمامتر به عربی سخن بگویند.

سلام و درود ما به آن یاران وفادار

امام باقر (ع) نیز در وصف یاران آن حضرت فرمود:

وَيُجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا مِنْهُمْ خَمْسُونَ  
أَمْرَاءَ يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ

به خدا سوگند که سیصد و ده واندی نفر که در میان آنها پنجاه زن هست و در مکه گرد می آیند.<sup>۱</sup>

در احادیث مربوط به یاران حضرت ولی عصر (عج) صحبت از زن در هیچ حدیثی نشده است مگر در همین حدیث، زیرا در جنگهای اسلامی از طبقه بانوان جز برای خدماتی در سطح پانسمان استفاده نمی شد، چنان که در مورد جنگهای حضرت صاحب الامر (ع) نیز در روایتی از امام صادق (ع) آمده است.

سیزده زن همراه قائم (عج) خواهند بود که مجروحین را پانسمان کرده و از بیماران پرستاری کنند.

این حدیث خیلی نزدیک به ذهن است که در غالب اوقات برای معالجه مجروحین از زنها استفاده می شود، ولی آنچه مسلم

است در بیعت اوّلی هیچ زنی شرکت نمی‌کند و از ظهور آن حضرت آگاه نمی‌شوند مگر بعد از آن که یاران حضرت بقیّة الله در مکه گرد آمده با او بیعت کرده و ظهور آن حضرت را اعلام کنند.

به امید ظهور آن یوسف کنعان و آمدن یاران عزیز ایشان.

### آری:

می‌آیند آن یاوران وفادار تا آن یگانه منجی عالم بشریت را در مسئولیتی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته یاری کنند و هنگام ظهور با شکوه آن حجّت بر حقّ خدا، حضرت ولیّ الله الأَعْظَمُ ارواحنا فداه، پیامبر عظیم الشّانی همچون حضرت عیسی بن مریم علیه السّلام از آسمان فرود می‌آید و روح عالمیان امام زمان (ع) را بر خویش مقدّم داشته و پشت سر آن حضرت به نماز می‌ایستد و سپس در رکابش جهاد می‌کند و به حمایت و یاری آن بزرگوار علیه دشمنانش می‌جنگد.

در همین رابطه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به دخت گرامی و بزرگوارشان حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها می‌فرمایند:

وَمِنَّا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي  
خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ

سوگند به خدائی که معبود به حقّی جز او نیست، از ما (خاندان) است مهدی این امت که پشت سرش به نماز می‌ایستد

عیسی بن مریم (ع)<sup>۱</sup>

سلام و درود بی پایان ما بر حضرت مسیح (ع) و ما نیز امید به دیدارش داریم و گفته شده نزول آن حضرت بعد از آن است که حضرت بقیة الله وارد قدس شده و از آن دیار خارج می شود و سپاه سفیانی را نابود کرده و بار دیگر با تمام یاران به سرزمین قدس باز خواهد گشت.

آری نزول آن حضرت در بامداد روز جمعه، به هنگام منظم شدن صفهای مردم برای اقامه نماز صبح در سرزمین قدس شریف با معجزه همراه خواهد بود و سپاه حق با یاری او نصرت بیشتری پیدا خواهند کرد و حجّت بر اهل کتاب تمام می شود و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام مردم را به پذیرش حق و شریعت محمدی دعوت می کند و در لحظه فرود، که با شکوه و عظمت بسیار چشمگیری نازل خواهد شد و همگان را به پذیرش ولایت حضرت بقیة الله (ع) فرا خواهد خواند همان طور که در زمان پیامبری اش شریعت حضرت محمد مصطفی (ص) را تا پایان جهان نوید داده بود.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ.



و باز یاد آر هنگامی که عیسی بن مریم به بنی اسرائیل گفت من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و حقانیت کتاب تورات را که در مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز شما را مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) "احمد" است بیاید (و قرآنش عالمی را به نور علم و حکمت روشن سازد) چون آن رسول با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند این (معجزات و قرآن وی) سحری آشکار است.<sup>۱</sup>

این آیه مبارکه به صراحت و روشنی وجود بشارت را در انجیل اعلام می‌کند که حضرت مسیح (ع) ظهور حضرت محمد مصطفی (ص) را وعده داده است و او را با نام فارقلیط معرفی نموده که معنای فارقلیط، احمد است همان طور که حضرت موسای کلیم (ع) آمدن عیسای مسیح (ع) را بشارت داده بود، از این رو مردم سرزمینهای جلیل و یهودا همواره در اشتیاق ظهور مسیح موعود بودند.

پس عیسای مسیح (ع) خود نیز موعود بود، موعود یهود و بنی اسرائیل و با این که توده‌های مردم منتظر آمدن او بودند ولی سردمداران دین یهود برای حفظ مقام و بهره‌وریهای خویش در زمان ظهور حق را نپذیرفتند.

و حضرت مسیح (ع) نیز آمدن پیامبر اکرم (ص) را

بشارت داده بود با نام فارقلیط که برخی از مسیحیان می‌خواستند این بشارت را که ظهور حضرت محمد بن عبدالله (ص) را اعلام می‌دارد از حقیقت خود منحرف سازند، این بود که آن را به روح القدس و یا تسلی دهنده تعبیر می‌کردند.

و حال والاترین سلامها و درودها بر نبی مکرم (ص) باد که مژده بخش رحمت خداوند و بیم دهنده خشم الهی اوست. و امید است با عنایت خدا آن زمان موعود فرا رسد تا حق و باطل از هم جدا شود و دین پاک احمدی بر جهان پادشاهی کند و ظالمان سرکوب شوند. باشد که به برکت انوار ملکوتی و انفاس قدسیه حضرتش کره خاکی سرشار از نور و بهجت گردد و بیچارگان در کنار فرزند بزرگوارش حضرت مهدی (عج) به خوشبختی و سعادت وعده داده شده دست یابند. انشاءالله

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيْكُمُ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ  
چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود و پیشوای شما از میان خود شما خواهد بود.<sup>۱</sup>

در انجیل متی باب ۲۴ بندهای ۴۴ و ۴۶ مطرح است. لهذا، شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید، خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد.

و در انجیل متی باب ۲۵ بندهای ۱ و ۴ و ۵ و ۱۳ نقل شده است.

در آن زمان، ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعلهای خود را برداشته به استقبال داماد بیرون رفتند، چون آمدن داماد به طول انجامد همه پینکی زده (خواب سبک، چرت زدن) خفتند و در نصف شب صدائی بلند شد که اینک داماد می آید به استقبال وی بشتابید، پس بیدار باشید زیرا آن روز و ساعت را نمی دانید.

و در انجیل متی باب ۲۴ بند ۳۶ نیز مطرح شده.  
 اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس.  
 فراز دیگری را از "اناجیل" عبد الله بن سلیمان نقل کرده است.

من در اناجیل خواندم که خداوند به عیسی فرمود:  
 من ترا سوی خود بالا می برم، سپس ترا در آخر الزمان فرو می فرستم تا از امت این پیامبر شگفتی ها ببینی و آنها را در کشتن دجال یاری دهی، ترا در وقت نماز می فرستم تا با آنها نماز بخوانی که آنها امت مرحومه (آمرزیده شده) هستند.<sup>۱</sup>  
 آری ما منتظران با اشتیاق غیر قابل توصیف در انتظار

نزول حضرت عیسی (ع) و ظهور حضرت بقیة الله روحی فداه  
ثانیه شماری می کنیم به امید اینکه سراسر جهان پر از عدل و داد  
گردد پس از آن که با ظلم و ستم پر شده باشد.

و ما نیز از خدای لایزال می خواهیم که به ما شکیبائی  
دهد تا در آن روز دوشادوش آن حضرت روی در روی دشمنان  
خدا بایستیم و با چشم خود ببینیم که چگونه باطل ریشه کن و  
پرچم حق به اهتزاز در می آید.

امام صادق (ع) در همین رابطه می فرماید:

قائم (عج) به قدس باز می گردد و چند روزی با مردم نماز  
می خواند، چون روز جمعه فرا رسد و نماز به پا شود حضرت  
عیسی (ع) با هفتاد هزار فرشته در حالی که عمامه سبزی به سر  
دارد و شمشیرش را حمایل کرده و سلاحی به دست گرفته بر  
فراز اسبی فرود می آید منادی ندا میکند: ای گروه مسلمان، حق  
آمد و باطل نابود شد.<sup>۱</sup>

و در چنین حالی حضرت عیسی (ع) در شرق دمشق در  
نزد مناره سفید در میان دو ابر رنگین و در حالی که دو دست  
خود را روی بالهای دو فرشته نهاده، فرود می آید چون سرش را  
پائین بیاندازد آب از آن می چکد و چون سرش را بلند کند  
قطره های عرق چون دانه های لؤلؤ از سر و صورتش می ریزد،

بوی نفس او به هر کس از کفار برسد نابود می‌شود و بوی نفس او تا مقدار دید او پیش می‌رود دجال را دنبال می‌کند در باب (لُد) به او می‌رسد و او را به هلاکت می‌رساند.<sup>۱</sup>

پس حضرت مهدی متوجه می‌شود که حضرت عیسی در قدس در نزدیکی مناره سفید در حالی که دستهای خود را بر بالهای دو فرشته نهاده و آب از موهایش فرو می‌چکد، فرود آمده و حضرت مهدی (ع) خطاب به آن حضرت می‌گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. سپس حضرت عیسی می‌گوید: نماز برای تو اقامه شده لذا پشت سر حضرت مهدی می‌ایستد و نماز می‌خواند و با او بیعت می‌کند و می‌گوید من به عنوان وزیر و معاون برانگیخته شده‌ام نه به عنوان امیر و امام و براستی مبارک است آن روز موعود که دو حجّت بر حقّ خدا در کنار هم برای یک هدف حیاتبخش همقدم و همراه می‌شوند.<sup>۲</sup>

آری:

مهدی است آنکه وقت نماز جماعتش  
عیسی بصد نیاز باو اقتدا کند  
مهدی است آنکه پرتو توحید پاک را  
در قلبهای تیره و آلوده جا کند

۱ - منتخب الاثر ص ۳۱۸

۲ - الامام المهدی ص ۶۹ و ۳۴۳

مهدی است آنکه پرچم اسلام راستین  
 بر قلعه‌های محکم دشمن بپا کند  
 مهدی است آنکه کاخ عظیم ستمگری  
 با یک نهیب خویش دچار فنا کند  
 مهدی است آنکه داد سرای نهائیش  
 بر پایه‌های عدل خدائی بنا کند  
 پس حال بنگر، حضرت عیسی بن مریم پیامبر اولوالعزم را  
 که دارای عصمت و پایگاه وحی الهی بوده است با این همه،  
 مأموم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء می‌باشد، شاگرد مکتب  
 آن حضرت است، خاضع در برابر آن بزرگوار و در رکاب  
 مقدّسش جانفشانی نموده و فرمانبر آن سرور است.  
 پس بر ماست به او که امید عالمیان است معرفت پیدا  
 کنیم، به اطاعت و دوستی‌اش همت گماریم و لطف بیکرانش را  
 به خود جلب کرده، زیرا هر چه هست درب خانه اوست.  
 راه نجات و رستگاری تنها در گرو محبت و ولایت آن  
 حضرت است.  
 و برآستی چه سعادت‌ی بالاتر از آن روز مبارک و عهد  
 مسعود که انسان توفیق درک داشته باشد، همان انسانی که  
 قرن‌هاست دیدگان نگران او در انتظار مقدم گرامی آن یگانه  
 منجی عالم بشریت ثانیه شماری می‌کند.  
 انسان عصر حاضر که دچار بلایا و سختی‌ها و مشکلات

و فقر و تبعیضات نژادی است، دچار استعمار زدگی و جنگ و دیگر عوامل نگران کننده است، همان انسانی که اشرف مخلوقاتش خوانند و خلیفه خدا در روی زمین است. همان انسانی که خداوند او را توان فرمانروائی بر این عالم هستی بخشیده و تمامی آفرینش و موجودات را به خاطر مصلحت و خوشبختی در اختیارش قرار داده است.

همان انسانی که خدای مهربان او را به والاترین جاه و مقام رسانده است.

### لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر انسان ساختیم) و از هر غذائی لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم، ولی چه غم انگیز برای انسان عصر حاضر که شاهد این همه درد و رنج و ظلم و جور و مشقت و بدبختی باشد و انسان درگیر با این مسائل به طور مداوم در حال مبارزه و ستیز با آن همه مشکلات بوده است تا شاید پایان روزهای تلخ او فرا رسد و زندگی خویش را نجات داده و به آرزوهایش جامع عمل بپوشاند و زندگی ایده آل همراه با خوشبختی که حق اوست، صاحب شود.

آری:

او با تمام این مشکلات و کمبودها، مخالفتها و دشمنیها و

ناکامی‌ها و خستگی‌ها که از گذشته تا به حال به همراهش بوده و او که به عنوان یک بنده، پیروی از قانون خدا و رسول خدا دارد تا در سایهٔ آن، سرّ جاودانگی انسانیت انسان را حفظ کند و حافظ آن همه پیام و رسالتی باشد که به او سپرده‌اند، همان رسالتی که به انبیاء الهی سپرده شد تا دیگر بندگان خدا زیر چتر و سایهٔ آنها، راه فلاح و رستگاری را در پیش گیرند و به سعادت ابدی نائل آیند، و رسول گرامی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ رسالتش را با این گفتار شروع کرد:

قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا

بگوئید خدا یکی است و شریکی ندارد تا رستگار شوید.  
و در این رابطه ذات اقدس ربُّ العِزَّة جَلَّ جلالُهُ، از تمام مخلوقات حتی پیامبران بر ولایت و اطاعت رسول گرامی اسلام و اهل بیت آن حضرت عَلَیْهِمُ السَّلَام پیمان گرفته است و در این جهان نیز پیامبر اکرم (ص) بارها ائمهٔ اطهار سَلَامُ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِین را به مردم معرفی کرده و دربارهٔ عظمت و ولایت و رسالت این بزرگواران سخن گفته است.

و دوازده امام معصوم از علی علیه السَّلَام تا حضرت مهدی ارواحنا فداه را یکی پس از دیگری به جانشینی و مقام خلافت بعد از خود منصوب ساخته و بر عصمت و ولایتشان تأکید فرموده و با مردم عهد نموده که بر محبّت و اطاعت این دودمان پاک استوار باشند و آنان را ولی و اولی به نفس خویش



بدانند و رسالت آنان را دنبال کنند.

روایت است در سال نهم هجرت جبرئیل به نزد رسول اکرم (ص) نازل شد و عرض کرد یا رسول الله، خداوند عالم تو را سلام می‌رساند و می‌گوید که من هیچ پیغمبر و رسولی را از دنیا نبرده‌ام مگر بعد از آنکه دین او را تمام و حجّت او را بر خلق لازم کرده‌ام و از دین تو دو امر عظیم مانده است که به مردم نرسانیده‌ای، یکی فریضه حج و دیگری فریضه ولایت و خلافت بعد از خودت، زیرا که هرگز زمین را از حجّت خالی نگردانیده‌ام و بعد از این هم خالی نخواهم گذاشت و خدا ترا امر می‌کند که جمیع مردم را خبر کنی از اهل شهرها و اطراف و بادیه نشینان که با توبه حج بیایند و شرایع و فرائض حج را از تو فرا گیرند. پس از آن عدهٔ بیشماری از مسلمانان با آن حضرت متوجه حج شدند و متصل شد صدای تکبیر از ما بین مکه و مدینه و چون رسیدند به عرفات، جبرئیل نازل شد و گفت:

یا محمد (ص) خداوند عزیز تو را سلام می‌رساند و می‌گوید آجل تو نزدیک و عمرت به آخر رسیده است، پس مقدم‌دار وصیت خود را و آنچه نزد تو هست از علم الهی و میراث علوم پیغمبران پیش از خود، سلاح و تابوت و جمیع آنچه نزد توست از علامات و معجزات پیغمبران، همه را تسلیم کن به وصی و خلیفه بعد از خود که حجّت کامله منست بر خلق من، که او علی است.

پس او را بپا دار از برای خلق که نشانهٔ راه هدایت باشد، و تازه کن عهد و پیمان و بیعت او را و به یاد ایشان بیاور پیمانی را که در روز "الست" از ارواح خلایق گرفته بودیم و حال بار دیگر بیعتی باید بسته شود.

زیرا هر که علی را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که او را معصیت کند مرا معصیت کرده و هر که مرا ملاقات کند با ولایت او داخل بهشت شود و هر که با عداوت او مرا ملاقات کند داخل جهنم شود.

پس یا محمد، علی را به مردم بشناسان و عهد و پیمان مرا بر ایشان تازه گردان که تو را به زودی نزد خود خواهم برد. سپس آن حضرت بعد از شنیدن پیام در منی داخل مسجد خیف شده و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ نَزِدِيكَ أَسْتُكُفُّ بِكَ رُوحِي مَرَا قَبْضِي نَمَائِنْدُ وَاذْ مِيَانِ شِمَا بَبِرْنِدُ وَا بِيْشْتَرُ بَا شِمَا سَخْنُ نَمِيْ كُوِيْمُ وَا عَذْرُ خُوْدُ رَا بَرِ شِمَا تَمَامُ مِيْ كَنْمُ بَهْ دَرْسْتِيْ كِهْ دَرِ مِيَانِ شِمَا مِيْ كَذَارْمُ كِتَابُ پَرُوْرْدِ كَاْرُ وَا عْتَرْتُ خُوْدُ رَا كِهْ اَهْلُ بِيْتِ مَنَّندُ.

پس دست علی را گرفت و بلند کرد و گفت این علی با قرآن است و قرآن با علی، از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. پس عده‌ای بیرون رفتند و داخل کعبه شدند و نامه‌ای در میان خود نوشتند و با یکدیگر عهد کردند که اگر حضرت محمد (ص) بمیرد و یا کشته شود نگذارند

خلافت به اهل بیت او برسد.

پس حقتعالی این آیات را فرستاد:

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ  
نَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ

یعنی:

آیا محکم کردند امر خود را، پس ما نیز محکم می‌کنیم  
کار خود را، بلکه گمان می‌کنند که ما نمی‌شنویم سرّ ایشان را،  
بلکه می‌شنویم و رسولان ما از ملائکه نزد ایشانند و می‌نویسند  
گفته‌ها و کرده‌های ایشان را.<sup>۱</sup>

پس رسول اکرم (ص) با جمعیت فراوان مناسک حج را  
بجا آورده و مردم را به آداب شرعی حج کاملاً آشنا فرمودند و  
پس از آن که اعمال حج خاتمه پذیرفت، آن حضرت با همان  
عده بی‌شمار به جانب مدینه حرکت کردند و در روز هیجدهم ماه  
ذی الحجّه به "غدیر خم" رسیدند.

(غدیر خم موضعی است نزدیک "جحفه" و جحفه سه  
راه‌های که اهالی مصر و عراق و مدینه از همان جا راه‌هایشان از  
هم جدا می‌شد)

و در این موضع جبرئیل امین نازل شد و آیه شریفه را  
تقدیم داشت و حضرت را از جانب خداوند متعال به منصوب

نمودن علی بن ابیطالب (ع) به خلافت و وصایت و ولایت بعد از خودش وادار نمود.

و این است آیه‌ای که بر قلب پاک پیامبر نازل شد:  
 يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ  
 فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
 الْكَافِرِينَ

ای رسول گرامی آنچه را مأمور تبلیغش شدی حتماً انجام ده، که اگر آن را ابلاغ نکنی رسالت الهی را انجام نداده‌ای و خداوند ترا از شر مردم ننگه می‌دارد، همانا خداوند کافران را به هدفی که دارند رهبری نمی‌کند.<sup>۱</sup>

راوی گوید وقتی این آیه شریفه نازل شد به غدیر خم رسیده بودیم در حالی که هوا بسیار گرم و سوزان و وقت نماز ظهر بود که در میان مردم ندا کردند الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ، الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ، پس رسول گرامی به همراه شیعیان، نماز ظهر بپا داشتند و سپس مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را امر کردند که زیر درختان خار را بروبند و سنگها و زین شتران بر روی یکدیگر بگذارند و به شکل منبر به قامت رسول اکرم (ص) بنا کردند و جامه‌ای روی آن افکندند و آنحضرت بر منبر بالا رفته و فرمودند:

منم رسول خدا و به خداوندی او اقرار می‌کنم که او

خدای من و من بندهٔ اویم.

منم رسول خدا به سوی شما و پیش از من پیغمبران گذشته‌اند و من بر سنت و طریقهٔ ایشانم.

بدرستی که علی موصوف است به شکر و صبر و بعد او امامان از صلب او به هم رسند، بدانید صراط مستقیم منم و بعد از من علی و بعد از علی پسران من از صلب او امامانند که مردم را به حق و راستی هدایت می‌کنند و من شما را دعوت می‌کنم به بیعت با علی و حقانیت او به امامت و بدانید من بیعت می‌گیرم از برای خدا و علی بیعت می‌گیرد از برای من و من بیعت می‌گیرم از برای او از جانب خدا.

پس حاضران خبر ما را به غایبان برسانند و بگویند ما شنیدیم و اطاعت کردیم و راضی شدیم و بیعت می‌کنیم و بر این اعتقاد می‌میریم و بر این حال در قیامت مبعوث می‌شویم.

و حضرت رسول (ص) دست مبارک مولا علی علیه السلام را گرفته و خطاب به حجاج فرمودند:

آیا نمی‌دانید که من اولی‌ام به مؤمنان از جانهای ایشان؟

گفتند: بلی

پس فرمودند: آیا نمی‌دانید که من اولی هستم به هر مؤمنی

از نفس او؟

گفتند: بلی

پس دست علی را بالا بردند و فرمودند:

هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست.

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ

پس آن حضرت چندین بار این جمله را تکرار کردند و

سپس فرمودند:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ

خدایا دوست دار کسی را که دوستش دارد و دشمن دار هر که را دشمنش دارد و من در صلحم با هر که با او در صلح باشد و من در جنگم با هر که با او در جنگ باشد و سپس فرمودند: علی مولای هر مؤمن و مؤمنه است.

و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ خطاب به

مولایمان علی فرمودند:

علی، من از تو ام و تو از منی و به او گفت تو بر تأویل قرآن جنگ خواهی کرد چنانچه من بر تنزیل قرآن جنگ کردم و توئی امام هر مرد و زن مؤمنه، توئی عروة الوثقی و توئی که به سنت من اقدام خواهی کرد.

و آن حضرت فرمود به مولای متقیان که من اوّل کسی ام که در قیامت محشور خواهم شد و تو با من خواهی بود و من اوّل کسی ام که داخل بهشت می شوم و تو با من خواهی بود و بعد از من اهل بیتم داخل بهشت خواهند شد و گفت به او که خداوند وحی فرستاد به سوی من که در میان مردم بایستم و فضل و مقام تو را بیان کنم و ای علی گفتم آنچه خداوند در شأن تو گفته بود

و آن حضرت فرمود:

ای علی بترس و بپرهیز از کینه‌ها که از تو در سینه  
جماعتی هست و ظاهر نخواهند کرد مگر بعد از مرگ تو، پس  
خدا لعنت کرد آنها را و لعنت می‌کنند آنها را لعنت کنندگان.  
پس نبی مکرم اسلام گریست، گفتند چرا می‌گریی یا  
رسول الله؟

فرمودند: خبر داد مرا جبرئیل که اصحاب من بر او ظلم  
خواهند کرد و حق او را مانع خواهند شد و با او جنگ کرده و  
آزارش کنند.

رسول گرامی در حالی این جمله را می‌فرمود که غم تمام  
وجود شریف ایشان را گرفته بود.

آری آنحضرت غمگین بودند برای آن عزیزی که در راه  
خدا و رسولش خیرخواه و ایثارگر و در دفاع از حق و مبارزه با  
دشمنان شجاع و فداکار بود.

همان کسی که برای اهل ایمان پدری مهربان و دلسوز و  
برای مشرکان کشنده‌ای خشمگین و تحمل ناپذیر بود.

همان کسی که از سرچشمه وجدانش انوار الهی تراوش  
می‌نمود و از قلب و حرم الهی اش سیلاب عشق و اشتیاق به  
سوی ضعفای و فقرا و ایتام جاری می‌گشت.

همان کسی که صوت عدالت انسانی و شخصیت  
جاویدان عالم بود.

و به قول جورج جورداق که در کتاب الامام علی می‌گوید:

ای جهان چه می‌شد اگر هر چه قدرت و قوه داری به کار می‌بردی و در هر زمان، یک علی با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش، با آن ذوالفقارش به عالم می‌بخشیدی.

آری می‌بخشیدی کسی همچون علی را

اگر چه ما شیعیان در عصر حاضر در انتظار مهدی آینه تمام‌نمای سرورمان مولا علی (ع) هستیم.

همان علی که در عصر و زمان خودش در میان مردمی می‌زیست که دل به دنیا و مفاخر دنیا بسته، عهد شکن و کور دل و کج فهم بودند و در زمان موعود حکومت الهی آن حضرت را غصب کردند، آزارش نموده و بر او افتراء بستند.

آری افتراء بستند به امامی که دارای اخلاق فاضله و صفات پسندیده بود همان امامی که بنده و سفیر خاص خدا، امیر اهل ایمان، حافظ و ناطق قرآن بود.

ولی واحسرتا بر اهل باطل، همان مردمی که خیانت کردند و در بیابان جهل و حیرت و سرگردانی تحت رهبری شیطان به سر می‌بردند و در آن عصر تاریک و ظلمانی راه را بر انوار الهی که نمونه بارز انسان کامل بوده است بستند.

همان انسانی که پیکره توحید و نمونه بارزی از زهد و تقوی و عرفان و پرستش و اخلاص مطلق و قهرمانی بی‌مانند بود.



آری مردم آن عصر اهداف مقدس آن بزرگوار را نادیده گرفته و خانه نشینش کردند و او را که فریاد پروردگار عالمیان بود به سکوت دعوت کردند، او که خود مظهر حق و حق پرستی بود، او که از جفای مردم نادان که از حق پیروی نداشتند شکوه داشت و هر روز را با غم و اندوه فراوان سپری می کرد و در دل شب به نخلستانها پناه می برد و سر در چاه کرده و از غم و دردش می گفت، از رنج و سکوتش می گفت و آیا براستی علی چه می گفت که امروز ما همه بی خبریم، بی خبریم از همان علی که اسوه نیکی و پاکی بود، همان علی که در میان امتش غریب بود.

غریب بود چون او را و حقیقت مقام و قدر او را نمی شناختند و نمی دانستند او کیست.  
همان طور که امروز عده‌ای "مهدی" را نمی شناسند و نمی دانند او کیست.

همانی که به یمن وجود شریفش حیات برقرار و عرشیان به وجود مقدّسش سرفرازند و اگر نباشد زمین و آسمان باقی نخواهد ماند.

او که در عصر حاضر با وجود دشمنان بی شمار، در میان دوستان هم غریب است.

و براستی چه غریبی که یک هزار و یکصد و پنجاه سال و اندی است که در پشت پرده غیبت و در اوج غربت به سر

می‌برد، چرا که شیعیان و دوستان آن حضرت برای رهائی آن محبوب در زندان غیبت مانده تلاش نکردند و از طرفی هستند دلباختگانی که جز به او نمی‌اندیشند و غیر از نجات و رفاه او نمی‌خواهند و حتی حاضرند جان خود را در راه ایشان فدا کنند. به این امید که ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت محقق گردد.

و حال ای امید ناامیدان و ای دادگستر جهان ای کاش جان داده بودیم و نمی‌دیدیم و نمی‌شنیدیم که غریب باشی و ما بندگان حقیر نیز امید به عنایت خدای سبحان داریم که اذن ظهورتان دهد تا ردای فرج بر تن کرده و عالمیان تحت فرمانروائی و رهبری تان سوار بر کشتی نجات شده و به ساحل آرزو قدم گذارند و با تنها منجی خود به سر منزل مقصود دست یابند. انشاءالله

سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، وَيَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ  
غَرِيبٌ يَمْلِكُ بِلَادَ الْمُسْلِمِينَ بِأَمَانٍ وَيَصْفُو لَهُ الزَّمَانَ، وَيُطِيعُهُ  
الشُّيُوخُ وَالْفِتْيَانُ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ وَتَصْفُو، وَتَزْهُو بِمَهْدِيَّهَا، وَ  
تَعْدِمُ الْفِتْنَ وَتَكْثُرُ الْخَيْرُ وَالْبَرَكَاتُ.

خداوند قومی را می‌آورد که آنها را دوست می‌دارد و آنها نیز او را دوست می‌دارند، کسی که در میان آنها "غریب" است، بر آنها حکومت می‌کند روزگار با او سازگار می‌شود، پیر و جوان از او فرمان می‌برند، زمین آباد و به وسیله "مهدی" (عج) سر سبز و خرم می‌شود، فتنه‌ها از بین می‌رود و خیر و برکت

فراوان می گردد.<sup>۱</sup>

آری با آمدن اوست که خوشبختی و سعادت، آزادی و رفاه و ... شامل حال بندگان حق تعالی خواهد شد.

و حال ای امام زمان ای دادرس بیچارگان، پدر و مادر و جان ناقابلان فدای شما باد.

بپذیرید سلام و درود بی پایان ما شیعیان مسکین را تا خدا خدائی می کند.

آیا براستی ای عزیز طه و ای امید ناامیدان و ای یوسف کنعان، بر ما فرصتی هست که گذشته را جبران کنیم؟

آیا بر ما عمری هست که از خجالت بر آئیم؟

ما نیز امید به عنایت خدای لایزال داریم که یاریمان دهد تا با جبران آن خسرانها و بی محبتی ها و ... قلب پاک امام زمانمان را شاد کنیم و از خدای سبحان می خواهیم عنایت فرماید و توفیقمان دهد تا برای یاری دادن آن یار مظلومان قد علم کنیم.

آری ای خدای بزرگ، عنایتی کن و صدائی ده تا فریادش زنیم، چشمی ده که او را استقبال کننده باشیم و لیاقتی ده تا میزبانش شده و در خدمتش از سر و جان بگذریم و او را تا مرز پیروزی و خوشبختی و سعادت یاری دهیم. انشاءالله

و حال ای مسلمان بپاخیز، بپاخیز ای تشنه عدالت و

آزادی.

بپاخیز و منوش آب از فرازها، در این جهان سرگردانیها،  
در این زمان بی سامانیها.

تو ای مسلمان مشو ناامید، همواره رو کن به قرآن و بجوی  
سعادتت را و بگرد به دنبال ناطق قرآن " مهدی " و تا او را  
نیافتی آرام مگیر که اوست نجات دهنده تو، تنها مشعلی که در  
دل شب، زندگی تاریک همگی را روشن خواهد کرد.

و امید فراوان می رود که نسل امروزی به دیدار آن مهر  
تابان توفیق پیدا کنند و با فرا رسیدن دولت موعود و مشاهده  
عدالت، به دامن اسلام پناهنده شوند و با یک دنیا عشق و علاقه  
به تعالیم حیاتبخش قرآن بگرایند و با او تجدید عهد و پیمان  
کرده و هرگز از این عهد و بیعت بر نگردند. انشاءالله

و حال مولایم علی، ای سرور دو جهان، اگر ما شیعیان در  
آن روزهای تلخ و غم‌انگیز نبودیم تا شریک غمهایت باشیم و اگر  
نبودیم تا در جنگ بدر و احد یاریت دهیم و اگر نبودیم در  
رکاب تو، تا با خنادید قریش پیکار کنیم، امید داریم و از خداوند  
سبحان می‌خواهیم که در دولت حق و در محضر فرزند  
بزرگوارت مهدی عزیز شاهد پیروزی و استقرار حکومت اسلامی  
باشیم و انشاءالله در سایه صلح و صفا و صمیمیت ... به  
آرزوهای دیرینه شما جامه عمل پوشانده شود و ما نیز امید داریم  
به روزی که آن یکتا بازمانده الهی از پشت پرده غیبت ظهور

نموده، مرزهای جغرافیائی را در هم ریزد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی استوار سازد و به جنایات و خیانات انسانها خاتمه دهد و پرچم پر افتخار

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

وَ عَلِيًّا وَ لِيُّ اللَّهِ

را بر فراز کرهٔ خاکی به اهتزاز در آورده و کاخ‌های ظلم و ستم و استبداد را بر سر ستمگران فرو ریزد، عدالت و آزادی را به معنای واقعی کلمه، عینیت بخشد و جامعهٔ بشری را از چنگال دژخیمان که صدای صلح دوستی و دادخواهی‌شان گوش فلک را کر نموده است رهائی دهد تا اشک شوق و خرسندی بر گونه‌های مشتاقان بچکد و دیدگان پرفروغ مشتاقان از نور جمال و فروغ دولتش منور و مشعشع گردد.

انشاء الله

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

منتظر در انتظارش باش

(پایان قسمت چهاردهم طاووس بهشتیان)



بسمه تعالی

خاتمه:

از حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف منقول است :  
إِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فُجَاءَةً

همانا ظهور ما ناگهانی است.<sup>۱</sup>

وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُقْبِي  
و من بپا خواهم خواست در حالی که پیمان هیچ یک از  
گردنکشان برگردنم نیست.<sup>۲</sup>

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا  
پس هر یک از شما باید بوسیله آنچه به دوستی ما نزدیک  
می گردد عمل کند.<sup>۳</sup>

---

۱ - الغيبة الكبرى ص ۴۲۸

۲ - بحار الانوار جلد ۵۳

۳ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۷۶

وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِّأَهْلِ الْأَرْضِ

و همانا من برای مردم گیتی امان از عذابم<sup>۱</sup>

وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي

و خداوند به سبب من از خاندان و شیعیان بلا را دور می گرداند<sup>۲</sup>  
باری از وجود مقدس حقتعالی متضرر عانه و ملتمسانه مسئلت  
می نمائیم تا ردای فرج بر قامت تنها گوهر عالم وجود آقا امام  
زمان (ع) که در گنجینه قدرت و شوکت الهی در انتظار اذن  
ظهور است بپوشاند و او را از زندان غیبت رهائی بخشد تا تیرگی  
شرک و الحاد از سراسر گیتی زدوده شود و در سایه آن سرور،  
اسلام و اسلامیان عزیز و سر بلند و نفاق و منافقان خوار و سر  
افکنده گردند.

و حال به امید آن روز موعود که ما شیعیان علی بن ابی  
طالب و همه آن انسانهای در بند عالم از بهترین یاران آن مهر  
تابان در دولت حقه اش باشیم. انشاء الله

يَا رَبَّ الْحُسَيْنِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ بِظُهُورِ الْحُجَّةِ

آمین یا رب العالمین

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۸۱

۲ - بحار الانوار جلد ۵۲ ص ۳۰

## منابع و مأخذ

- ۱- روزگار رهائی      کامل میلمان
- ۲- مهدی موعود      حسین عمادزاده
- ۳- پیام امام زمان      وحید خراسانی
- ۴- حق الیقین      مرحوم مجلسی
- ۵- رجعت      مرحوم مجلسی
- ۶- حلیة المتقین      مرحوم مجلسی
- ۷- ملاقات با امام زمان      سید حسن ابطحی
- ۸- النجم الثاقب      حسین طبرسی نوری
- ۹- جهان بعد از ظهور      محمد خادمی شیرازی
- ۱۰- بقیة الله      محمد خادمی شیرازی
- ۱۱- جلد سیزدهم بحار الانوار      علامه مجلسی
- ۱۲- الملاحم      محمد حسین همدانی طاوئی
- ۱۳- پیشگوئیهای رهبران اسلام      سید نورالدین علوی طالقانی
- ۱۴- سوگنامه آل محمد (ص)      محمد محمدی اشتهاردی



تذکر:

در پایان از محضر روحانیون محترم و  
اساتید و صاحب نظران گرامی تقاضا  
می گردد چنانچه در مطالب مندرج در این  
کتاب نقصی مشاهده نمودند نظریات و  
انتقادات خود را به صندوق پستی  
۱۶۷۶۵/۶۷۸ تهران ارسال دارند. به امید  
موفقیت شما سروران؛ والسلام.

التماس دعا